



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
و فرازهای راست و فناوری آموزشی

# رشد آموزش

۵۶

| فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای معلمان، دانشجویان  
و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش | دوره هفدهم  
شماره ۲۰ | زمستان ۱۳۹۸ | ۴۹۵۰۰ صفحه | ۴۹۵۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵ |  
w w w . r o s h d m a g . i r

## پویش هنری هدفمند

### کشف زیبایی

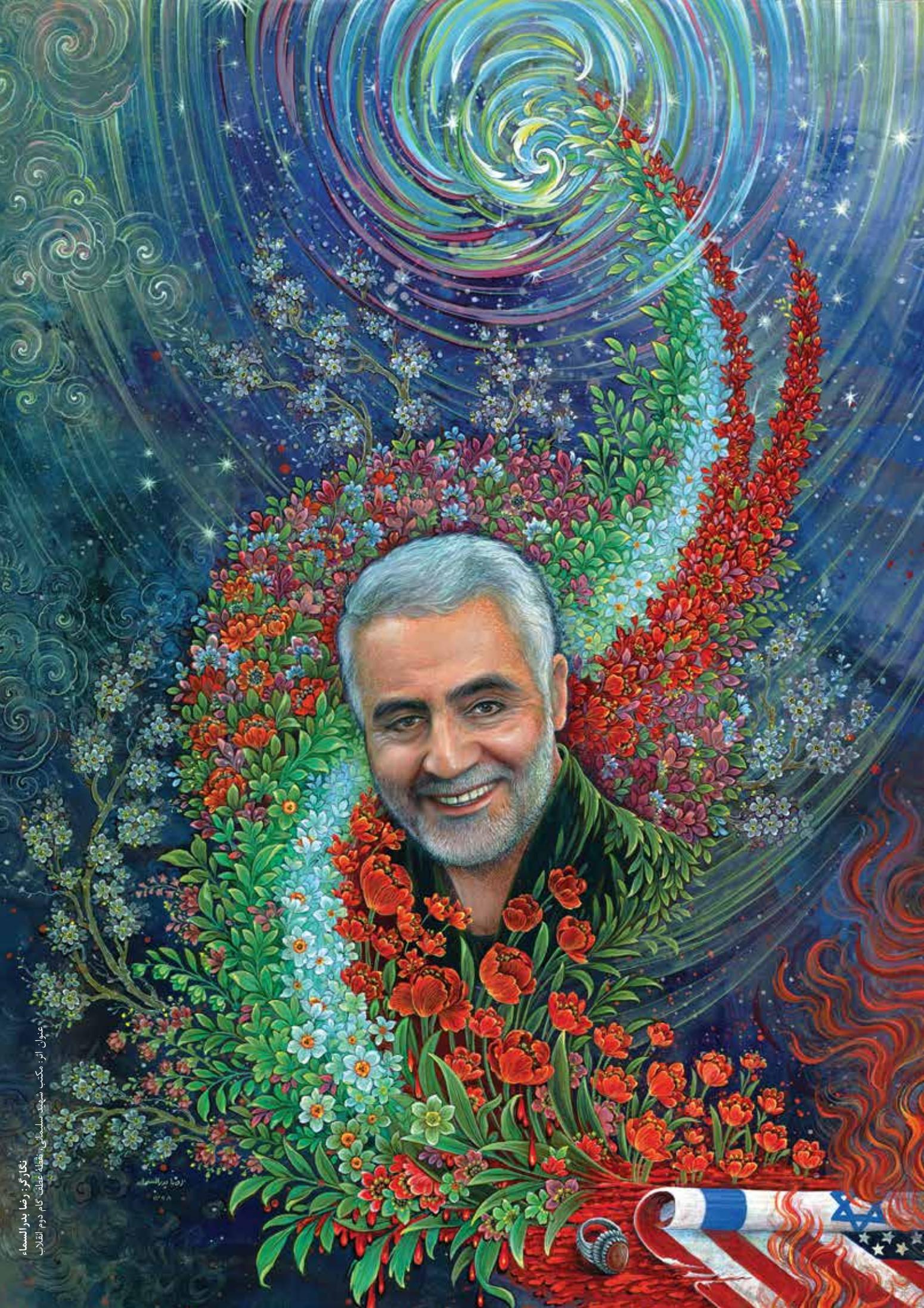
### آشنایی با قطعه‌سازی هنری

### دیرپا و سنتی

### اصول طراحی پوستر

### اخلاص در کار عشق در هنر





عنوان اثر: مکتب شهید سلیمانی، شفعت عالی، کام دوم شغل

نگار رضا بدر السعاء

مدیر مسئول: مسعود فیاضی
سودبیر: کاوه تمیوری
هیئت تحریریه:
مرضیه پناهیان پور
مهدی الماسی
محمد قاسم‌زادگان
محمود حاجی‌آقایی
مدیر داخلی: اعظم لاریجانی
ویراستار: جعفر ربانی
مدیر هنری: کوثر سازمانزاد
طراح گرافیک: مجید کاظمی
دبیر عکس: پرویز فرگوزی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ابرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶۱
صندوق پستی: ۱۵۷۵۴۵۸۱
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۳۱۱۶۱-۹
نامبر: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام‌نگار: honar@roshdmag.ir
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۷۵۳۷۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۶۷۳۰۸
پیامک: ۰۳۰۰۰۸۹۹۵
چاپ و توزیع: شرکت افست
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

سرمقاله
میزگرد
گزارش
یادداشت
گزارش
مقاله
از تکاه دبیر هنر
یادداشت
مقاله
مقاله
گفت و گو
یاد
یادداشت
یادداشت
گفت و گو
گزارش
ترجمه
مقاله
مقاله
اصحابه
جشنواره نوآوری و توفيق دبیران هنر
بهار بد خشان
صلح و سلام ایده‌ای ناب برای دبیران هنر
اخلاص در کار عشق در هنر



روی جلد:  
استاد حسین محجوی  
(نگارخانه مهرسان)

قابل توجه نویسنده‌گان و مترجمان:

● مجله رشد آموزش هنر، آثار هنرمندان، استادان و صاحب‌نظران، بهویه معلمان و مدرسان هنر و نیز، هنرجویان و دانشجویان رشته‌های هنری را که در نشریات عمومی منتشر نشده باشد، برای چاپ می‌پذیرد. ● مطالب ارسالی باید با اهداف کلان آموزش هنر در نظام آموزشی کشور هم خوان باشد و به حل مشکلات ریز و درشت آموزش هنر در مدارس و مراکز رسمی آموزش کمک کند. ● مطالب باید با خطی خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود و حاشیه صفحه و فاصله سطرها برای اعمال ویرایش مناسب باشد. ● جم مقالات از ۱۵ صفحه دست‌نویس و ده صفحه حروف‌چینی شده بیشتر نباشد. ● اگر مطلبی، عکس یا تصویر و جدول و نمودار دار، جای قرار گرفتن آن‌ها در حاشیه صفحات مشخص شود و تمام موارد به صورت لوح فشرده (با فرمت tif یا jpeg) حداقل سیصد) همراه متن فرستاده شود. ● کپی صفحات اصلی متن ترجمه ضمیمه شود تا در صورت لزوم، بررسی صحت ترجمه و همخوانی آن با متن اصلی ممکن باشد. ● اهداف مقاله و چیزیهای کلیدی‌وازه در صفحه‌ای مجزا ضمیمه شود. ● معروفی کوتاه پدیدآورنده، همراه نشانی و مخصوصاً شماره تلفن او در برگاه‌ای جدا پیوست باشد. ● بی‌نوشتها و مبالغ باید کامل و شامل نویسنده، مترجم، نام کتاب، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره مفعه باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. ● مطالب چاپ شده، لزوماً بیانگر دیدگار دانشگان مجده نیست و مسئولیت پاسخ‌گیری، پا دید آورنده است. ● دفتر مجله از تکه‌هایی یا بازگرداندن مطالب ردد شده، جز در موارد خاص، معمور است. ● ترتیب چاپ مطالب به معنای درجه‌بندی و ارزش‌گذاری نیست، بلکه بر حسب ملاحظات فنی و رعایت تناسب و تنوع است.

# زندگے و آموزنگے

«اطلبوالعلمِ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الْحَدِ» پیامبر (ص)

به قله می‌رسند» و تأکید دارد که «همه با داشتن هر سطحی از توان یاد می‌گیرند.» این‌ها فرازهای امیدوارکننده برای شور و حرکت است. ما اخبار سیاست را در لحظه می‌شنویم و حوادث ورزشی را در ثانیه‌ها می‌بینیم. این مقدمه را، در ستایش آموزش، از آنجا آوردم که آموزش هنر را در پلهای بالاتر قرار دهم. زیرا اگر بعضی از آموزش‌ها اجباری و از سر نیاز است آموزش هنر و مدام بودن آن برای دانش آموزان و دبیران و همکاران ارجمند باشد و علاقه و جاذبه و دلنشیستی و خاطره‌آفرینی همراه است.

خاطره‌آفرینی را از آن جهت ذکر کردم که در رابطه مستقیم و آموزش چهره‌چهره استاد به شاگرد زبایترین و شیرین‌ترین یادگاری‌های آموزش در ذهن و یاد هر دو نقش می‌گیرد. نقشی مداوم و شادی آفرین که روح را التنداز و انبساط خاطر می‌بخشد.

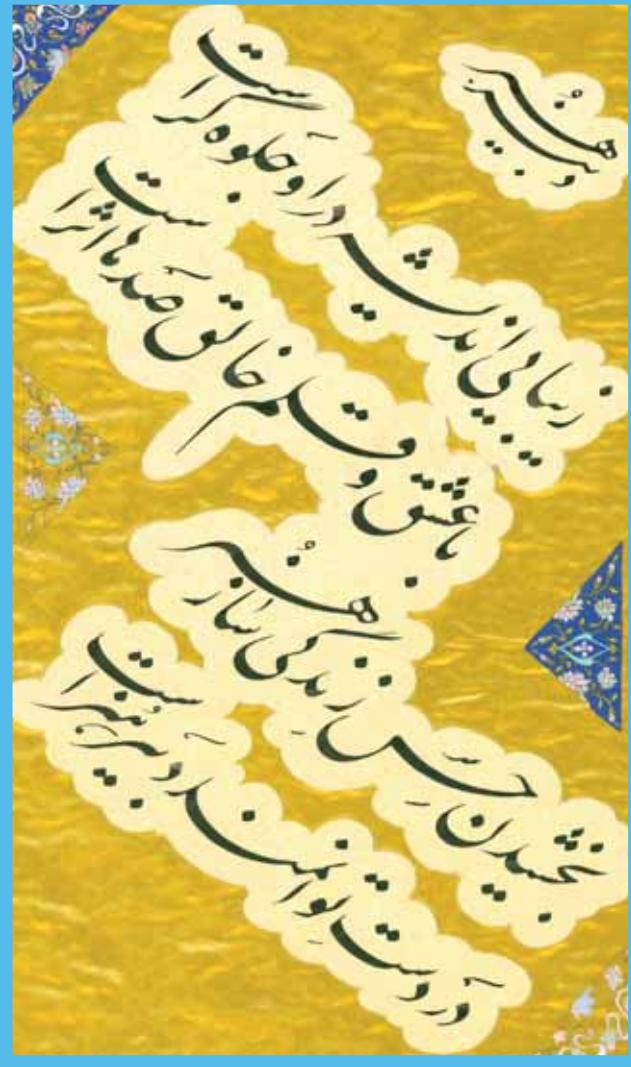
معروف است که می‌گویند که در یک سازمان یادگیرنده، که نهاد تعلیم و تربیت را شامل می‌شود، همیشه یک سوم از اعضا اآن در حال آموزش‌اند. این ثروت نهفته و ارزش افزوده آموزش است که دستگاه آموزشی را زنده و پویا و حرکت‌آفرین و

زیبایی اندیشه در او جلوه‌گر است با عشق و قلم، خالق صدھا اثر است بخشیدن حس زندگی ساز هنر در دست توانمند «دبیر هنر» است!

«مادام که زنده‌ایم باید آموزنده باشیم» این سخن «سولون» حکیم یونان باستان است که سرلوحه و زیربنای تعلیم و تربیت نوین امروز است؛ یعنی تفکری که جهان را به مثابه مدرسه‌های می‌داند که یادگیری در آن مدام‌العمر است. در دنیای امروز مدام زمان بازنیستگی را عقب می‌برند و بر این تأکید می‌کنند که یادگیری و کار و تلاش امری می‌باشد. باید دائم یاد گرفت و قوه فکر و اندیشه را در راه یادگیری صرف کرد. ارزش آموزش ناشی از حکمت‌های نهفته در آن است؛ و این نکته‌ای است که ما در لحظه از آن آگاه نمی‌شویم، زیرا فرآیند درونی و تدریجی آموزش به گونه‌ای است که خالی از هر گونه هیجان و هیاهو راه خود را مانند رودی آرام اما در حرکت بروز می‌دهد، اما لا جرم به گستره دریا می‌رسد. این نکته تأییدی است بر فرازهای برجسته تعلیم و تربیتی که باور دارد همه «فراگیران و در نهایت همه انسان‌ها

آشنایی همکاران با هنرهای متنوع فراهم کرده‌اند. پیشنهاد این است که سرگروه‌های آموزشی از سطح استان تا شهرستان تقویم آموزش سالانه خود و جلسات ماهانه را با تشکیل جلسات کاری تنظیم و تقویم تصویب شده کارگاه‌های آموزشی را در ابتدای سال تحصیلی به سمع و نظر سایر دبیران و همکاران رسانده و آنان را برای شرکت در این کارگاه‌ها ترغیب و تشویق کنند.

در واقع ترمیم کاستی‌های آموزش در حین تدریس یکی از راهکارهای اصلی برای غنی‌ساختن کلاس هنر دانش‌آموزان خواهد بود. جدی انگاشتن این موضوع امری بایسته و ضروری است. رشد آموزش هنر در انکاس رخدادهای کارگاهی و به اشتراک گذاشتن دستاوردهای آن‌ها آمادگی دارد. بیایید مجامع گروه‌های آموزشی را در هر ماه برگزار کنیم و در هر جلسه یکی از اجزای اصلی برپایی کارگاه و ارائه مطلب توسط یکی از دبیران و صاحب هنرمان متخصص باشد. حتی اگر راه ناهمواری هم باشد دیر یا زود با گرفتن نتیجه می‌تواند موانع را از پیش روی بردارد.



بالنده می‌کند. در کتاب‌های درسی هنر و منطبق بر برنامه درسی شمار قابل توجهی از هنرهای گوناگون برای آموزش درج شده است. واقعیت این است که در پیکره تعلیم و تربیت هنری دبیران هنری که در این رشته‌ها تبحر لازم و اثر آفرین را داشته باشند کم نیستند!

اما سرگروه‌های آموزشی هنر که همگی از دبیران علاقه‌مند و فعال هنر هستند با برپایی کارگاه‌های آموزشی موقعیت‌های بازآموزی را، تا اندازه‌ای برای

# پویش هنر

## هدفمند

### اشاره

همواره از مباحث مطرح شده توسط دبیران هنر نکته‌های تازه آموخته‌ایم. دبیران هنر با مسئولیت و اراده والا به کلاس می‌روند و همین ویژگی است که تمام لحظات حضور آن‌ها را در کلاس برای دانش‌آموزان معنی‌دار می‌کند.

در گفت‌وگویی که می‌خواهید دبیران هنر استان البرز با همان احساس مسئولیت، هم از توفيق‌ها می‌گویند و هم از کاستی‌های فضای تدریس خود. هر دو شنیدنی و خواندنی است. برایشان موفقیت بیشتر آرزو داریم.

### کفت و گو با دبیران محترم همنراستان البرز

#### رشد آموزش هنر

از زنگ هنر و انتقادات و پیشنهادهایی را در مورد محتوای کتاب درسی هنر و فرهنگ مطرح سازند.

**علی افراصیابی** من در رشتۀ مدیریت آموزشی تحصیل کردم، به همکاران و اولیا و دانش‌آموزان بسیار خوبی که دارم افتخار می‌کنم. من هم قبول دارم که مدیر مدرسه باید فعالیت‌های دبیران هنر را تسهیل کند تا در بی‌آن اختلافات بهتری بیفتد. نوونه آن حضور ارزشمند شماست که باعث برگ و نعمت مدرسه ماست.

**علی شریف کاظمی** سرگروه سمپاد استان و در ضمن شاغل در مدرسه شهید باهنر ۴ هستم. بعد از اینکه کتاب نهم چاپ شد کتاب دهم شروع به نگارش شد و دیر به مدارس رسید. در ضمن به علت کمبود دبیر تخصصی هنر، کتاب دهم و یازدهم در مدارس آن‌طور که باید تدریس نشده است.

**راه حل این مسئله چیست؟** زیرساخت‌های مناسب برای به راه انداختن این جریان که همان تربیت دبیران هنر است باید به وجود بیاید. وقتی ما نیروی انسانی برای این کار نداریم قادر به اجرای برنامه‌های طراحی شده هم نخواهیم بود. ما برای تدریس کتاب‌های دهم و یازدهم دبیرانی را نیاز داریم که تحصیلاتشان در زمینه پژوهش هنر باشد. این کتاب‌ها با کتاب‌های هفتم و هشتم و نهم متفاوت است،

با تشکر از سرگروه رشد هنر

استان برای تشکیل میزگرد دبیران هنر. این میزگرد همزمان با برپایی نمایشگاه و آثار هنری دانش‌آموزان تشکیل شد. امروز شاهد بودیم که بیرق هنر در بین ۴۰۰ دانش‌آموز و کارهای هنری‌شان برافراشته شد و این رویداد بسیار مغتنم بود.

این انبساط درونی که برای هر یک از ما ایجاد شد به واسطه درس هنر است که پرچم آن در دست دبیر هنر قرار دارد و رایت اصلی آن به دست مدیر آموزشگاه است.

ما در مجله همواره از مدیران مدرسه خواسته‌ایم که از معلم هنر مدرسه‌خود پشتیبانی لازم را به عمل آورند، زیرا می‌دانیم که وقتی چنین اتفاقی رخ دهد، جذابیت و بهره‌وری کار معلم و دانش‌آموز دوچندان می‌شود.

شما با گذاشتن نمایشگاه این چنینی از آثار دانش‌آموزان خود موجب شکوفایی آن‌ها در زمینه هنری می‌شوید و در آینده خیلی از آنان را در کنار مهندسان یا پژوهشکار موفق خواهید دید. انشاء‌الله

که تلاش‌های این چنینی رو به فزونی باشد. ما از معلمین عزیزی که اینجا هستند می‌خواهیم ضمن معرفی خود بگویند شاخص یک معلم محبوب هنر چیست و همچنین درباره (انتظار دانش‌آموز از معلم هنر) برایمان بگویند و خاطراتی



علی افراصیابی



اسدا... موزنی



دبیران هنر استان البرز

کمبود دبیر تخصصی هنر در متوسطه دوم این کمبود در متوسطه اول نیز بسیار شدید است. استان البرز ۱۹۱ مدرسه دخترانه و ۱۷۸ مدرسه پسرانه دارد، ولی همکاران تخصصی هنر، فقط ۵۰ نفر آقایان و ۳۱ نفر خانم ها هستند. به همین علت ۳۴۹۶ ساعت را دبیران غیرتخصصی هنر تدریس می کنند. ما ۱۴۵ نیروی تخصصی در سطح استان کمبود داریم. در کلاس های استان البرز تنها ۳۵ درصد از دبیران هنر تخصصی هستند.

پیشنهاد من این است که دانشگاه فرهنگیان بیشتر داشتجوی هنر بگیرد. پیشنهاد دیگری هم دارم که در حال پیگیری عملی شدن آن هستیم و آن است که همکارانی که بالای ۶ ساعت هنر تدریس می کنند و ۳ سال پشت سر هم این درس را داشته اند و همچنان تمایل به تدریس هنر دارند، از آن ها آزمونی گرفته شود و سطح آن ها سنجیده شود و در تابستان برای آقایان دوره هایی گذاشته شود و آنچه نیاز است به آن ها تدریس شود. در پایان هم گواهی با بلاغی به آن ها بدنهند که مدیران ملزم شوند که این دبیران را در درس هنر به کار گیرند. مشکل دیگر این است که با وجود اینکه استان البرز دارای ۸ منطقه است اما تنها سرگروه استان من هستم و این کار را سخت تر می کند. من برای بازدید از مدارس ۸ ساعت ابلاغ دارم اما تمام وقت را باید صرف این کار کنم. در ضمن اگر هر منطقه سرگروه داشت می توانستیم کارگاه هایی برای همکاران غیرتخصصی بگذاریم تا با دست پرتری در کلاس ها حضور پیدا کنند.



علی افشاری



لیلی عزیزی

چرا که متوسطه اول بیشتر مباحث مربوط به کارهای عملی بود.

در هنرستان های ما، همکارانی با این ویژگی و تخصصیات هستند شما از این همکاران کمک نگرفتید؟  
بله قطعاً داریم اما تعدادشان به نسبت کل دبیرستان های استان سیار اندک است.

**✿ سید علی رئیسی** دبیر هنر هستم. در مورد کمبود دبیران تخصصی، مسئولان آن طور که باید راه حل های پیشنهادی ما را عملی نمی کنند. برای مثال برای جبران کمبود دبیر ما می توانیم از فارغ التحصیلان رشته خوشنویسی که دارای مدارک استادی، فوق ممتازی و ممتاز هستند استفاده کنیم. یا در این جمله نگارگری ایران برای مثال استاد محمد باقر آقامیری حدود ۳۰۰ فارغ التحصیل دارند که همه آن ها هم پژوهش نامه و هم پایان نامه دارند. و قابلیت این را دارند که به عنوان دبیر تخصصی هنر در آموزش و پرورش فعالیت کنند. ولی ما امکان استفاده از آن ها را نداریم.

**✿ معصومه محمدنیا (سرگروه استان)** با ۲۷ سال سابقه تدریس، ۵ سال است که سرگروه استان هستم با مدرک کارشناسی ارشد پژوهش هنر. علاوه بر

کم اتفاق می‌افتد. چرا که این کتاب به هر هنری چنگ می‌زند اما به هیچ کدام آن طور که باید و شاید نمی‌رسد. اگر هدف آشنا شدن دانش‌آموز با انواع رشته‌های هنری است باید در پایه دهم آن‌ها را به عنوان انتخاب رشته استفاده کند و استعدادش را شناسایی کند.

**دبیران هنری هستند که از کتاب بخشی را می‌گیرند و با دانش‌آموزان کار می‌کنند و این کتاب را معنادار می‌کنند.**

برای مثال در نمایشگاهی که شما از آثار دانش‌آموزان برگزار کردید دبیر برای راهنمایی دانش‌آموز ذوقی خوشنویسانه داشته و موجب پدید آمدن چنین آثاری با آن شکل و فرم‌ها شده است.

بنابراین ما هستیم که از ماده یا موادی که بی‌زبان است عنصری جاندار و زبان‌دار درست می‌کنیم.

**﴿مؤذن﴾** گسترده‌گی کتاب، هم معلم و دانش‌آموز را دچار چالش می‌کند. دانش‌آموز نمی‌تواند متمرکز شود و آن هنر مشخص را به درستی بشناسد. و در انتخاب رشته هم به سمت آنچه که نشناخته است نمی‌رود.

نتیجه چنین کتابی آن می‌شود که هر دبیر خود و اندیشه‌های خودش را محور قرار می‌دهد و برای خودش استاد می‌شود و به صورت علمی پیش نمی‌رود. و تنها در زمینه‌ای که وارد است کلاس هنر را پیش می‌برد، و کتاب را کنار می‌گذاردا!

حسن کتاب آن است که خواسته است دانش‌آموز را با هنرهای زیادی آشنا کند، هر چند در آن موفق نبوده.

معضل اصلی ما کمبود معلم نیست، بلکه آن است که دبیران هنر تخصصی ما چون فقط در یک سری از

زمینه‌های هنری پرورش یافته‌اند ناکارآمد می‌شوند.

راه حل این مسئله برگزاری کارگاه‌های مختلف توسط دبیران تخصصی هنر است تا دبیران از همدیگر در زمینه‌ای که مهارت‌شان در آن کمتر است از دبیران دیگر یاد بگیرند.

**﴿رئیس﴾** من با صحبت آقای مؤذنی موافقم. اما در انتخاب موضوع هنر برای تدریس بحث علاقه‌مندانی از خود دانش‌آموز هم هست که باید در نظر گرفته شود.

**﴿لیلی عزیزی﴾** دبیر هنر ناحیه ۳ مدرسه رضوان با مدرک فوق دیپلم هنرهای تجسمی هستم. تنها نتیجه‌ای که در این سال‌ها گرفتیم این بوده که در بچه‌ها انگیزه و خلاقیت ایجاد کنیم تا راهی که انتخاب می‌کنند درست باشد.

هنر در دختران دارای علاقه‌مندان زیاد است اما هنوز جایگاه ویژه خود را ندارد.

**﴿شریفی﴾** وقتی کتاب متوسطه اول نوشته شد نگرش از آموزش هنر به فرهنگ و هنر ارتقا پیدا کرد و این اتفاق بسیار مثبتی بود. در کتاب قبلی دانش‌آموز مجبور به کپی کاری بود، اما در کتاب‌های جدید دانش‌آموز در شرایطی قرار می‌گیرد که می‌تواند استعداد و خلاقیت‌ش شکوفا شود. چه خوب است علاوه بر آنکه دانش‌آموز باسواند بار باید خلاق نیز شود تا در آینده پژوهش یا مهندس باسواند و خلاق داشته باشیم. هر حرکت نو و تازه‌ای طبیعتاً دارای کاستی‌هایی نیز هست.

- هر دبیری، به نوعی، خوانش خاص خود را از کتاب فرهنگ و هنر داراست و مناسب با زمینه هنری و علائق خود بخشی از کتاب را برجسته‌تر پیش می‌برد، آیا همین گونه نیست؟

دبیران هنر ما نمی‌توانند در همه رشته‌ها تخصصی عمل کنند و شرایط ایجاب می‌کند که این اتفاق بیفتند. در خود کتاب نیز خیلی جاها اشاره شده این قسمت تجویزی و یا نیمه تجویزی است تا دبیر هنر مناسب با شرایط در کلاس اقدام لازم را انجام دهد.

**﴿اسدالله مؤذن﴾** ۱۸ سال سابقه فعالیت حرفه‌ای هنر دارم. ۱۱ سال هم در آموزش‌پرورش سابقه دارم ولی قبل از آن در کنار هنرمندانی که صرفاً فعالیت هنری حرفه‌ای داشتند تجربیاتی کسب کردم که با تجربه‌هایم در آموزش‌پرورش کاملاً متفاوت بود. فضای آموزش‌پرورش از نظر نگاه به هنر بسیار پایین است. ما به نیابت از همکاران هنر البرز در خواست داشتیم که در اعتباری خشی به این کتاب جلسه‌ای گذاشته شود و نقدهایی را مطرح کردیم اما به هیچ کدام به اندازه کافی پرداخته نشد.

مثلاً در بحث طراحی، نمایش و ... کتاب به گونه‌ایست که مطالعه در هر سال در حال تکرار شدن است. یا در هنرهای سنتی که اقیانوسی از مطلب است و اگر پا در آن‌ها بگذاریم گم می‌شویم؛ اما به صورت تجویزی و غیر تجویزی به این مسئله پرداخته شده.

البته حرکت کتاب رو به جلو است و دارای پیشرفت بوده اما به جهت آنکه پویایی بیشتری مدنظر ماست کاستی‌ها را نیز باید مطرح کنیم.

کتاب پایه هفتم قدیم نسبت به کتاب جدید به تکنیک‌های خوشنویسی و طراحی بیشتری پرداخته بود. هنر را در یک جمله نمی‌توان خلاصه کرد و این امتیاز کتاب است که به هنرهای زیادی پرداخته. اما چه خوب بود که برای مثال دو مبحث از مباحث هنری را در سال هفتم می‌آورد و همین طور در سال‌های بعدی به هنرهای دیگر می‌پرداخت. هدف از این کتاب و آنچه مورد نیاز دانش‌آموز است تربیت هنری است. اما اکنون بعد از پایه نهم آنچه مطلوب ماست با چنین روشی خیلی محدود و



محمد رضا عباسی



محمد خیراندیش



من جای خالی بعضی از مباحثت را در کتاب درسی حس می‌کنم؛ برای مثال مبحث رنگ و پرسپکتیو. چون خلاً نبود این‌ها حس می‌شود من به ناچار خودم تدریس‌شان می‌کنم. با توجه به اینکه با کمبود دیر تخصصی هنر روبه‌رو هستیم این مباحثت در کتاب درسی باید مطرح شود چرا که خیلی از همکاران که تدریس می‌کنند این نیازهار نمی‌دانند.

در مورد عکاسی هم در مدارس آوردن موبایل برای گرفتن عکس ممنوع است و تمرین عکاسی نداریم و بهتر است در این زمینه توجیه‌هایی صورت بگیرد. از مشکلات کتاب می‌توان به پایین بودن کیفیت تصاویر آن اشاره کرد. در مورد خاطره از کلاس هنر باید بگوییم که درس هنر هیچ‌چیز نیست به جز حظ و افر و خاطره و عشق؛ و انتخاب از میان آن‌ها سخت است!

**محمد زحمت‌کش** در ناحیه ۴ البرز تدریس می‌کنم. با ۲۷ سال سابقه، دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته گرافیک هستم. برای گفتن خاطره از کلاس هنر باید از اینجا شروع کنم که بهترین دوستان الان من، دانش‌آموzan سال‌های اول تدریس من هستند. در آن سال انرژی خوبی داشتم و شرایط مساعدتر بود.

برای انگیزه دادن به بچه‌ها بهترین روش دوست بودن با آن‌هاست. هر چقدر فضا جدی‌تر و درس نمره‌گرater می‌شود فاصله معلم و دانش‌آموزن هم بیشتر می‌شود. دانش‌آموزنی که عاشق معلمش شود، حتی اگر از آن درس متنفر هم باشد، کم‌کم به آن علاقه نشان خواهد داد.

من فکر می‌کنم کتاب هنر و درس هنر به اندازه نیاز جدی گرفته نمی‌شود و در حد رفع تکلیف به آن پرداخته می‌شود.

در کلاس‌ها فضای کافی برای انجام کار هنری در اختیار ما قرار نمی‌گیرد. برای رفع نقص‌های کتاب درسی، مسابقه‌ای برای طرح درس، اتفاق خوبی بود. این مسابقه در سطح کشوری برگزار شد و ما در بخش تصویرسازی رتبه ۲ کشوری را کسب کردیم.

چون در خانواده و ذهن خود بچه‌ها این طور جا افتاده که هنر به درد آینده بچه‌ها نمی‌خورد، به همین دلیل دنیا آن را نمی‌گیرند. و بیشتر به درس‌های ریاضی و علوم گرایش دارند.

**شما انگیزه را، که خیزشگاه موفقیت در آموزش هنر است، در بچه‌ها چگونه به وجود می‌آورید؟**  
**عزیزی:** من بچه‌ها را در وهله اول، حتی اگر تولید هنری‌شان کم‌ازش و ناچیز باشد، خیلی تشویق می‌کنم. هر دانش‌آموزن را با خودش می‌ستجم و از مقایسه او با دیگر دانش‌آموزان خودداری می‌کنم. با دانش‌آموزانی که علاقه زیادی نشان می‌دهند و با استعداد هستند زمان بیشتری را می‌گذرانم. تشویق می‌کنم که بچه‌ها روی علاقه‌هایشان پژوهش داشته باشند و کلاس‌هایی فراتر از مدرسه بروند.

**برای بهبود کیفی کتاب چه نکاتی را مدنظر دارید؟**  
**عزیزی** حجم درس‌ها خیلی سنگین است و دانش‌آموزن نتیجه مطلوب را نمی‌گیرد. مثلاً در پایه هشتم درس تصویرسازی خیلی زمان می‌برد.

**مریم یوسفیان** کارشناسی هنرهای تجسمی دارم. با سابقه ۱۷ سال. در متواتر اول تدریس می‌کنم. کتاب مباحثت زیادی دارد. این تنوع هم سختی کار است و هم شیرینی کار؛ چرا که ما می‌توانیم از بین آن‌ها انتخاب کیم. من از بچه‌ها هم در این زمینه کمک می‌گیرم تا اگر در مبحثی واردند مشارکت کنند. از روش آموزش دانش‌آموزن به داشت آموز که دلخواه بسیاری از بچه‌هاست زیرنظر خودم، استفاده می‌کنم. این اتفاق بیشتر در بحث موسیقی و نمایش که خودم خیلی سررشه ندارم رخ می‌دهد.

این کار باعث می‌شود که دانش‌آموزان در طی ۳ سال هفتم تا نهم به خودبازری برسند و بدانند که آن‌ها هم می‌توانند تولید و خلاقیت‌های هنری داشته باشند.

**سارا اشکانی** لیسانس هنر دارم با ۲۰ سال سابقه تدریس، و در ناحیه ۳ تدریس می‌کنم.



معصومه محمدی‌نیا



مریم یوسفیان



سارا اشکانی



سید میرعلی رئیسی

و تأليف کنیم که بتواند نظرات مردم ایران را در چهار گوشه کشور تأمین کند. ادوارد براون کتابی دارد که در ابتدای آن نوشته است «اگر می خواستم کتابی بنویسم که هیچ کس نتواند از آن ایرادی بگیرد هرگز کتابی نمی نوشتم» طبق فرمایش شما اگر از کتاب محوری به معلم محوری در چارچوب کتاب مهاجرت کنیم می تواند روشی مؤثر باشد.

**Mehdi Taher Khanie** من به دلیل خوش حال هستم که هنر تدریس می کنم. اول اینکه هیچ وقت با یک امتحان یک روزه نمره را تعیین نمی کنم، دوم اینکه سرفصل کارها و طراحی درس را خودم بدون متولب

هر کدام از همکاران در کنار نقدی که از کتاب درسی می کنند اگر پیشنهادی را هم در ذهنشان دارند می توانند تجربیاتشان از کلاس را در قالب طرح درس مطرح کنند و به بهبدود کتاب درسی نیز کمک کنند.



مهردی طاهرخانی

\***Mehdi Taher Khanie** با ۲۰ سال سابقه در ناحیه ۳ کرج تدریس می کنم. من هم هنرهای تجسمی خواندم و هم در تحصیلات تكمیلی حقوق خواندم.

من در طی ۲۰ سال گذشته هر سال در جلسه هایی که گروه های آموزشی ترتیب می دادند شرکت کرده ام و دیده ام که سرفصل مشترک همه این جلسات نواقص کتاب درسی هنر است و در آخر هم به نتیجه مطلوب



علی سوادی



شدن به کتاب انجام می دهم و این طراحی بعد از سنجیدن روحیات دانش آموزان هر مدرسه است. اعمال سلیقۀ معلم هنر چیز خوبی است اگر به کمک گروه های آموزشی به سمتی مثبت هدایت شود. همچنین ابزار های هنر دیگری از جمله مجلات هنر در آگاه سازی معلم ان هنر از روش های کارا و مفید برای تدریس هر سرفصل بسیار مؤثر است. وقتی تجربیات معلم ان هنر برای هم دیگر به اشتراک گذاشته شود مسلمان ابا عث ارتقای سطح تدریس هنر خواهد شد.

**Mohamed Khirandish** ۲۷ سال سابقه تدریس دارم. خاطره ای از کلاس هنر دارم، این خاطره در کلاسی از یک مدرسه در روستایی به نام بردستان، که از توابع بوشهر است، اتفاق افتاد. وقتی به عنوان معلم هنر به آنجا رفتم دانش آموزان با این درس بیگانه بودند و ۲۰ نفر از بچه ها به دلیل به رسمیت نشناختن درس هنر از کلاس بیرون رفتند و مشغول بازی فوتبال شدند و فقط ۷ نفر سر کلاس نشسته بودند من توانایی و هنر را در تدریس هنر به نمایش گذاشتم. در این هنگام دانش آموزانی که بیرون

نمی رسمیم. حتی اگر بهترین کتاب هنر هم برای کشور ما طراحی شود معلم ان هنر گله مند هستند و این قضیه مرا ناراحت می کند.

نگاه ما به هنر اگر از «کتاب محوری» به «معلم محوری» تغییر کند و به کتاب به عنوان ابزاری در دست دانش آموز، که باعث قرار گرفتن او در مسیر می شود، بنگریم گله مندی هایمان از کتاب درسی کمتر خواهد شد. از مشکلات کتاب عدم وحدت رویه بین طراحی مطالب، بین خوشنویسی با دیگر عناوین کتاب درسی است اما امروز ما شاهد هستیم که معلم ان هنر، خوشنویسی را به شکل خلاقانه با تلفیقی از فرم و میانی رنگ ها کنار هم می نشانند و کار می کنند. در حالی که در کتاب هیچ دستوری در این زمینه داده نشده است. با هنرمندی معلم در طراحی درس به این شکل است که باعث شکوفایی دانش آموزان و خلق آثار هنری می شود.

به نظر من کتاب به هر شکلی طراحی شود باز هم با وجود مشکلات چاپ نواقصی خواهد داشت.

به نظر من هم بعيد است بتوانیم کتابی را طراحی



محمد زحمتکش

درس تأثیرگذاری لازم را داشته باشد.  
در کل به نظر من مهم این است که همکاران ساعتی را برای بچه‌ها رقم بزنند که لحظات خوشی داشته باشند و لذت ببرند.

**علی طاهری** من در طی این سال‌ها دریافتمن که آموزش هر درسی را اگر در قالب هنر نیاوریم قادر به یاد دادن آن نیستیم. اگر دانش‌آموزی بعد از ۲۰ سال یاد و خاطره علم ریاضی اش را در سر می‌پروراند به خاطر مباحث ریاضی نیست، بلکه به خاطر هنر تدریس آن معلم است. خوبی کلاس هنر این است که معلم هنر هر جلسه دانش‌آموز را از ریاضی می‌کند و می‌ستجد و چه نیکو می‌شد اگر معلمان دیگر دروس نیز از این شیوه استفاده می‌کردند. از مزیت‌های درس هنر آن است که نسبت به در خصوصی انجام گرفته مثل انتشار مجله و ... در مورد نقص‌های کتاب هنر هم در تأیید فرمایشات آقای طاهرخانی باید بگوییم که در سراسر کشور در کلاس‌های هنر این معلمان هستند که مشکلات کتاب را هنگام تدریس مرتفع می‌کنند.

متاسفانه ارتباط مؤثر دروس از جمله ریاضی، علوم و هنر با هم قطع شده در حالی که اگر این دروس با هم مرتبط شوند هر کدام قابلیت این را دارند که در خدمت دیگری قرار بگیرند.

در دروسی مثل هنر که نتیجه محور نیست، بلکه فرایند محور است، درد دل بین معلمین و نقد از کتاب زیاد است و این طبیعی است. اما در طی فرآیند تدریس معلم با روش آشنا می‌شود و نتیجه کارش را در سال‌های بعدی قطعاً خواهد دید.

**مصطفی محمدنیا** در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳ استان البرز در جشنواره درس پژوهی رتبه برتر کشوری را کسب کرد. در جشنواره نوادری در فرایند یادگیری و یاددهی هم، در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶ و ۱۳۹۴-۱۳۹۵ رتبه اول کشوری را کسب کرد. باز در طراحی درس آزاد سال ۱۳۹۶-۱۳۹۵ حائز رتبه دوم کشوری شد. در طراحی ملاک‌های ارزشیابی عملکردی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ هم حائز رتبه اول کشوری شد. به جز این‌ها دو بار هم جزء ۵ استان منتخب کشوری بودیم و رتبه اول را آوردیم و از دبیرخانه کشوری تندیس گرفتیم.

این همت ارزنده را تبریک می‌گوییم و معتقدم که در این نقطه نباید بمانیم؛ و باید بیشتر پیشرفت کنیم.  
از حضور صمیمانه همکاران برای شرکت در میزگرد سپاسگزارم.

رفته بودند خواستند به کلاس بیایند هنگامی که شروع به تمرین در درس هنرهای آوایی کردم دیدم از پشت پنجره مشغول تماشا شدن. به نظرم از اتفاقات خوبی که در کتاب درسی جدید افتاد همین ورود هنرهای آوایی بود. معلم هنر باید همه فن حریف باشد و در همه شرایط بتواند جوابگوی دانش‌آموزان باشد. من هنگامی که دانشجویی تهران بودم. سعی کردم از وقت در جهت کار با استادان بزرگی مثل استاد بیضایی، استاد سمندریان در تئاتر، آقای کیانی و هما روستا استفاده کنم. این اوآخر هم دلم شکسته شدم. در کل من سعی می‌کنم با دانش‌آموزانم دوست باشم. این برای من جای خوشحالی و افتخار دارد که ۱۵ نفر از دانش‌آموزان آن روستا فارغ‌التحصیل فوق‌لیسانس و دکترای هنر هستند. دو نفرشان در دانشگاه تهران، یک نفر در دانشگاه هنر اصفهان و دیگری در بزد تدریس می‌کنند. این برای من کافی است که دانش‌آموزان را به درس هنر علاقه‌مند کنم.

**محمد رضا عباسی** دبیر ناحیه ۴ البرز هستم و در حال کار روی پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته نقاشی.

هنگامی که ما تصمیم به برگزاری نمایشگاه کارهای هنری بچه‌ها گرفتیم قصدمان صرفاً هنری بودن آثار بچه‌ها بود. بلکه ایجاد یک گرد همایی بین دانش‌آموزان و اولیا آن‌ها بود تا موجب تغییر در روحیه دانش‌آموزان و بیرون آمدن از یکنواختی درس‌ها شود. این نمایشگاه نتیجه کار با بچه‌ها در ۳ ماهه اول بود.

به نظر من، چه با کتاب هنر و چه بدون آن، ما معلمان باید فضای را برای جستجو و کنکاش به وجود آوریم. به همین خاطر ماعنوان پوستر «جستجوهای ذهنی» گذاشتیم و قصدمان این بود که ورای نام‌های خوشنویسی یا طراحی یا گرافیک بچه‌ها بازی کنند و نتیجه محور بودن را کتاب بگذارند و چند ساعتی در کلاس، هنر را دغدغه ندانند و در کمال راحتی و شادی به آن بپردازند. البته ما در مدرسه‌ای هستیم که شرایط فراهم است اما می‌دانم در خیلی از مدارس همکاران هنر تنها به اداره کلاس و کنترل دانش‌آموزان مشغول‌اند و شرایط برایشان آن طور که باید فراهم نیست.

در ضمن باید بگوییم که کتاب درسی هنر در بلا تکلیفی است. که آیا مامی خواهیم هنرمند پرورش دهیم یا بچه‌ها را صرفاً با مبانی زیبایی‌شناسی آشنا کنیم. من معتقدم حالا که آموزش پرورش نمی‌تواند دبیران تخصصی هنر را به میزان نیاز فراهم کند اما دست کم می‌تواند شرایط را به گونه‌ای فراهم کند که معلمان در کلاس طراوت لازم را داشته باشند تا ساعتی را که در کلاس درس سپری می‌کنند مطالبی را، حتی اگر چند بیت شعر است، با عشق برای بچه‌ها بیان کنند تا این



محمدحسین سعید  
سرگروه هنر کرمان  
مریم شفیعی  
دبیر هنر کرمان

## گزارش عملکرد گروه فرهنگ و هنر استان کرمان

### اشاره

گروه‌های آموزشی فرهنگ و هنر در استان‌ها امیدبخش ترین حلقة اتصال برنامه‌های تعلیم و تربیت هنری با دبیران هنر متوسطه اول و هنرستان‌های هنری به شمار می‌ایند. امیدبخش از آن جهت که با برنامه‌های پویا، سرکشی به کلاس‌های هنر، ارتباط مستمر با دبیران و از همه مهم‌تر برپایی کارگاه‌های هنری اثربخش، تحریک‌بخشی و انگیزه‌افزایی را در همکاران خود رونق می‌دهند. مروری به کارنامه هر کدام از گروه‌های فرهنگ و هنر ایده‌افرین و حرکت‌دهنده است و آینه‌ای را در مقابل روی همکاران قرار می‌دهند. حتی اگر محورهای مطرح شده به شکل سرفصل هم مطرح شود نشان از تکاپو و تلاش سرگروه‌های استانی و شهرستانی و مناطق می‌باشد. از سرگروه‌ها تقاضا داریم گزارش سالانه گروه فرهنگ و هنر کرمان را مطالعه می‌کنیم.

در این قسمت گزارش عملکرد سالانه گروه فرهنگ و هنر کرمان را مطالعه می‌کنیم.

گزارش اولیه را آقای محمدحسین سعید (سرگروه فرهنگ و هنر کرمان) با همکاری خانم مریم شفیعی تهیه کرده‌اند که از آن‌ها تشکر می‌کنیم.

۵. برنامه بازدید از مکان‌های فرهنگی و تاریخی استان برای دبیران فرهنگ و هنر

۶. عکاسی ویژه نوروز در سطح استان

۷. غنی‌سازی محتوای سایت فرهنگ و هنر استان

۸. برگزاری کارگاه آموزشی تخصصی با موضوع نمایش

### گزارش عملکردی برنامه عملیاتی فرهنگ و هنر

کارگاه‌های آموزشی تخصصی با رویکرد علوم انسانی با موضوع روش تدریس فرهنگ و هنر، چاپ ترافارد، کارگاه سفالگری، لگو و تایپوگرافی و نمایش برگزار و نیز از مکان‌های تاریخی بازدید شد که به مرور برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

### بازدید از میمند تاریخی

برای قدردانی از منتختین کشوری و استانی جشنواره‌های آموزشی در درس فرهنگ و هنر بازدید یک روزه از میمند تاریخی و عمارت موسی خان کرمان برگزاری شد.

### جلسه سرگروه‌های و کارشناسان آموزشی

موضوعات مورد بررسی در این جلسه:

- تأکید بر مأموریت‌ها و بایدیدهای آموزشی

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی مجازی، توانمندسازی

کارگاه‌های آموزشی حضوری و ایجاد سایت برای تمام گروه‌ها

- ارتباط مؤثر با پایگاه‌های کیفیت‌بخشی و سایر گروه‌های

آموزشی مناطق و شهرستان‌های استان کرمان

- بررسی و نظارت بر مدارس غیرانتفاعی

- ایجاد انگیزه برای شرکت دبیران در جشنواره‌ها.

### برنامه عملیاتی فرهنگ و هنر

۱. برگزاری کارگاه‌های گرافیک، طراحی پوستر، لوگوتایپ و نقاشیخط

۲. برگزاری کارگاه آموزشی روش تدریس فرهنگ و هنر

۳. برگزاری کارگاه‌های هنری چاپ پارچه، ترافارد

۴. کارگاه سفالگری

## اجرای اولین برنامه عملیاتی تحصیلی ۹۷-۹۸

از همکاران خواسته شد تا جهت غنی سازی سایت فرهنگ و هنر استان، مطالب و عکس‌های مرتبط با آداب و رسوم و فرهنگ و تاریخ را، برای ما ارسال کنند.

## اجرای دومین برنامه عملیاتی تحصیلی ۹۷-۹۸

جشنواره‌ای با عنوان «عکاسی ویژه نوروز» توسط گروه آموزشی فرهنگ و هنر استان کرمان برگزار شد.

## اولین کارگاه آموزشی

اولین جلسه گروه‌های آموزشی فرهنگ و هنر دو ناحیه ۱ و ۲، در تاریخ ۹۷/۸/۲۹، در مدرسه نمونه دولتی پسرانه بوعلی متوسطه دوره اول با حضور ۶۰ نفر از همکاران برگزار شد. آقای زینلی سرگروه ناحیه ۲ درباره روش تدریس بعضی از دروس مطالبی بیان و کتاب‌های مناسب را به همکاران معرفی کردند.

## گردهمایی در مشهد مقدس

گردهمایی کشوری سرگروه‌های استان‌ها در آبان ماه ۹۷، در مشهد مقدس برگزار گردید. در روز نخست گردهمایی کارگاه روش تدریس هنر توسط استاد قزی و کارگاه آموزش عکاسی توسط استاد فاضل برگزار شد.

در صبح روز دوم همایش کارگاه‌های آموزشی ارزشیابی عملکردی توسط دکتر نادعلی پور برگزار شد و در عصر آن روز کارگاه نگارگری استاد مهدوی و گرافیک استاد خراسانی به اجرا درآمد. در مراسم اختتامیه به بررسی نظرات و مشکلات سرگروه‌های استان‌ها پرداخته شد. در این جلسه خانم دکتر فاطمی نیز از طرف وزارت خانه جوابگوی سوالات بودند و به تبیین مسائل پرداختند.

## جلسات ضمن خدمت تئاتر

اولین جلسه ضمن خدمت تئاتر با حضور استاد حاج عزیزی (کارگردان، بازیگر و مدرس تئاتر) در مدرسه نمونه دولتی امام علی ناحیه ۲ با حضور چهل نفر از همکاران برگزار شد. در این جلسه با دادن تمرین‌های فکری، ذهنی و حرکتی به افراد حاضر در کلاس هیجان و اشتیاق ایجاد شد.

دومین و سومین جلسه ضمن خدمت تئاتر با حضور ۴۴ نفر از همکاران برگزار شد. در این دو جلسه استاد بسیار جامع تر درباره نمایش، تئاتر، بازیگری، کارگردانی صحبت کرد در ادامه نیز سه نفر از خانم‌های همکار ناحیه ۲ (مریم شفیعی، مرضیه مولاوی و مهدیه روح‌الله) که در سال گذشته رتبه اول کشوری را، در ارزشیابی عملکردی فرایند محور درس فرهنگ و هنر با موضوع پته‌دوزی، کسب کرده بودند مورد تقدیر قرار گرفتند. آخرین جلسه ضمن خدمت تئاتر با حضور استادان آقایان یدالله آقاباباسی، حاج عزیزی و آقای سعید سرگروه استان و خانم بستانی سرگروه ناحیه یک و ۵۰ نفر از همکاران برگزار شد. در این جلسه استاد آقاباباسی با تمرین‌های عملی برگرفته از کتاب نمایش خلاق کلاس را اداره کردند.

## اولین جلسه آموزشی در ناحیه یک

اولین جلسه آموزشی هنر ناحیه یک در تاریخ ۹۷/۹/۲۸ در بیرونیان علامه حلبی، با حضور ۴۰ نفر از همکاران تخصصی و غیرتخصصی دو ناحیه و بالاش خانم بستانی سرگروه محترم و آقای سعید سرگروه استان برگزار شد. در این جلسه آقای سعید درباره روش صحیح تدریس و ارزیابی درس فرهنگ و هنر براساس برنامه درس ملی و اهداف سند تحول ملی و برنامه عملیاتی پایگاه صحبت کردند.

## دریافت تندیس برتر کشوری

در تاریخ ۹۷/۱/۲۹ تندیس برتر دبیرخانه کشوری فرهنگ و هنر به پنج استان فعال کشور شامل کرمان، یزد، گیلان، البرز و شهرستان‌های تهران توسط آقای سیف‌الدینی رئیس واحد تکنولوژی آموزشی استان کرمان اهدا شد.

## کارگاه سفال

با تلاش سرگروه‌های هنر استان کرمان در ابراهیم‌آباد زرند، کارگاه سفال خانم مهدیه ضیاء‌الدینی (کارشناس صنایع دستی) با حضور جمعی از همکاران ناحیه ۱ و ۲ کرمان و کوهبنان، با حضور آقای کاظمی رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ برگزار شد.

در این جلسه خانم ضیاء‌الدینی و استاد علیزاده درباره روش کار کردن با گل و تبدیل آن به ظرف سفالی و چگونگی استفاده از رنگ و لعاب و پخت در کوره و ساختن کتیبه توضیحات کاملی ارائه دادند.

**برگزاری کارگاه آموزشی لوگوتایپ و نقاشی خط**  
کارگاه نقاشی خط و طراحی لوگو، وزیره همکاران ناحیه ۲ کرمان با تدریس آقای سعید در مدرسه نمونه دولتی امام علی(ع) با حضور همکاران برگزار شد.

## آموزش و کارگاه چاپ پارچه (ترافارد)

کارگاه آموزش چاپ ترافارد و انواع چاپ‌های دستی برای همکاران ناحیه ۱ و ۲ در دبیرستان نمونه دولتی امام علی(ع) با تدریس خانم شفیعی، و آموزش یک تکنیک کار رنگ بر روی تخته توسط سرگروه فرهنگ و هنر ناحیه ۲ آقای زینلی انجام شد.

## جلسه نقد کتاب راهنما

جلسه نقد کتاب «راهنمای درس فرهنگ و هنر» در کانون اندیشه با حضور ده نفر از همکاران متخصص برگزار شد.

## اهدای جوایز

از طرف «جشنواره آگیرا» سه لوح تندیس به سه همکار فرهنگی که در سال تحصیلی گذشته به طور مشترک ۹۷-۹۶ حائز رتبه سوم کشوری در جشنواره فرایند تدریس و رتبه دوم در کرال فرهنگیان و رتبه برتر کشوری ارزشیابی عملکردی فرایند محور شده بودند اهدا گردید. اسامی سه همکار به شرح زیر است:

۱. خانم مرضیه مولاوی. ۲. خانم مریم شفیعی. ۳. خانم مهدیه روح‌الله

# رسالت و وظيفة اصلی دیبره‌نر

گروه فرهنگ و هنر استان اصفهان سؤالی را محور کار خود قرار داده است که برای پاسخ دادن به آن چند سؤال دیگر نیز مطرح می‌شود که باید جواب داد. این گروه سؤال خود را در گردهمایی‌ها و کارگاه‌های روش تدریس به شور می‌گذارد و از دیبران می‌خواهد پاسخ مناسبی برای آن پیدا کنند.

سؤال به شرح زیر است:

گروه فرهنگ و هنر استان اصفهان

سؤال: دیبر هنر به دانش آموزانی که نمی‌خواهند در رشته‌های هنری تحصیل کنند چه کمکی می‌تواند بکند؟

درواقع با این سؤال می‌خواهیم بدانیم که دیبر هنر در قبال دانش آموزانی که نمی‌خواهند در آینده در رشته‌های هنری ادامه تحصیل دهند چه وظیفه‌ای دارد؟ می‌دانیم که در هر کلاس ممکن است تنها یک یا دو نفر علاقمند به تحصیل در یک رشته هنری باشند ولی اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزان تمایلی به تحصیلات هنری ندارند. اکنون وظیفه دیبر هنر در قبال این دانش آموزان چیست؟

اگر بخواهیم به صورت مختصر به این سؤال جواب بدھیم این است که دیبر هنر باید در راستای توانمند کردن در ک هنری دانش آموزان تلاش کند تا آن‌ها با هر علاقه و رویکردی که دارند احساس و درک مشترکی نسبت به هنر پیدا کنند. همان‌گونه که دیبر ورزش باید تلاش کند کلیه دانش آموزان، که اغلب نمی‌خواهند ورزشکار شوند، سلامتی جسمشان را تأمین کنند دیبر هنر هم می‌تواند با تقویت قوّه خلاقیت هنری دانش آموزان، که لزوماً آفرینش هنری نیست، آن‌ها را برای درک زیباشناصی موقعیت‌های مختلف زندگی آماده سازد. در این صورت، آن‌ها در آینده در هر موقعیتی که قرار بگیرند خواهند توانست از قوّه خلاقیت خود در حل مسائل متنوع بهره بگیرند. همان‌گونه که گفته شد این دیدگاه ناظر بر همه دانش آموزان است. بدین ترتیب ما با القای حس خلاقیت هنری به دانش آموزان امروز، در آینده می‌توانیم به جای یک پژوهشک معمولی یک پژوهشک خلاق و به جای یک مهندس تقلیدگر یک مهندس خلاق و به همین ترتیب در سایر رشته‌ها، حتی در کسب و کارهای آزاد، نیز می‌توانیم انتظار آدم‌های خلاق و سازنده‌ای را داشته باشیم.

اکنون که به این نتیجه رسیده‌ایم باز سؤال دیگری مطرح می‌شود:

فعالیت‌ها و تکالیف دانش آموزان چگونه طراحی شود که آن‌ها را به خلاقیت سوق دهد؟

پاسخ این سؤال را به همکاران و خوانندگان عزیز و اگذار می‌کنیم.



# تحولات سبک‌شناسی خط نسخ ایرانی و نسخ عثمانی

کیانا تیموری

## اشاره

خط نسخ یکی از خطوط مهم ششگانه یا همان «اقلام سته» است. این خط خطی است کاملاً هندسی که به لحاظ اصول اساسی خوشنویسی، مانند کرسی و ترکیب، منحصر به فرد به شمار می‌رود. در اهمیت خط نسخ همین سس که با قوام و انسجام این نظام هندسی از ارزش و اهمیت سایر خطوط کاسته شد و این خط باقی ماند؛ به همین دلیل این خط را، که ناسخ سایر خطوط شد، نسخ نامیدند. نکته مهم دیگر درج تصاویری از خط نسخ در کتاب درسی پایه‌های مختلف است که به نظر ما هر چه در این خصوص به اطلاعات پایه دیبران هنر افزوده شود بهتر است و اگر در جریان آموزش کار شود اهمیت آن به خوبی مشخص خواهد شد. مطلبی که در پی می‌آید گزارشی است از «نشست تحلیل زیباشتاختی خط نسخ ایرانی و تفاوت‌ها و تشابهات آن با خط نسخ عثمانی» که با حضور آقای علیرضا هاشمی‌نژاد (محقق) و احمد عبدالرضا (استاد خط نسخ) برگزار شده است. بنابراین، نکات مطرح شده در این نشست دیدگاه‌های کارشناسی و پژوهشی است که با افزود و پژوهشی آگاهی شما همکاران عزیز در اینجا درج می‌شود.

## علیرضا هاشمی‌نژاد

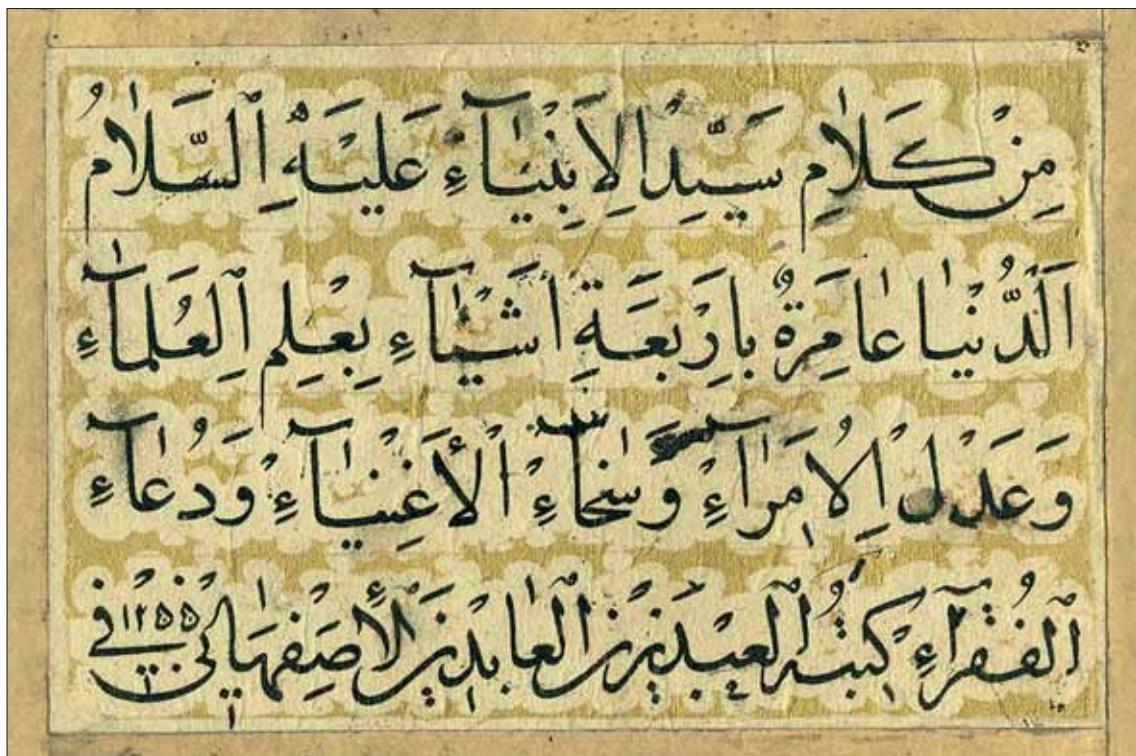


حروف و انواع ترکیب مهم‌ترین ملاک‌ها در تشخیص در خط نسخ است. مثلاً حرف «الف» در نسخ «سرک» ندارد. نسخ ابتدایی از خط ریحان بیشترین تأثیر را گرفته ولی به تدریج در گذر زمان از آن دور و منفک شده و شاکله خاص خود را به دست آورده است. خط نسخ در این دوره ساختار جدید خود را شکل بخشیده است.

در قرن ششم هجری خط نسخ شاکله خود را می‌یابد، اما همچنان تأثیرات خط ریحان در خط نسخ وجود دارد. درواقع خط نسخ آمیختگی شدید با خط ریحان داشته است. اما این روند رو به کاهش بوده؛ به عنوان نمونه در کتابت قرآن معروف به زعفرانی در قرن ششم خط نسخ از ریحان

- تحولات سبک‌شناسی و صورت‌بندی در تحلیل تحولات خط نسخ یکی از ضرورت‌های پژوهشی است. چگونگی شکل‌گیری این دو سبک از خط نسخ یاقوتی و تبدیل آن به خط نسخ ایرانی و عثمانی به درک بهتر این نظاممندی کمک می‌کند.

شکل‌گیری خط نسخ که از قرن سوم و چهارم آغاز شده و تداوم یافته بود در عصر مغول با نام یاقوت مستعصمی (م. ۶۹۸ هـ ق) پیوند خورد، لذا به آن نام «خط نسخ یاقوتی» اطلاق گردید. به همین‌سان یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌ها از خط نسخ قرآن به خط ابن‌تواب است. که در ردیف اولین نمونه‌های خط نسخ به شمار می‌آید. شکل



فاصله گرفته است.

در قرن هفتم هجری رشد شیوه یاقوت را در خط نسخ داریم. یاقوت از خوشنویسان معروف و یا معروف‌ترین خوشنویسی است که نامش به ادبیات و ضرب المثل‌ها نیز راه بافته است. نمونه‌های خط یاقوت زیاد و تنوع نسخه‌ها و خط‌هایی که به نام یاقوت نوشته شده پر شمار بوده است بنابراین باید از دوره یاقوت مستعصمی یاد کنیم که خط نسخ یاقوتی را پایه‌گذاری می‌کند. اما چنانکه گفته شد تنوع سبک و شیوه در آثار یاقوت زیاد است و شناخت کارهای اصل ایشان نیز دشوار است. یاقوت در قرن هفتم شاکله خط نسخ را تغییراتی اصلاح می‌کند. دو نکته در مورد خط نسخ پیش از یاقوت و بعد از یاقوت قابل توجه است:

۱. از قرن سوم و چهارم تا قرن ششم و هفتم نسخ فقط صبغهٔ تعلیمی داشت و در امور کتابت و مکاتبات تعلیمی به کار می‌رفت؛ یعنی در بعد زیباشناختی و مباحث فرمی تحولاتی در آن رخ نداده بود. حتی برای کتابت قرآن از آن کم استفاده می‌شد و ما نمونه‌های محدودی از آن در دست داریم.

۲. توجه به از اصول جزئی به اصول کلی در خوشنویسی نسخ، در این دوره در دوره پیش از یاقوت علاوه‌بر توجه به «حسن وضع» به «حسن تشکیل» و تحول و تعبیر در شاکله حروف توجه شده و اصولی چون ترکیب نیز موردن توجه بوده است. نمونه‌های نسخ در قرن هفتم شان می‌دهد که در دوره یاقوت هندسهٔ خط نسخ دقیق‌تر شد و ترکیب کلی خط تحت قواعد روشن‌تری در آمد. که در این کار یاقوت نقش اساسی داشته است. در این دوره کتاب نسخ ویژگی‌های خود را دارد. دقت و نظم و هماهنگی بیشتر را شاگردان یاقوت به خط نسخ وارد می‌کنند؛ شاگردان مطرحی چون ارغون کاملی، احمد سهروردی، عبدالله صیریفی و یحیی جمال صوفی در این کار مشارکت داشته‌اند. به عنوان نمونه یکی از نسخنویسان به نام عبدالله طباخ گفته است که خودش «ترکیب را از یاقوت و صفا را از عبدالله صیریفی اخذ کرده است». از این مرحله به بعد است که در خط یاقوتی دو گرایش ایرانی و عثمانی آرام آرام شکل می‌گیرد. اتفاقی که در نسخ ایرانی می‌افتد با عبدالله صیریفی، احمد رومی، شمس باسینیقری و عبدالله طباخ شروع

می‌شود و اوج خط نسخ به اعتبار افراد بالا در قرن نهم اتفاق می‌افتد. به همین‌سان در تحول خط نسخ ایرانی به نسخ عثمانی اولین حرکات از ارغون کاملی و شیوه یحیی جمال صوفی آغاز می‌شود. از اوسط قرن نهم شیوهٔ خط نسخ عثمانی با حمدالله اقاسی آغاز می‌شود. حمدالله اقاسی شاگرد خیرالدین مرعشی است که او نیز شاگرد عبدالله صیریفی است. به عبارتی سرچشمه اصلی خط نسخ عثمانی، همان استادان نام‌آور ایرانی هستند.

- در ساختار هندسی، خط نسخ در این دوره (قرن نهم) در اوج تعادل است که می‌توان این اوج را به آثار شمس باسینیقری و کارهای ارزشمند او ارجاع داد. در حقیقت می‌توان گفت تحویل که برای تکامل خط نسخ ایرانی شکل گرفت با عبدالله صیریفی آغاز شد و در قرن نهم به سرانجام رسید.

### استاد عبدالرضایی



از شیوهٔ خط عربی یا نسخ یاقوتی دو گرایش به نام شیوه ایرانی و شیوه عثمانی شکل گرفته است که بنیان آن‌ها یکی است. درواقع دو شیوهٔ عثمانی و ایرانی مثل دو برادر هم‌زبانند که فقط در لحن و لهجه با هم متفاوت‌اند اما بنیان و شاکله آن‌ها یکی است. البته میان این دو تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود؛ مثلاً «تون کشیده» در نسخ عثمانی طول بیشتر و دور کمتری دارد. در وضوح خط نسخ ترکی همان نسخ ایرانی است و اتصالات هم یکی است. تفاوت شیوهٔ ایرانی و عثمانی مربوط به دوره‌هایی است که ارتباط بین دو کشور کم بوده است. یکی از نکات نیز این است که نسخ ایرانی تحت تأثیر خط پر دور نستعلیق دارای دور بیشتر و نرمی بیشتری شده است.

برتری خط نسخ ایرانی بر نسخ ترکی به واسطهٔ ویژگی مهم «دور» یا حرکت دورانی قلم است. اصل «دور» حرکتی تکاملی به سوی زیباشناختی است. که ایرانیان از این ویژگی بهره برده‌اند. مثلاً خط علاءالدین تبریزی به لحظه ویژگی دور در نسبت با خط میرزا احمد تبریزی دور بیشتری دارد.

درواقع در خط نسخ عثمانی خط خشک‌تر و کم دورتر ولی منسجم‌تر و دارای خوانایی بیشتر است.

ویژگی‌های نسخ ایرانی	ویژگی‌های نسخ عثمانی
دور و انحنای کمتر انسجام و استحکام بیشتر	دور بیشتر، نرمی بیشتر و انحنای بیشتر در کشیده‌ها
نظم هندسی کتابت و ساختار هندسی ویژه اعراب‌گذاری دقیق‌تر و خوانایی بیشتر	دوردار بودن کشیده‌های حرف «کاف» با افت‌خیز جالب
دو «میم» کوتاه‌تر	خوانایی کمتر و وجود مشکل در اعراب‌گذاری و توجه به زیبایی بیشتر
الف‌ها یکنواخت‌تر	
وجود تیزی و خشکی در زیر دایره حرف «و»	
<b>سرآمدان نسخ عثمانی</b>	
حمدالله آماسی (قرن نهم و دهم و بنیان‌گذار نسخ عثمانی)	عبدالله صیرفی
حافظ عثمان (اصلاح کننده نسخ عثمانی)	ارغون کاملی
قره حصاری (نگارش قرآن معروف)	عبدالله طباخ
شووق	علاءالدین تبریزی (همدوره حافظ عثمان)
سامی	محمدابراهیم قمی
<b>سرازمان نسخ ایرانی</b>	
میرزا احمد تبریزی، عبدالله عاشور	میرزا احمد تبریزی، عبدالله عاشور
ارسنجانی‌ها	ارسنجانی‌ها
غلامعلی اصفهانی	غلامعلی اصفهانی
اشرف‌الكتاب	اشرف‌الكتاب

نسخ ایرانی ظرفیت بیشتری برای کتیبه شدن دارد و این ظرفیت در خط نسخ عثمانی کمتر است. تیز شدن دندانه‌ها ووضوح شبه دندانه‌ها در خط نسخ ایرانی دیده می‌شود دندانه‌ها تخت‌تر و جاندارترند. اضافه شدن تیزی در دندانه‌های خط نسخ ایرانی قابل ملاحظه است که همگی ناشی از سلایق و ذوق زیباشناختی کاتبان مطرح بوده است.

### هاشمی نژاد:

در ایران در مراکز مهمی چون هرات، اصفهان، شیراز و تبریز خط نسخ ایرانی فعال بوده است، اما در عثمانی فقط یک مرکز برای خط نسخ فعال بوده است. در عثمانی است که خط نسخ به خط اصلی برای کتابت قرآن تبدیل می‌شود و بقیه خطوط از حوزه کتابت قرآن خارج می‌شوند. در این مقطع به کاتب مهم عثمانی یعنی به حافظ عثمان می‌گویند خط نسخ را مورد اصلاحات قرار دهد و خط معنی نسخ عثمانی ماحصل این اصلاحات است. در شیوه نسخ ایرانی تنوع وجود دارد و تفاوت در شیوه‌ها در یک ساختار مشترک قابل ملاحظه است. در نهایت خط نسخ ایرانی با نمایندگان نامداری چون علاءالدین تبریزی، ابراهیم قمی، میرزا احمد نیریزی، ارسنجانی‌ها، غلامعلی اصفهانی و اشرف‌الكتاب به حیات خود ادامه داده است. نسخ عثمانی نیز با کتابت‌های شووقی، کتابت سامی (جلی)، قره حصاری حافظ عثمان به حیات خود تداوم بخشیده است.

### هاشمی نژاد:

Shawad و نمونه‌ها نشان می‌دهد که خط نسخ عثمانی تحت تأثیر خوشنویسان شیراز بوده است. به همین سان تحول خط نسخ از یاقوت تا دوره تیموری در شرق ایران صورت می‌گیرد. که مهم‌ترین نمونه‌ها را در کارگاه بایسنقری و بعد در آثار عبدالله طباخ، عبدالله بیانی و بعد صفویه ملاحظه می‌کنیم. در این دوره اوج خط نسخ را می‌توان مطالعه کرد. در دوره صفویه تنوع در شیوه‌های نسخ ایرانی بیشتر دیده می‌شود. دو خوشنویس مهم عثمانی «حمدالله آفاسی» و «حافظ عثمان» می‌باشند که در نهایت با تلاش آن‌ها به شیوه شناخته شده نسخ عثمانی ختم می‌شود که در آن دور کمتر اما استحکام و انسجام آن بیشتر است.

### عبدالرضايی:

از نظر مصدق باید اشاره شود که حرفی مانند «الف» در شیوه عثمانی به شکلی یکنواخت از بالا به پایین تبدیل شده است؛ یعنی در بالا پهن و در پایین باریک می‌شود. دو شیوه نسخ ایرانی و نسخ عثمانی دو شیوه تلفیقی می‌باشند؛ به عبارتی در خط نسخ ایرانی بخش‌هایی دیگر از شیوه یاقوتی حفظ شده است و در خط عثمانی بخش‌هایی دیگر از شیوه نسخ یاقوتی مورد استفاده قرار گرفته است. درواقع براساس سلایق، از خط نسخ یاقوتی بهره گرفته شده است. البته تعییرات خط ناشی از مسائل سیاسی نیز بوده است. باز از جنبه مصداق‌ها می‌توان گفت خط

# لوموگرافی، پولاروید و عکاسی‌بچه‌ها

ابراهیم سیسیان

**اشاره**

لوموگرافی سیکی در عکاسی است که در اوایل دهه ۹۰ میلادی توسط دو دانشجوی اتریشی ابداع شد. بنیانگذاران این سیک در ابتدا با استفاده از یک دوربین ارزان قیمت روسی به نام لومو (LOMO) شروع به ثبت عکس‌هایی با وضوح نرم کردند. لوموگرافی در آغاز یک تکنیک بود اما به مرور زمان تبدیل به یک سبک شد. این شیوه با گذشت زمان، جریان عکاسی مورد توجهی ایجاد کرد و امروزه طرفداران زیادی دارد. اگرچه پیدایش لوموگرافی در ابتدا و استه به نگاتیو و دوربین‌های آنالوگ بود اما این شیوه امروزه در عکاسی دیجیتال هم رایج است. رویداد مشابه دیگری که همزمان در دهه ۹۰ اتفاق افتاد این بود که ادوین هربرت لند، در سال ۱۹۴۸، با اختراع دوربین عکاسی پولاروید شرکت پولاروید را تأسیس کرد. مهم‌ترین ویژگی منحصر به فرد دوربین پولاروید این است که پس از عکس برداری و در مدتی کوتاه نسخه چاپ شده عکس را تحويل می‌دهد. این دوربین‌ها در بین کاربرانی که عکاس حرفه‌ای نیستند ولی می‌خواهند از عکاسی لذت ببرند محبویت فراوانی کسب کرد و این محبویت تا به امروز ادامه دارد.

**کلیدواژه‌ها:** هنر، عکاسی، بچه‌ها، لوموگرافی، پولاروید، آموزش



به‌طور کلی وجود مهم در عکاسی لوموگرافی به لحاظ بصری عبارت است از رنگ‌های اشیاعشده (saturation) نوردهی غیریکنواخت، تیرگی تصویر در لبه‌های بیرونی (vignetting). کیفی تئوری پایین، نشت نور و تصاویر اغلب ناواضح. به لحاظ شیوه کاری هم فی‌البداهه بودن را نباید از نظر دور داشت. همه نکات مورد اشاره در بالا اغلب در تعارض با تعاریف و معیارهای رایج در عکاسی حرفه‌ای هستند. اما همه این موارد در ارتباط و تعامل با یکدیگر فضایی منحصر به فرد را شکل می‌دهند که ویژه عکاسی لوموگرافی است. محبویت این فضای ویژه به حدی است که امروزه برخلاف دست‌یابی به کیفیت فنی و وضوح بالا در عکس‌ها، در بسیاری از نرم‌افزارهای ویرایش عکس، فیلتری به همین نام وجود دارد که می‌توان برای دسترسی به فضاسازی مورد نظر در لوموگرافی از آن استفاده کرد.



۱ «می‌توان تشابهات چشم‌گیری یافت میان هنر کودکان با آنچه که از تلاش‌های اولیه افراد تازه کار با هر سن و فرهنگ، در حوزه یک مديوم تجسمی پدید می‌آید»<sup>۱</sup> منظور از این

عکس: حسین شلاغه - ۱۴ ساله

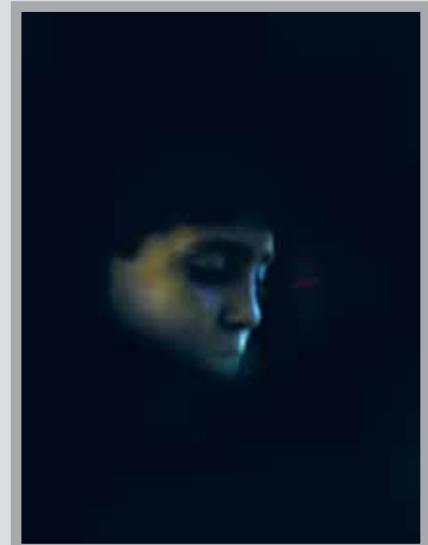
نوشتار توصیه هنرآموزان به انجام این شیوه از عکاسی نیست، بلکه اشاره‌ای است به این مطلب که با در نظر داشتن ویژگی‌های اصلی و ساختاری این مکتب در هنر عکاسی، و همین طور استفاده آسان از دوربین‌های پولاروید، می‌توان به عکاسی بچه‌ها نگاهی دوباره انداخت. چرا که ویژگی‌های منحصر به فرد و آزادی‌هایی که برای هنرمندان عکاس، بهویژه برای بچه‌های علاقه‌مند به هنر عکاسی، در محدوده این نوع نگاه فراهم است می‌تواند بستر مناسبی باشد برای بروز خلاقیت و نمود ویژگی‌های بیانی منحصر به فرد توسط ایشان. از سوی دیگر می‌توان به این نکته اشاره کرد که در نظر داشتن این ویژگی‌های ساختاری در هرگونه مواجهه، داوری، انتخاب و تجزیه و تحلیل این دسته از آثار (عکس‌های تولیدی هنر آموزان کودک و نوجوان) می‌تواند مدنظر قرار گیرد. چراکه «در هر عکسی، اگر آن را مورد توجه جدی قرار دهیم، نوعی زیبایی وجود دارد»<sup>۲</sup>



نمونه‌ای از کاربرد فیلتر لوموگرافی

## ۲

ابزارزدگی مشکلی است که بسیاری به آن مبتلا هستند. اینجا منظور عکاسانی هستند که به جای پرداختن به فرایند عکاسی، وقت خود را صرف به روز و تکمیل تجهیزات عکاسی می‌کنند. این افراد معمولاً مجموعه‌داران خوبی در زمینه تجهیزات عکاسی هستند ولی در عکاس خوب‌بودن ایشان باید به دیده تردید نگریست.



عکس: امیرعلی نوروزی - ۱۳ ساله

متاسفانه توجه بیش از اندازه به کیفیت فنی و تنوع ابزار، می‌تواند عاملی بازدارنده در فرایند خلق اثر هنری در اغلب رشته‌ها بهویژه در عکاسی باشد. در ارتباط با این موضوع می‌توان عکاسان حرفه‌ای بزرگی را نام برد؛ مثل دونین مایکل<sup>۳</sup> که در رویکردی خلاف ابزارزدگی «به ابزار به اندازه‌ای اهمیت می‌داد که وی را به نیتش نزدیک سازد»؛ بنابراین می‌توان گفت دوربین مناسب برای عکاسی بچه‌ها اغلب ساده‌ترین و در دسترس‌ترین دوربین یا حتی تلفن همراه است. تأکید می‌شود که منظور ما تشویق به عکاسی بی‌کیفیت و عدم تسلط بر موارد فنی نیست، بلکه منظور تسهیل شرایط برای هنرجویی کودک و نوجوان علاقه‌مند به عکاسی است تا بتواند در هر شرایط و با کمترین امکانات موجود و بدون هراس از عدم تسلط تکنیکی با شوق و ذوق به عکاسی پردازد و از آن لذت ببرد. تسهیل رفتار عکاسانه و تداوم عمل عکس‌برداری، هنرجوی عکاسی را در نهایت به پختگی خواهد رساند، چرا که در این راه سؤالاتی پیش می‌آید که در پی آن هنرجو به دنبال پاسخ آن‌ها می‌رود و لاجرم بر داشن عکاسی خود می‌افزاید. در بررسی سیر تحولات عکاسی و در موقعیتی مشابه لوموگرافی، چنان که پیشتر گفتیم، می‌توان به عکاسی پولاروید<sup>۴</sup> اشاره کرد که با شیوه‌ای آسان مراحل زمان‌بر ظهور و چاپ را از عکاسی حذف کرد و علی‌رغم کیفیت فنی پایین‌تر نسبت به عکاسی با نگاتیو، به دلیل کاربری آسان، فرآگیر شد.

## ۳

شاید یادآوری این نکته جالب باشد که بچه‌ها هم در اختراع دوربین پولاروید نقش مهمی داشته‌اند. ماجرا از این قرار است که ادوین هربرت لند<sup>۵</sup>، در سال ۱۹۴۳، وقتی با خانواده‌اش برای تعطیلات به سفر رفته بود، در حال عکس گرفتن از دختر سه ساله‌اش بوده که دختر وی می‌پرسد چرا نمی‌تواند عکس‌ها را همان موقع ببیند. آن روز، این سؤال ساده، موجب شکل‌گیری ایده دوربین فوری در ذهن لند می‌شود؛ تا اینکه لند موفق می‌شود در سال ۱۹۴۸، اولین دوربین پولاروید خود را به بازار عرضه کند؛ دوربینی که پس از ۶۰ ثانية عکس را بر روی فیلم عکاسی ظاهر می‌کرد. او در سال ۱۹۶۳ نیز موفق به تولید فیلم فوری شد و پس از عرضه چندین مدل از دوربین‌های پولاروید، در سال ۱۹۷۷ دوربین خودکار با قابلیت چاپ فوری عکس را عرضه کرد؛ مخصوصی که میلیون‌ها نمونه از آن به سراسر جهان عرضه شد. همان‌طور



عکس: مرتضی صابری تهرانی - ۱۱ ساله



عکس: پارسا کوزه‌گر - ۶ ساله

که ملاحظه می‌کنید ذهن باز یک کودک، و دانش یک پدر موجب اختراع دوربین عکاسی پولاروید شد. امروزه حتی با وجود فراگیر شدن عکاسی دیجیتال دوربین‌های پولاروید همچنان تولید می‌شوند.

## ۴

از معروف‌ترین هنرمندان بزرگی که با استفاده از این دوربین ساده عکاسی به خلق آثار خود پرداخته‌اند می‌توان به اندی وارهول، خالق سبک پاپ آرت، آندری تارکوفسکی فیلم‌ساز شهری روس، آنتونینی فیلم‌ساز ایتالیایی و بسیاری دیگر اشاره کرد. امروزه آثار بسیاری از عکاسان لوموگراف و یا عکاسانی که با دوربین پولاروید عکاسی کرده‌اند، به عنوان اثر هنری در گالری‌های معتبر دنیا عرضه می‌شود.

## ۵

«زیبایی‌شناسی عکاسی به طور بی‌وقفه و قدم به قدم با جریان اصلی خود هنر پیش رفته است. بدین معنی که آن دسته از عکاسان مستقل که پیشگام هستند به سادگی گرویده‌اند».<sup>۷</sup> تطبیق تعاریف و ویژگی‌های عکاسی لوموگرافی و استفاده از دوربین‌های پولاروید، با عکاسی کودکان از وجود بسیاری می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد. به طور مثال انتقال مضمون و دسترسی به هدف با ساده‌ترین وسیله که از ویژگی‌های بارز سبک لوموگرافی و از امکانات بالقوه دوربین‌های پولاروید است می‌تواند برای بسیاری از کودکان علاقمند به عکاسی کارگشا باشد. این در حالی است که شاهد هستیم خانواده‌ها گاه در تدارک خرید گران‌ترین تجهیزات عکاسی برای فرزندان خود هستند.<sup>۸</sup> تأکید بر سادگی و ارزانی ابزار مورد استفاده می‌تواند مهم باشد.

## ۶

در مواجهه با عکاسی کودکان و ازیزی‌ای، این دسته از آثار، معمولاً تسلط تکنیکی یا فنی در مرحله چندم اهمیت قرار می‌گیرد و مهم‌ترین نکته نوع نگاه و زاویه ذهنی در برخورد با موضوع است. مثال مناسب با این موضوع، نقاشی کودکان است. بی‌تردید هیچ‌کس از کودکی که نقاشی می‌کشد انتظار ترسیم دقیق خطوط و شکل‌ها را ندارد و اشکالات مهارتی در این زمینه نشانه یا یکی از ویژگی‌های بارز در زمینه تشخیص اصالت آثار در این‌گونه موارد است. بنابراین کیفیت فنی پایین به هیچ‌وجه به معنی کیفیت هنری پایین نیست در تقسیم‌بندی عکاسی به دو بخش اصلی فن و هنر اینجا بخش دوم اهمیت بیشتری یافته و مورد توجه قرار می‌گیرد. هرچند این شیوه حتی در هنر بزرگ‌سال و در طول دوره‌های خاصی که زیبایی‌شناسی عکاسی پشت سر گذاشته است گاه حتی به طور عامدانه به کار گرفته شده است. به طور مثال «در دهه اول قرن بیستم-اکثر عکاسان تلاش می‌کردند کیفیت کارهایشان تا حد ممکن به نقاشی نزدیک باشد. این گرایش احتمالاً دنباله تلاش‌های آگاهانه انجی‌ریلندر در سال ۱۸۵۴ است که از او به عنوان پدر عکاسی هنری- یاد می‌شود».<sup>۹</sup> در این دوره شاهد هستیم که عکاسان بسیاری با شیوه‌های مختلف چاپ، عامدانه در پی دست یافتن به فضایی غیر واضح در عکس‌ها هستند «از دیدگاه عکاسی هنری تلطیف نور تأثیرات امپرسیونیستی می‌آفرید».<sup>۱۰</sup> در توضیح ارتباط این موضوع با عکاسی لوموگرافی باید یادآور شد که لنز مورد استفاده در عکاسی لوموگرافی پنزوال<sup>۱۱</sup> نام دارد. از مشخصات اپتیکی این لنز وضوح تصویر در مرکز لنز و محوا شدن در پس‌زمینه است که حالتی رویایی به عکس می‌دهد. جدا کردن سوزه از پس‌زمینه یکی از ویژگی‌های اصلی عکس‌های ثبت شده با این لنز است.

## ۷

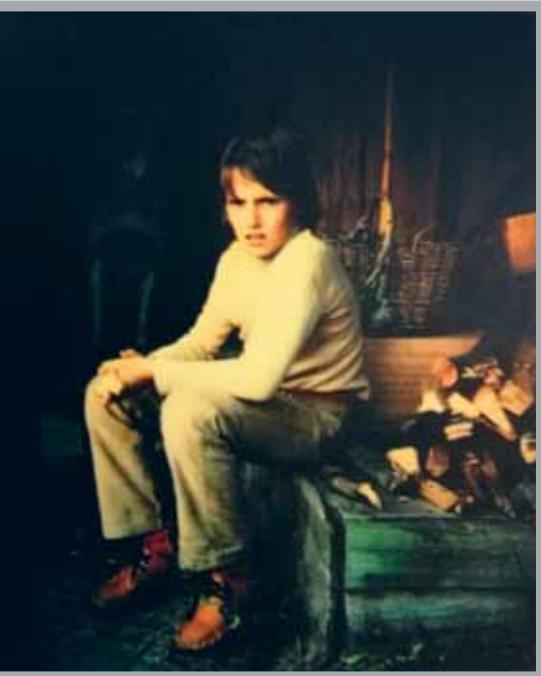
از دیگر ویژگی‌های مهم در هنر کودک می‌توان به شاخصه «فعالیت بازی‌گونه» اشاره کرد. همان‌طور که پیشتر گفتیم فی‌البداهگی در سبک لوموگرافی یک



عکس: محمدمهری باقری - ۱۳ ساله



عکس: عیسی جعفری - ۱۶ ساله



برگفته از کتاب یک دم نور - پولارویدهای تارکوفسکی

ویژگی شناخته شده است که در ارتباط با- بازی- موضوعیت پیدا می کند. یکی از مهم ترین جنبه های بازی، لذت بخش بودن و کسب تجربه برای بچه هاست. «هر اثری که در ایجاد حس شادمانی- یعنی ایجاد لذت- شکست بخورد، در مقام اثر هنری هم شکست خورده است.»<sup>۱۲</sup>

ویژگی قابل توجه دیگر این است که در صورت تقسیم بندی گروه عکاسان به دو دسته حرفه ای و آماتور محتمل تر است که هنر عکاسی کودکان در دسته ذوق

ورزان یا آماتورها قرار گیرد. صرف نظر از جنبه کسب درآمد در عکاسی حرفه ای، مراد ما از هنر آماتوری یا ذوق و رزانه عدم تسلط کامل به سائل تکنیکی، کم تجربگی و در عین حال تجربه گرایی است. در مورد تجربه گرایی توضیحی که ضروری به نظر می رسد این است که هنرجوی تازه کار کودک و نوجوان از آنجایی که با اصول و قواعد زیبایی شناسی و سبک شناسی آشنا نیست، ناخواسته از نوعی آزادی عمل کامل بهره مند است که پیرو آن، فارغ از مسائل تئوریک این آزادی، می تواند به خلق آثار بدیع و نوپدید منجر شود. از همین رو شاید بتوان گفت شیوه عکاسی بچه ها فارغ از ملاحظات فنی، تکنیکی و تئوریک رایج در هنر عکاسی، می تواند ناخودآگاه از وجهی تحربی نیز برخوردار باشد. بر این اساس با توجه به روح جستجوگری و آزمون و خطای دائمی که در تولیدات این گروه از هنرجویان وجود دارد، تجربه گرایی می تواند به عنوان یکی از وجوه بارز در هنر کودک و نوجوان همواره مد نظر قرار داشته باشد.



عکس: حسین شلاگه - ۱۴ ساله



نمونه ای از دوربین های پولاروید جدید

در پایان یادآوری و تأکید می شود، با توجه به اینکه آموزش و تهیه تجهیزات حرفه ای عکاسی معمولاً پرهزینه است، می توان با تکیه بر ساده ترین تجهیزات موجود و در دسترس به آموزش عکاسی به بچه ها پرداخت. همچنین در هر گونه مواجهه با آثار تولیدی بچه ها در زمینه عکاسی، می توان صرف نظر از نکات فنی و اجرایی به ارزش های محتوایی و نگاه شخصی ای که در این گونه آثار مجال و فرصت ظهور پیدا می کند توجه ویژه داشت. در ک زاویه ذهنی در مواجهه با موضوعات عکاسی شده، فی البداهگی و رفتار بازی گونه لذت بخش بودن و کسب تجربه، بیان احساس نسبت به موضوعات و پدیده ها و در نهایت ایجاد حس شادمانی و تجربه گرایی از عواملی است که می تواند در بررسی آثار تولیدی هنر آموزان کودک و نوجوان رشته عکاسی حائز اهمیت فراوان باشد.



نمونه عکس گرفته شده با لنز پتسوال

#### پی نوشت ها

۱. روان شناسی چشم خالق رودلف آرنهایم ترجمه مجید اخگر. انتشارات سمت. ۱۳۹۱. (ص ۲۰۰).
۲. فرهنگ دوربین. هالا بلاف. ترجمه رعنا جوادی. انتشارات سوش ۱۳۷۵. (ص ۶۰).
۳. دونن مایکل. عکاس آمریکایی که در جهان عکاسی از او اغلب به عنوان سردمدار عکاسی روانی نام می برند.
۴. دنیای تصاویر روانی. دونن مایکل. عبدالرشا پایدار. انتشارات امیر کبیر. ۱۳۹۲. (ص ۶۹).
۵. دوربین پولاروید. (Polaroid camera). نوعی دوربین آنالوگ ظهور فیلم فوری است.
۶. در سال ۱۹۲۶ ادوین هبریت لند، پس از یک سال تحصیل در دانشگاه هاروارد، ترک تحصیل می کند تا خودش بر روی پولاریزاپیون نور تحقیق کند. دو سال بعد، او فیلتر پولاریزه نور را اختراع و ثبت می کند. در سال ۱۹۳۷، لند شرکت پولاروید را تأسیس می کند.
۷. فرهنگ دوربین. همان. (ص ۶۱).
۸. تجربه ای که معمولاً به واسطه وزن زیاد باعث بروز خستگی و ایجاد دلزدگی در بچه ها می شود و ایشان را از لذت عکاسی محروم می سازد.
۹. سیر تحول عکاسی، پتر ناسک، محمد ستاری، انتشارات سمت. ۱۳۸۸. (ص ۷۱).
۱۰. سیر تحول عکاسی، همان. (ص ۷۵).
۱۱. این لنز ارزان قیمت را ژوپف پیتزوال فرانسوی در سال ۱۸۴۰ میلادی برای عکاسی پرته طراحی کرد و ساخت.
۱۲. کتاب مجموعه مقالات «مسائل هنر و زیبایی شناسی معاصر» مطالعات فرهنگی در زیبایی شناسی. ریتا فلسفی، دیوید شاموی. مترجم نیما ملک محمدی.
۱۳. مطالعات فرهنگی و مسئله لذت و ارزش. دیوید شاموی. (ص ۸۵).



# درس فرهنگ و هنر

## مروی کوتاه بر ظرفیت‌ها و کاستی‌ها

### ایرج نقوی

سرگروه هنر ساری ناحیه یک

### اشارة

هنر دارای ظرفیت بالایی است به طوری که روی هوش دانش‌آموز تأثیر دارد. به دقت - نظم و شرکت در کار گروهی کمک می‌کند و قدرت تخیل را بالا می‌برد. همچنین خلاقیت، بخشش، وقف و سخاوتمندی و دوستی را ترویج می‌دهد.

هدف درس هنر تربیت هنری است. تربیت هنری فرآیندی است که به رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی فرد کمک می‌کند تا استعدادهایش را شکوفا نماید، زیبایی‌ها را بشناسد و در زندگی خود به کار گیرد. نسبت به ایجاد فضاهای زیبا حساس باشد و از رشتی‌ها دوری کند. پس می‌توان گفت چون انسان زیباترین آفریده خداوند قلمداد شده است پس خودش هم می‌تواند زیبایی بیافریند. دانش‌آموزان در فرایند تربیت یاد می‌گیرند که چگونه با طبیعت، با خود و با دیگران ارتباط برقرار کنند و با این درس زندگی کنند و بدین طریق توانایی‌های خود را بروز دهند. از این مهم‌تر اعتماد به نفس پیدا کنند و خود را باور کنند.

می‌سازد. همچنین با دعوت از اولیا به بازدید از نمایشگاه، آن‌ها را به اهمیت پیوند اولیا و مردمیان بیشتر آگاه می‌سازیم.

**نقاط ضعف کتاب برای مثال در پایه هفتم**

۱ در بخش طراحی بحث آشنایی با ابزار کار و یا تصاویری از طرح‌های مختلف با ابزار مختلف وجود ندارد تا برای دانش‌آموزان قابل لمس تر باشد.

۲ در درس الفبای تصویر که عناصر تصویری را می‌خواهد عنوان کند، بسیار گتگ است و خوب توضیح داده نشده است.

۳ در قسمت خوشنویسی سخنی از چگونگی نوشتن حروف و اتصالات مهم و پرکاربرد طرح نشده است. در حقیقت یکباره خطوط و سطرهایی را می‌بینیم که نه تنها ساده نیستند بلکه برای دانش‌آموزان مبتدی بسیار سنگین و سخت است. یا در مورد تاریخچه مختصراً خطوط به خطهای کوفی، ثلث، نسخ و ... پرداخته است ولی به خط نستعلیق که دانش‌آموزان بیشتر کار می‌کنند توجه زیادی نشده است.

امید آنکه با درک بهتر اهمیت درس هنر و رفع موانع و کاستی‌ها بتوانیم شرایط مطلوب تدریس و اثرگذاری در دانش‌آموزان را فراهم کنیم.

### مشکلات در درس هنر

۱. نبود کارگاه هنر در مدرسه
۲. نبود همکار متخصص در خیلی از مدارس
۳. آشنا نبودن بعضی از معلم‌ها با اهداف و برنامه‌های درس هنر حداقل دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای آن‌ها برنامه‌ریزی و اجرا گردد.
۴. عدم توجه مدیران به نقش هنر در تربیت دانش‌آموزان
۵. کم‌اهمیت بودن درس هنر به نسبت سایر دروس از نگاه بسیاری از مدیران.
۶. هدف از گنجاندن درس فرهنگ و هنر در برنامه درسی تربیت هنرمند نیست، و البته اگر صورت بگیرد صرف قابل ستایش است. بلکه پرورش دانش‌آموز از طریق ارزش‌های موجود در هنر است. حاصل این ارزش‌ها پرورش دانش‌آموزانی خلاق و پویاست.

### تأثیر نمایشگاه هنری در مدارس

اگر در مدارس نمایشگاه‌های هنری برگزار کنیم زمینه مشارکت و همفکری دانش‌آموزان را در بسیاری از فعالیت‌های دیگر فراهم کرده و انگیزه خوبی برای تلاش بیشتر در آن‌ها به وجود می‌آوریم. دیدن آثار خوب دانش‌آموزان زمینه تشویق سایر دانش‌آموزان را نیز فراهم می‌کند و روحیه نظم و ترتیب، همکاری، تلاش، احترام به نظر دیگران را در آن‌ها ایجاد

# یاران همه دور هم نشینیم!

## دوره‌های هنری انگیزش برای دبیران هنر!

علی‌همتیان  
سرگروه فرهنگ و هنر استان اصفهان



امکان پذیر نیست و «مشارکت» خود مقوله بحث برانگیز «روز» است که انگیزه می‌خواهد، امروزه بیش از هر مبحث دیگری موضوع «مشارکت» برای دولتها، نهادها، سیستم‌ها و ... بحثی جدی است.

نظام آموزشی هر چقدر بتواند مشارکت معلمین را در ساماندهی و ایجاد انگیزه و با طراوت کردن سیستم آموزشی جلب کند یک قدم به موفقیت نزدیکتر شده است. یکی از فلسفه‌های تشکیل گروه‌های آموزشی، ایجاد انگیزه در معلمان برای مشارکت و رفع «بحران مشارکت» آن‌ها در نظام آموزشی است. گروه‌های آموزشی توانمند در صورت حمایت مدیران ارشد سازمانی می‌توانند با برگزاری همایش‌های علمی و تخصصی به‌ویژه کارگاه‌های آموزشی «علمی- مشارکتی» پاسخگوی نیازهای آموزشی معلمان باشند و موجبات رشد و ارتقای آن‌ها را فراهم نمایند.

در این عصری که به آن عصر «اطلاعات» نام داده‌اند و هر روز این اطلاعات دستخوش تغییرات نو و جدیدی می‌شود لازم است ما معلمان از جدیدترین اطلاعات روز و تخصصی مطلع شویم و با پژوهش، خلاقیت و نوآوری، که تنها در مقام عمل و اجرا مفهوم پیدا می‌کند، بتوانیم در انتقال مطالب و مسائل آموزشی به‌طور اصولی و پایدار موفق باشیم.

گروه‌های آموزشی به عنوان هسته‌های کیفیت‌بخش می‌توانند ارتباط بین معلمان و کارشناسان اجرایی و

### مقدمه

بسیاری از اندیشمندان سازمان‌ها و نهادهای علمی و آموزشی باور دارند که تعاملات و ارتباطات مستمر و سازنده میان کارگزاران، اعم از آموزشی و غیرآموزشی، موجبات تبادل و تعاطی افکار و تضارب آراء را فراهم می‌سازد. همچنین سازوکارهای مؤثری برای احیا و خلق ایده‌های نو، خلاقیت، تغییر و تحول، پیشرفت و همچنین تحقق اهداف سازمانی فراهم خواهد نمود به‌گونه‌ای که جهان معاصر شاهد ترویج مفهوم «سازمان یادگیرنده- دهنده» در نهادها و مراکز علمی- آموزشی و حتی سازمان‌های بزرگ صنعتی و اقتصادی است.

گروه‌های آموزشی، متشكل از معلمان باتجریه و متخصص و توانمند، از مراجع محدود کارآمد در نظام آموزشی کشور به حساب می‌آیند که کیفیت مسائل و مشکلات محیط‌های آموزشی و کلاس درس را مانند بسیاری از معلمان پویا مورد بررسی قرار می‌دهند و به مدد و خردورزی و هماندیشی در حوزه تعلیم و تربیت راهبردهای مفید و مؤثری برای حل آن‌ها پیشنهاد می‌کنند.

گروه‌های آموزشی همچنین، به عنوان کارگزار و راهبر، نقش بسیار سازنده‌ای در ایجاد ارتباط مؤثر میان تجارب و افکار و اندیشه‌های حوزه برنامه‌ریزی و اجرا در ساختار نظام آموزش و پرورش کشور ایفا می‌کنند.

در نظام آموزش و پرورش، اگر بنا باشد تحولی صورت پذیرد جز با مشارکت فرهنگیان و معلمین

یکی از  
فلسفه‌های  
تشکیل  
گروه‌های  
آموزشی،  
ایجاد انگیزه  
در معلمان  
برای مشارکت  
و رفع «بحران  
مشارکت»  
آن‌هاست

به جای اینکه دبیران  
شهرستان‌های  
دوردست در  
گردهمایی مرکز  
استان شرکت کنند،  
گروه هنر استان  
برای شهرستان‌های  
همجوار به صورت  
قطبی جلسات  
گردهمایی را طراحی  
و اجرا نماید

منابع

۱. رشد تکنولوژی آموزشی، سال دهم، آبان ماه ۷۴
۲. ماهنامه رشد آموزش راهنمایی، شماره ۶، سال هشتم
۳. ولاد معلمان اندیشمند خراسان جنوبی alirezabaniasadi.blogfa.com/post/49 گروه تحقیقاتی و آموزشی کرامات keramatzade.com/10-ways-t-motivate-employees

(دست کم برای استان اصفهان) این است که این مجتمع در وقت غیراداری برگزار می‌شود و دبیران باید از وقت آزاد خودشان استفاده کنند که این باعث می‌شود حداقل دو سوم همکاران در این مجتمع شرکت نکنند.

## ۲. دوری مسافت

دست کم دو سوم از دبیران بیشتر از صد کیلومتر از مرکز استان دور هستند که این مورد را می‌توان دلیل دیگری برای شرکت نکردن همکاران دانست.

ستادی را به خوبی تعمق بخشنید که این ارتباط در نهایت منجر به پیشبرد امر آموزش و بهبود آن خواهد شد. لذا اعضای گروه‌های آموزشی کسانی هستند که از آنان به عنوان تولیدکنندگان فکر و اندیشه و برنامه‌ریزان آموزشی در تحلیل محتوای کتب درسی یاد شده است. لازم است به تخصص و آفرینندگی علمی دست پیدا کنند تا بتوانند در جلسات کارگاهی و نشستهای تخصصی مؤثر واقع شوند (رشد تکنولوژی آموزشی سال ۷۴ ص ۲۷ و ۲۸).

## اقدامات انگیزشی

(به وسیله گردهمایی و کارگاه) برای دستیابی به اهداف شغلی و پیشرفت در مهارت شغلی از انگیزش‌های مهم بهشمار می‌آید. مدیران باید با ایجاد آموزش‌های مهارتی، زمینه‌های موفقیت را تقویت کنند و بی تفاوت از کنار آن عبور نکنند. امیر مؤمنان (ع) به مالک اشتهر فرمود: «فإن كثرة الذكر لحسن [فعالهم] أفعالهم تهز الشجاع و تحرض الناكل إن شاء الله».

«کارهای مهمی را که مجموعه زیر دست تو انجام داده‌اند به دیگران یادآوری کن و به حساب آور، زیرا یادآوری و گفتن آن کارهای ارزشمند شجاعان را بر می‌انگیزند و دیگران را نیز به تلاش و می‌دارد.»

## فراخوانی اعضا

برگزاری مجتمع عمومی و تخصصی دبیران به منظور بحث و تبادل نظر به عنوان یکی از وظایف سرگروه‌ها: به طور معمول در هر سال دو مجمع از طرف گروه هنر استان اصفهان (بدون در نظر گرفتن مجتمع در نواحی) برای دبیران در نظر گرفته می‌شود که با توجه به مطالبی که در مقدمه گفته شد می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد و به هم‌فکری و هم‌افزایی بینجامد. البته این در صورتی است که همه دبیران موظف به شرکت در این گردهمایی‌ها شوند. با توجه به تحریة ده‌ساله اینجانب در گروه‌های آموزشی، متأسفانه دبیران هرگز موظف به شرکت در مجتمع نبوده‌اند و این نکته اصلًا خوشحال کننده نیست. و باید دلایل و علل آن را بررسی کرد. که در زیر به چند مورد از آن‌ها می‌پردازیم:

## علل کاهش مشارکت

۱. برگزاری مجتمع در وقت غیر موظف دبیران یکی از عوامل شرکت نکردن همکاران در گردهمایی‌ها

۳. حق الزحمه اساتید و صاحب‌نظران مدعو در بحث مالی: در مورد حق الزحمه اساتید مدعو در گردهمایی‌ها، علاوه‌بر اینکه مسئولان می‌توانند با در نظر گرفتن اهمیت برنامه‌های گروه بودجه موظف در دانشگاه‌های فرهنگیان نیز دعوت کرد. یعنی با هماهنگی ادارات کل با دانشگاه فرهنگیان همکاری لازم با گروه‌های درسی استان به عمل آید.

# رویکردی بر مدیریت استعداد

در برنامه درسی ملی حوزه هنر، با تمرکز بر سند تحول بنیادین

**سعیده معصومی**

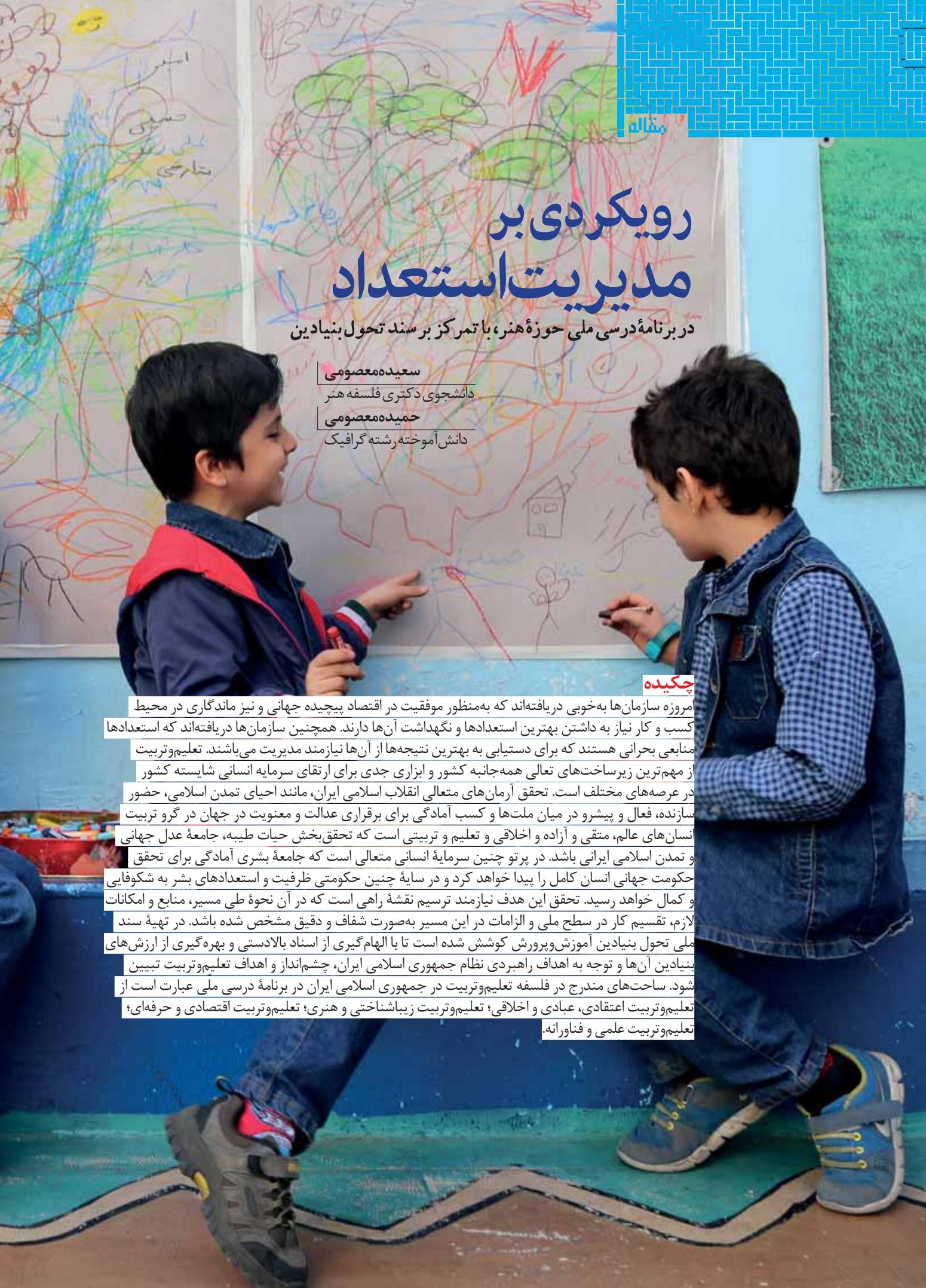
دانشجوی دکتری فلسفه هنر

**حمیده معصومی**

دانش آموخته رشته گرافیک

## چکیده

امروزه سازمان‌ها به خوبی دریافته‌اند که به منظور موفقیت در اقتصاد پیچیده جهانی و نیز ماندگاری در محیط کسب و کار نیاز به داشتن بهترین استعدادها و نگهداشت آن‌ها دارند. همچنین سازمان‌ها دریافته‌اند که استعدادها منابعی بحرانی هستند که برای دستیابی به بهترین نتیجه‌ها از آن‌ها نیازمند مدیریت می‌باشند. تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابزاری جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران، مانند احیای تمدن اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقد و آزاده و اخلاقی و تعلیم و تربیتی است که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی برای تحقق حکومت جهانی انسان کامل را پیدا خواهد کرد و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آن‌ها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت تبیین شود. ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران در برنامه درسی ملی عبارت است از تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری؛ تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ تعلیم و تربیت علمی و فناورانه.



## مقدمه

مؤسسه CIPD<sup>۱</sup> استعداد را ترکیبی پیچیده از مهارت‌ها، دانش، توانایی‌های ادراکی و پتانسیل بالا می‌داند و مدیریت استعداد را شناخت و تمرکز بر بخشی از نیروی انسانی سازمان با پتانسیل بالا تعریف می‌کند (گای و دیگران، ۱۳۸۸، ۲۲). مدیریت استعداد بر این تمرکز دارد که افراد چگونه به سازمان وارد می‌شوند و رشد می‌کنند (اولریش و بروک بانک، ۱۳۵). مدیریت استعداد براساس استراتژی و اهداف کسب و کار تعیین می‌شود (کارت رایت، ۱۳۸۷، ۲۱). پژوهش قابلیت‌ها و مدیریت استعدادها بخش لاینک راهبرد و چشم‌انداز سازمان‌های پیشروی امروز است.

## اسناد تحولی آموزش و پژوهش

می‌توان مدیریت استعداد را چنین تعریف نمود: کلیه فعالیت‌ها و فرایندهای مرتبط با پست‌های اصلی و کلیدی که منجر به مزیت رقابتی بادوام برای سازمان شده و نیز توسعه نیروی کار با پتانسیل بالا را سبب می‌شود (همان، ۲۴).

## مفهوم مدیریت استعداد

مدیریت استعداد، تسهیل و توسعه پیشرفت مسیر شغلی افراد بسیار با استعداد و ماهر در سازمان، با استفاده از دستورالعمل‌های تدوین شده، منابع، سیاست‌ها و فرایندها می‌باشد (گای و دیگران، ۱۳۸۸، ۳۷). نویسندهان و محققان حوزه مدیریت منابع انسانی، لوئیس و هاکمن (۲۰۰۶) – براساس تعاریف موجود حوزه سه مفهوم پایه‌ای برای واژه مدیریت استعداد پیدا نمودند. در اولین مفهوم، مدیریت استعداد را مجموعه‌ای از وظایف منابع انسانی مانند استخدام، انتخاب، آموزش و توسعه تعریف کردند. از این منظر، آن‌ها استدلال می‌کنند که مدیریت استعداد ممکن است کمی فراتر از یک واژه مدر روز یا حسن تعبیری از مدیریت منابع انسانی باشد. آن‌ها در متون مورد بررسی به این امر اشاره دارند که مدیریت استعداد یک روش سیستمی جهت اجرای وظایف مدیریت منابع انسانی است اما نه به نحو سنتی آن، بلکه با نگاهی گستره‌تر و با عملکردی دقیق‌تر با استفاده از وسائل فناوری جدید مثل اینترنت و نرم‌افزارهای مربوطه و با هدف اجرا در کلیه سطوح قسمت‌های سازمان. مفهوم دوم لوئیس و هاکمن از مدیریت استعداد به طور خاص تمرکز بر پیش‌بینی یا مدل‌سازی فرایند منابع انسانی در حیطه سازمان براساس عواملی مانند مهارت‌های نیروی کار، عرضه و تقاضا و رشد و فرسایش نیروی کار دارد. از این

دیدگاه، مدیریت استعداد کم و بیش مترادف با منابع انسانی یا برنامه‌ریزی نیروی کار است. مفهوم سوم لوئیس و هاکمن متمرکز بر افراد با استعداد از لحاظ عملکرد و پتانسیل است که در جریان استفاده از نیروی کار در سازمان‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و سازمان در جذب آن‌ها کوشش بیشتری می‌نماید (گای و دیگران، ۱۳۸۸، ۲۳) همچنین می‌توان مدیریت استعداد را چنین تعریف نمود: کلیه فعالیت‌ها و فرایندهای مرتبط با پست‌های اصلی و کلیدی که منجر به مزیت رقابتی بادوام برای سازمان شده و نیز توسعه نیروی کار با پتانسیل بالا را سبب می‌شود (همان، ۲۴).

تحقیق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابارزی جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. تحقیق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متفق و آزاده و اخلاقی و تعلیم و تربیتی است که تحقق بخش حیات طبیه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه پیش‌ری امادگی برای تحقق حکومت جهانی انسان کامل را پیدا خواهد کرد و در سایه آن ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

تحقیق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پژوهش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آن‌ها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود. تحول بنیادین



برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب توکین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد.

### ساحت‌های تعلیم و تربیت

ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، عبارتند از: تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت زیباشتاختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه (محمدیان، ۱۳۹۴)

در گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی مرتبط با بحث این پژوهش مطرح می‌گردد.

روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی و هنری زمینه‌ساز کار مولد (همان، ۱۰) در هدف‌های عملیاتی هم این نکته قابل توجه است:

با قدرشناسی و درک زیباشتانسنه آفرینش الهی و مصنوعات هنرمندانه بشری، درک مفاهیم فرهنگی و میان‌فرهنگی و بهره‌گیری از قدرت تخیل، توانمندی‌های لازم در خلق آثار فرهنگی و هنری را به دست می‌آورند و برای حفظ و تعالی میراث فرهنگی، تمدنی و هنری در سطح ملی و جهانی براساس نظام معیار اسلامی می‌کوشند (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۴، ۵) و راهکار اول: - طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی ملی راهکار براساس اسناد تحول راهبردی و بازتولید برنامه‌های

درسی موجود با تأکید بر:

**الف.** متناسب‌سازی حجم و محتوى کتب درسی و ساعت‌ها روزهای آموزشی با توانمندی‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان

در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی و الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی است.

در این سند، اصطلاحات به کار رفته به شرح ذیل تعریف شده‌اند:

### نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمانی‌یافته که به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال و بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی برای توکین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان (با تأکید بر وجود مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی) ضمن ملاحظه ویژگی‌های فردی و غیرمشترک و نیز در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح اسلامی مستلزم آن است که تربیت‌یافتنگان این نظام شایستگی‌های لازم برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را براساس نظام معیار اسلامی کسب نمایند.

### تعلیم و تربیت اسلامی

فرابندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی است که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی

تحقیق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است

**منابع**

۱. اسلامی، علامرضا و دیگران (۱۳۹۵) راهنمای معلم هنر دوره متوسطه، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران سهامی خاص، تهران.
۲. اولریش، دیو، بروک بانک، (۱۳۸۸) (شایستگی‌های منابع انسانی: شناخت تعامل افراد و کسب و کار، ترجمه: مسعود بینش و افشن دبیر، تهران: انتشارات سرآمد.)
۳. کارت رایت، راجر (۱۳۸۷) مدیریت استعداد: نگاهی نو به توسعه سرمایه انسانی، ترجمه: علی محمد گودرزی و سیدجمال حسینی، تهران، انتشارات رسا.
۴. گای، ماتیو، سیمیر، دوریس (۱۳۸۸) توسعه استعدادهای آلتی: راهنمای کاربردی مدیریت استعداد و برنامه‌ریزی جانشین‌بروری، ترجمه: نسرین جزی، تهران، انتشارات سرآمد.
۵. عالی، مرجان، تاج‌الدین، محمد، مدیریت استعدادها، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۹۱.
۶. محمدیان، بهرام (۱۳۹۴) سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری سند تعلو بینایی و برنامه درسی ملی، چاپ دوم، انتشارات مدرسه، تهران.

7. Hengton, Amy, 2007 November, What's Talent Management? Talent Management FAQ-HR World Address Site: <http://hrworld.com/features/?Talent-Management-faq-112007>.

آموزشی را در بر می‌گیرد و در همه رشته‌ها حائز اهمیت است و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ٤ طراحی فعالیت‌های عملی برای استفاده و تقویت هوش‌های چندگانه
- ٥ تقویت جنبه‌های دیداری، شنیداری، رفتاری
- ٦ ارتقای حساسیت نسبت به پدیده‌های آفرینش
- ٧ تقویت قدرشناسی و ارج نهادن به جهان هستی و پدیده‌های موجود در آن
- ٨ تقویت تفکر و تحلیل نقدانه
- ٩ تفکر در حوزه زیبایی و شناخت زیبایی‌های طبیعت
- ١٠ تقویت ارزش‌گذاری به فرهنگ و احساس نیاز به آن
- ١١ ایجاد تمایل و احساس افتخار نسبت به هویت فرهنگی
- ١٢ ایجاد آمادگی در جهت حفظ هویت فرهنگی اصول اختصاصی که فقط حوزه هنر را شامل می‌شود:

- ١٣ محور قرار گرفتن تربیت هنری (ارتباط با جهان آفرینش و پدیده‌های آن، زیبایی‌شناسی، معرفت نسبت به میراث فرهنگی، تفکر نقادانه هنری)
- ١٤ تنظیم محتوا در جهت پرورش نگاه نو و خلاقانه به محیط پیرامون
- ١٥ تلقی تربیت زیبا‌شناختی و هنری به مثابة تربیت همگانی (سند تحول بنیادین، ۳۰۹)
- ١٦ تأکید بر فراهم آوردن زمینه گرایش و تخصص هنری در متربیان (همان)
- ١٧ تأکید بر فراهم‌سازی زمینه‌های کسب شایستگی رمزگذاری و رمزگشایی برای متربیان
- ١٨ طراحی محتوا در جهت تقویت و پرورش جنبه‌های خلاقیت
- ١٩ آموزش اصول حاکم بر یک اثر هنری
- ٢٠ ایجاد شناخت نسبت به ارزش میراث فرهنگی و ارج نهادن به آن
- ٢١ آماده‌سازی و ایجاد شوق جهت حفظ میراث فرهنگی
- ٢٢ مطالعه و تفکر پیرامون زیبایی‌شناسی آثار هنری
- ٢٣ هم‌گامی کتاب و فعالیت‌ها با پیشرفت فناوری در عرصه هنری
- ٢٤ ارزشیابی غیرمستقیم از آموخته‌های دانش‌آموزان از طریق کار عملی

ب. حاکمیت رویکرد فرهنگی- تربیتی در تولید محتوا و تقویت شایستگی‌های پایه دانش‌آموزان

ج. بهره‌مندی فرون‌تر از روش‌های فعل، خلاق و تعالی‌بخش

د. بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی در راستای اهداف

ه. توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی بهویژه هویت جنسیتی دانش‌آموزان و تفاوت‌های شهری و رستایی

**راهکار ۱۶.** تنوع‌بخشی در ارائه خدمات آموزشی و فرصت‌های تربیتی متناسب با مصالح جامعه، نیازها و علایق دانش‌آموزان در راستای شکوفایی استعدادهای آن‌ها (۳ و ۲ و ۷)

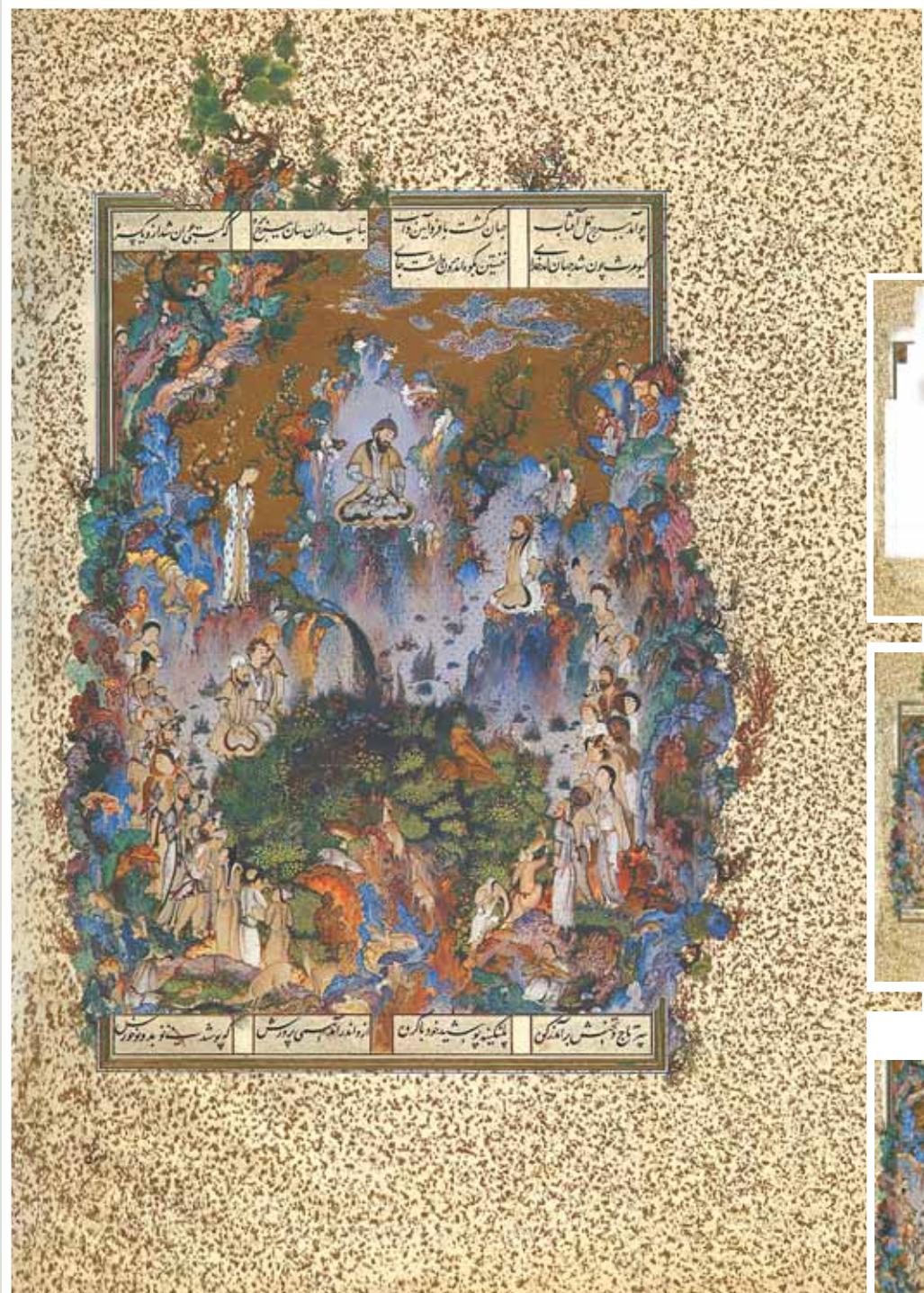
**راهکار ۱۷.** ارتقای کیفیت فرایند تعلیم و تربیت با تکیه بر استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین (۷ و ۱ و ۲ و ۳) (همان، ۳۴)

### رویکردهای برنامه درسی هنر

هنر دارای دو بعد اصلی است. یک بعد آن فراهم‌کننده توانایی بیان افکار، احساسات، عواطف، تخیلات و تفکرات در قالب یکی از رشته‌های هنری است و بعد دیگر آن افزون شدن فرزانگی، فرهیختگی و کمال در انسان است. همان‌گونه که در قلمرو حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر برنامه درسی ملی آمده است رمزگشایی و رمزگذاری پدیده‌ها در قالب‌های هنری دو فرایند کشف معنا (درک و دریافت اثر) و خلق معنا (تولید اثر) است. برای تقویت خلق معنا (تولید اثر) ضروری است که هر فرد به صورت عملی به خلق اثر هنری بپردازد و با تمرین و ممارست به مهارت خود بیفزاید؛ اما برای دستیابی به کشف معنا (درک و دریافت اثر) ضرورت اولیه تقویت حساسیت مواجهه با آثار هنری است و ممکن است فرد‌الزاماً هنرمند نباشد اما به یاری هنر به فرزانگی و کمال دست یابد. بر این اساس، دانش‌آموز، هر رشته‌ای از علوم و فنون را که پیشه خود سازد، می‌تواند از مطالب آن در مسیر زندگی انسانی خویش بهره‌مند شود.

### اصول حاکم بر تدوین برنامه درسی هنر

اصول حاکم بر تدوین برنامه درسی هنر بر دو محور استوار است. اصول عمومی که الزامات



تصویر ۱



تصویر ۲



تصویر ۳

# ترکیب‌بندی هندسی [اشتر سلطان] نگاره بارگ کیومرث محمد

زهرا خداداد

حنانه زعفرانلو

دانش‌آموز پایه دهم

## اشاره

شاهنامه یکی از کتب معروفی است که معمولاً نقاشان، به خصوص نگارگران، در دوران‌های مختلف به تصویرسازی آن پرداخته‌اند. یکی از داستان‌هایی که در بخش اسطوره‌ای شاهنامه بیان شده، داستان پادشاهی کیومرث است. شاید باشکوه‌ترین پروژه انجام یافته در مکتب تبریز دوره صفوی شاهنامه شاه تهماسب معروف به شاهنامه هوتون باشد. این اثر در سال ۹۲۸ ق توسط شاه اسماعیل به عنوان هدیه‌ای برای فرزندش تهماسب به سرپرستی سلطان محمد و بهزاد سفارش داده شد که «به روایت بوداق منشی قزوینی حدود بیست سال یعنی تاسال ۹۵۰ ق به طول انجامید» (آژند، ۱۳۸۴: ۱۱۶).

این نسخه در ابعاد  $47 \times 31/8$  سانتی‌متر و مشتمل بر ۷۵۹ برگ و دارای ۲۵۸ نگاره است این شاهنامه توسط آخرین فردی که مالک آن گردید ورق ورق و فروخته شد. در حال حاضر از بین نگاره‌ها ۱۱۸ نگاره در ایران، ۷۸ نگاره در موزه متروپولیتن و مابقی در دیگر موزه‌های خارج از کشور است. از بین نگاره‌های موجود در موزه متروپولیتن ما به بررسی نگاره بارگاه کیومرث، اثر سلطان محمد می‌پردازیم.

در این مقاله سعی شده است به روش کتابخانه‌ای (تحلیلی - توصیفی) نگاره داستان کیومرث اثر سلطان محمد را از لحاظ ترکیب‌بندی مورد بررسی قرار دهیم.

## اهداف

بررسی ترکیب‌بندی نگاره از لحاظ ترکیب دایره‌ای، مثلثی، مربع شاخص، اسپرال، دایره‌ای.

## مقدمه

ادبیات فارسی و نقاشی ایرانی همواره همخوانی داشته است، زیرا این دو عموماً از لحاظ بینش و زیبایی‌شناسی با یکدیگر ارتباط نزدیک داشته‌اند. مانند توصیف‌های نابی که شاعران و نویسندهای از عاصر طبیعت، اشیا و انسان دارند.

سلطان محمد نگارگر ایرانی در قرن دهم هـ از برجسته‌ترین استادان بنیانگذار مکتب دوم تبریز بهشمار می‌آید. درباره زندگی سلطان محمد اطلاعات بسیار اندک است. اما آنچه روشن است زادگاه او تبریز بوده است. (پاکباز، ۱۳۹۶: ۹۰۸-۳۰)

## سلطان محمد

چنین به نظر می‌رسد که سلطان محمد مراحل نخست زندگی خود را در دربار سلطان یعقوب آق قویونلو گذرانده و در کنار یعقوبی و درویش محمد و استادان دیگر در دربار تبریز مشغول کار شده است. «هنگامی که شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۶ هـ تبریز را از دست آق قویونلوها می‌گیرد کارگاه هنری کتابخانه سلطنتی را به دست می‌آورد، سلطان محمد هم در جمع هنرمندان دربار شاه اسماعیل در می‌آید و در صدر کارگاه هنری شاه اسماعیل قرار می‌گیرد.» (آژند، ۱۳۸۴: ۱۳۱-۱۳۲) سلطان محمد از نقاشی‌های محمد سیاه قلم در زمینه طراحی از پیکره‌های دیوان، جانوران درنده و افسانه‌ای و نقش‌مایه‌های گیاهی و پرندگان ایده گرفته است. او با چهره‌گیری از دستاوردهای کارگاهی دربار ترکمانان و تیموریان به سبک شخصی و ابتکاری شاعرانه رسید.

آغاز قرن دهم هجری مقارن با شکل‌گیری حکومت مقتدر صفوی است. شاه اسماعیل اول (۹۰۶-۹۳۰) شخصی هنردوست بود. وی پس از شکست دادن آق قویونلوها و ایجاد آرامش در کشور بسیاری از هنرمندان و صنعتگران را در تبریز گرد هم آورد و مکتب نگارگری تبریز بر پایه دستاوردهای هنری سه مکتب نگارگری شیراز (دوره تیموری و ترکمان)، مکتب ترکمان (تبریز) و مکتب هرات شکل گرفت. میراث اصلی شاه اسماعیل رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع در ایران بود. «وحدت سیاسی دوره صفویه و یکپارچگی کشور موجب شد نقاشی‌هایی که در نقاط گوناگون اجرا می‌شدند از یکدیگر تأثیر گرفته و از نظر سبک و سیاق به هم نزدیک شوند.» (گودرزی دیباچ، ۱۳۹۵: ۴۳)

## نگارگری مکتب تبریز

شاه تهماسب نیز در رونق نگارگری مکتب تبریز سهم عمدتی داشت. شکوفایی راستین مکتب نگارگری تبریز در سال‌های پایانی دههٔ سی در قرن دهم هجری حاصل شد. (اشرفی، ۱۳۸۴: ۴۱)



نگارگری

در یک نگاه کلی، خصوصیات مکتب دوم تبریز را باید توجه به انسان و جنبه‌های مختلف حیات دانست و آن را از ویژگی‌های نقاشی‌های بهزاد به حساب آورد. از این‌رو نگارگران مکتب جدید تبریز، به پیروی از سنت بهزاد، علاقه‌ای وافر به تصویر کردن محیط زندگی و امور روزمره از خود نشان دادند. آن‌ها سعی کردند تا تمام صحنه‌های زندگی را در نگاره‌های کوچک نشان دهند و از این‌رو سراسر صفحه را با پیکره‌ها، تزئینات معماری و جزئیات منظره پر کردند و با تأثیرپذیری‌های وسیع از مکتب بهزاد «نگاره‌های این دوره با نوآوری‌های همچون اتمام ماهراهه تصویر، قدرت خارق العاده برای تجسم منظرة کوهستانی در یک فضای محدود، نمایاندن بنای یک کاخ یا اندرونی کاخ شکل می‌گیرد.» (اشرفی، ۱۳۸۴: ۴۱)

## خصوصیات مکتب دوم تبریز

اما بازترین وجه ظاهری نقاشی‌های این دوره لباس‌ها و دستارهای پیچیده بلند صفوی است. همچنین ترکیب‌بندی‌ها اغلب از حد فوقانی کادر بیرون می‌زند. در نگاره‌ها فضا هم دو بعدی است و هم عمق دارد، هم یکپارچه هم ناپیوسته است. در هر بخش تصویر را می‌توان مستقل مشاهده کرد اما در کل دارای یک پیوستگی کامل است.



نگارگری

کیومرث نخستین پادشاه شاهنامه است. او بارگاه خود را در کوهستان می‌سازد و با فرزند، نوه، مردم و دیگر موجودات در آرامش زندگی می‌کند تا اینکه اهریمن علیه او توطئه می‌کند. فرشته سروش کیومرث را این خطر آگاه می‌کند و پسر شاه (سیامک) به جنگ دیو سیاه می‌رود و در نبرد کشته می‌شود. سپس نوه او هوشنگ به خونخواهی از پدر به جنگ دیو می‌رود و او را می‌کشد. (شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، ۱۳۲۴: ۶۰)

## موضوع نگاره بارگاه کیومرث

در این اثر سلطان محمد استادانه ویژگی‌های مکتب نگارگری ترکمانان را، با ویژگی نگارگری مکتب هرات، ترکیب کرده است. تقریباً تمام ویژگی‌های نقاشی ایرانی در این نگاره وجود دارد. در همه جای تصویر اتفاقی در حال رخ دادن است، رنگ‌ها بدون آنکه کلیت تصویر را متضیج کنند شجاعانه به کار رفته‌اند. اگر این نقاشی را در ابعاد بزرگ بینیم باز هم از جزئیات فراوانش شگفتزده می‌شویم. (هنر نگارگری: رابینسون، ب. و: ۵۳)

## بررسی اثر



نگارگری

ابرهای پیچان بالای صخره‌ها عامل مهمی در ایجاد حرکت تصویر هستند. رنگ طلایی به کارفته در آسمان نیز در به تصویر درخشش داده است. رنگ‌های آبی لاجوردی، فیروزه‌ای، صورتی، سبز زمردین، قرمز آتشین و سفید خالص و طلایی عناصر اصلی جهان رنگین نقاشی‌های او می‌باشد.

فضای عمومی این نقاشی، به دلیل عدم استفاده از رنگ سیاه و تضاد تیرگی و روشنی‌ها بهخصوص در لباس‌ها جلوه‌ای جواهرگونه یافته است. از عوامل مهمی دیگر رود کوچکی است که در سمت چپ در جریان است و حرکت چشم را به سمت پایین می‌کشاند. جهت حرکت سر فرشته سروش نیز عاملی بر تأکید حرکت رود به سمت پایین است.

## در این اثر سلطان محمد به طرز استادانه‌ای ویژگی‌های مکتب نگارگری ترکمانان را، که به رنگ‌های شاد و درخشان و پرتحرک است، با ویژگی نگارگری مکتب هرات، که دارای ساختار سنگیده است، ترکیب کرده است

صخره‌ها که بهصورت انسان، حیوان... در کنار هم دیده می‌شوند. ریتم تکرار صخره‌ها، گیاهان و حرکت آن‌ها از پایین تا بالا، خارج شدن گیاهان و درختان از قاب تصویر از دیگر عوامل قابل توجه است. عنصر مهم دیگر بافت است. بافت نقطه‌ای در صخره‌ها و پوشش پوستین مانند تمامی پیکره‌ها باعث می‌شود که بیننده تمام بخش‌های نگاره را ببیند.

نگارگر پیکره‌ها را به دو گروه تقسیم کرده است: گروه اول پیکره‌های درجه دوم که در کناره‌های تصویر آمده است و گروه دوم قهرمانان اصلی که در وسط تصویر قرار گرفته‌اند. حیوانات مانند شیر، پلنگ، آهو و رویاه در لایه‌ای صخره‌ها با آرامش زندگی می‌کنند. دو شیر در مرکز تصویر قرار دارند. از آنجایی که شیر نماد سلطان حیوانات است در مقابل سلطان قرار گرفته است که خود نوعی جناس است.

به دلیل استقرار پیکره‌ها بر اسلوب مدور، در این اثر عمق وجود دارد. اساس ترکیب‌بندی نگاره دایره‌ها هستند؛ دایره‌هایی که از پایین تا بالای نگاره در درون هم قرار گرفته‌اند. قسمت فوکانی دایره که شخص اصلی را دربر دارد کیومرث است. کمی پایین‌تر از او، سیامک روی یکی از صخره‌ها نشسته است و پس سر آن‌ها نیز کوهها و تپه‌ها به صورت نیم‌دایره قرار دارند.

اگر خطوط عمودی تصویر را از اطراف کتیبه‌های بالا و پایین به هم وصل کنیم نگاره را به چهار ستون تقسیم می‌کند که شخصیت‌های اصلی یعنی کیومرث، فرشته سروش و سیامک بر روی این خطوط قرار می‌گیرند. زاویه نگاه نقاش در این نگاره‌ها از بالا انتخاب شده است، لذا نوعی سبکی و بی‌وزنی در تصویر دیده می‌شود.

همچنین در این تصویر می‌توان به ترکیب مرتع شاخص اشاره کرد که کیومرث بر روی مقطع مربع جداگانده از پایین تصویر قرار گرفته است و شاخص‌ترین مستطیل را تشکیل می‌دهد.

رنگ‌های تیره تپه‌های بیضی‌شکل نیز در قسمت مرکزی در نیمه پایینی قرار گرفته‌اند و در تضاد با رنگ‌های روشن اطراف آن هستند که نوعی حرکت دورانی را در این بخش ایجاد کرده است. این قسمت توسط رود کوچکی که در بالای صفحه است در ارتباط است.

اگر کیومرث را در کادر مثلث درنظر بگیریم می‌بینیم که قاعده مثلث در زیر پای سیامک، درست در سمت چپ، و پیکره نشسته در سمت راست قرار می‌گیرد. اضلاع نیز از روی چهاره این پیکره و دستان سیامک می‌گذرد و در پشت صخره‌ها در بالای سر کیومرث رأس مثلث را ایجاد می‌کند. تصویر ۹

بر همین قاعده مثلث دیگری قرار دارد که رأس آن را می‌توان بر روی صخره‌ای در مرکز تصویر رسم کرد که نسبت به فضاهای دیگر خلوت‌تر به‌نظر می‌رسد (نقطه سکون تصویر). تصویر ۹

دو مثلث قائم‌الزاویه در دو طرف تصویر به صورت قرینه تمام پیکره‌ها و چهار کتیبه را در خود جای داده است. تصویر ۹

بزرگ‌ترین مثلث تصویر مثلثی است که قاعده آن چهار کتیبه پایین تصویر را در بر می‌گیرد و مرکز آن با در نظر گرفتن یک مثلث متساوی الساقین تا انتهای بالای سر کیومرث بر روی کوهها قرار می‌گیرد. تصویر ۹

از روی کتیبه‌های پایین نیز مثلثی می‌توانیم رسم کنیم که رأس آن بر روی سر آهوی است که به سمت بالا در حرکت است. تصویر ۹

در درون این مثلث، برجستگی صخره‌مانندی که در مرکز پایین نگاره با رنگ‌های مکمل آبی و نارنجی کار شده است، مثلثی را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را به عنوان نمای اول محسوب نمود. رأس این مثلث با مثلث ۸ یکسان است و شامل دو آهوی است که از روی صخره‌ها به بالا در حرکت‌اند و حرکت به سمت بالا را القا می‌کند. تصویر ۹



## احیای پرده‌کشی

گفت و گو با مهدی طالعی‌نیا

اعظم لاریجانی

دی، نمایشگاه «پرده‌های نقالی» در نگارخانه «ترگس تهران» برپا شد. به بهانه بروایی این نمایشگاه، پای صحبت نقاش پرده‌ها، مهدی طالعی‌نیا، نشستیم. لازم به ذکر است، این اولین بار است که تمام پرده‌های نقالی در سبک‌ها و موضوعات متنوع، در یک نمایشگاه به نمایش درآمده‌اند. آشنایی دیگران هنر با هنری سنتی مزیت اصلی این گفت و گوست.

### تفاوت هنر مینیاتور و نقاشی قهقهه‌خانه‌ای در چیست؟

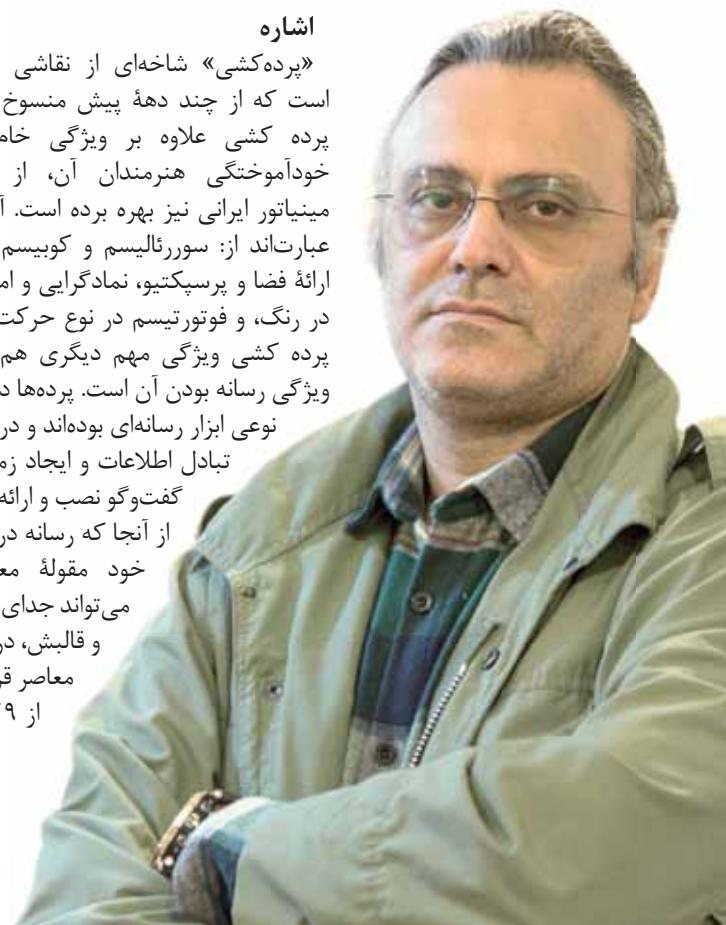
شاخه‌های متعدد مینیاتور همواره از اصول و قواعد مدون و مشخصی پیروی کرده‌اند و هیچ کدام نتوانسته‌اند قید و بند هنر کلاسیک را بشکنند. مکتب قهقهه‌خانه‌ای توانسته است از این قواعد عبور کند و ضمن داشتن ساختار هنری، به محظوظ نیز وفادار بماند.

نقاشی قهقهه‌خانه‌ای دو وجهه متضاد را ترکیب و تلفیق کرده است: خام دستی مدرن را با اصول کلاسیک مینیاتور.

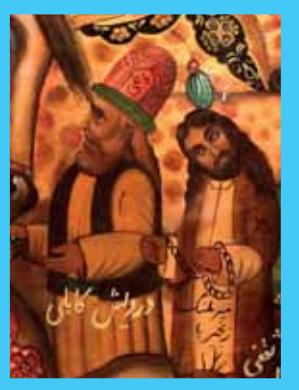
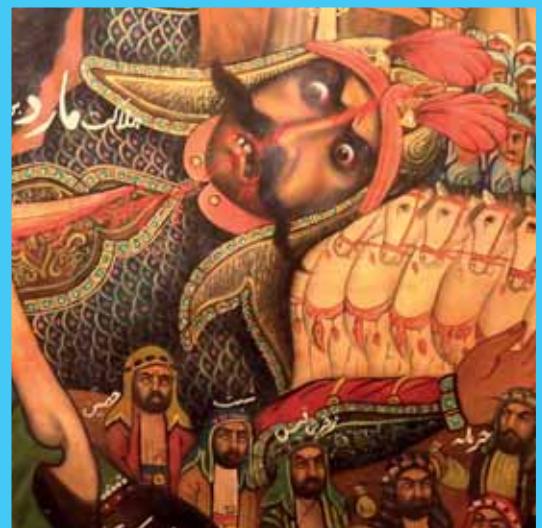
### شاره

«پرده‌کشی» شاخه‌ای از نقاشی قهقهه‌خانه‌ای است که از چند دهه پیش منسخ شده است. پرده‌کشی علاوه بر ویژگی خام دستی و خودآموختگی هنرمندان آن، از ویژگی‌های مینیاتور ایرانی نیز بهره برده است. آن ویژگی‌ها عبارت‌اند از: سورئالیسم و کوبیسم ابتدایی در ارائه فضا و پرسیکتیو، نمادگرایی و امپرسیونیسم در رنگ، و فوتورتیسم در نوع حرکت. همچنین، پرده‌کشی ویژگی مهم دیگری هم دارد و آن ویژگی رسانه بودن آن است. پرده‌ها در زمان خود نوعی ابزار رسانه‌ای بوده‌اند و در معابر، برای تبادل اطلاعات و ایجاد زمینه بحث و گفت و گو نصب و ارائه می‌شدند. از آنجا که رسانه در هر دوره‌ای خود مقوله معاصر است، می‌تواند جدای از رنگ، فرم و قالب‌شدن، در حیطه هنر معاصر قرار گیرد.

از ۲۹ آذر تا ۱۰



بخشی از اثر  
۳ در ابعاد: ۲  
اوین پرده عاشورایی «دو  
اسپه» موسوم به «جنگ  
دو برادر» - در تمام پرده  
های پیش از این طبق یک  
الگوی ثابت، فقط یک اسب  
در مرکز تصویر قرار داشت.  
برای تأکید بر جنگاوری  
حضرت سید الشهداء(ع) و  
رشادت های ایشان، شمایل  
مبارک شان ، سوار بر  
ذوالجناح در کنار قمر منیر  
بنی هاشم(ع) ترسیم شد.



بخشی از اثر  
۳ در ابعاد: ۲  
اشارة بر زاده شدن  
امیرالمؤمنین(ع)  
در کعبه.



در کارگاهها همین یک پرده با همان محتوا دوباره  
تولید می شد. فقط ممکن بود کمی در اندازه و رنگ  
تفاوتی ایجاد شود.

**دربارهٔ تکنیک تولید پرده توضیح دهید.**  
پردهها را روی پارچه‌های کتان، کرباس و متنقال  
اجرا می‌کردند. ابتدا با یک مجموعه مواد چسبنده،  
مثل سریشم، پرده را زیرسازی می‌کردند. سپس با  
رنگ‌های ساده، مثل رنگ‌های ساختمانی، کار اجرا  
می‌کردند. یعنی از رنگ‌های دارای کیفیت بالای  
هنری خبری نبود. من هم به همان روش سنتی  
کار کردم و به همین دلیل این آثار نشان اصالت و  
مرغوبیت دریافت کردم.

**سخن پایانی را بفرمایید.**  
از آنجا که پردهها خام دست اجرا می‌شوند،  
بهترین خوراک ذهنی برای کودکان هستند. از  
این رو، بازدید کودکان از چنین نمایشگاه‌هایی، و  
هدایت توجه آن‌ها به پرده‌ها و قصه‌های نهفته در  
آن‌ها، بسیار مفید و مؤثر خواهد بود.

## دربارهٔ اهمیت احیای هنر پرده‌کشی بفرمایید.

پرده‌کشی هنر مهمی است، چرا که با رشته‌هایی  
مثل پرده‌خوانی که از هنرهای دراماتیک محسوب  
می‌شود، و نقالی که از هنرهای نمایشی است،  
هم‌تاز است. طبق بررسی‌های آخرين پرده ۵۰  
سال پیش تولید شده است. ما کارگاهی برپا و با  
استخراج الگوهای قدیم، پرده تولید کردیم. در قدم  
اول به احیا و در قدم‌های بعدی به تولید گونه‌های  
جدید پرداختیم. این پرده‌ها را به موزه‌ها، هیئت‌ها  
و قهوه‌خانه‌ها ارائه داده‌ایم.

## پرده‌ها چه استفاده‌ای داشته‌اند و ویژگی طراحی آن‌ها چگونه بوده است؟

پرده‌ها ابزار نقالی بوده‌اند. تولید و محتواسازی این  
پرده‌ها دشوار بود. این پرده‌ها حدود ۷۰ پرسنژ و  
یک قصه اصلی با فرم درشت و چندین ریزقصه  
داشته‌اند. کسی که پرده را می‌ساخت، باید روی  
احادیث، قصص قرآنی، روایات و فولکورها مسلط  
بود. هر پرده ساخته شده، صد سال حاکم بود و

# تانگویند که از یاد فراموشانند!

یادی از دانشجو معلم هنرمند، شهید غلامرضا خدری

شهید خدری در گردان غواصی



## اشاره

دانشجو معلم هنرمند شهید غلامرضا خدری در مهر سال ۱۳۶۳ به مرکز تربیت معلم شهید مقصودی همدان راه یافت و در رشته دینی عربی به تحصیل پرداخت. او نمونه نمایانی از شهدای گرانقدر فرهنگی در دفاع مقدس به شمار می‌رود. این شهید عزیز که در سال ۱۳۶۵ به شهادت رسید درس ایثار، گذشت و ترنم سرخ شهادت را بسیار زیبا از سر گذراند و به اُسوه‌ای برای دانش آموزان و همکاران خود تبدیل شد: در این نوشترار، یکی از یاران شهید به لحاظ سابقه همکلاسی هشت ساله‌اش با این شهید، موری بر زندگی و شهادت ایشان داشته است.

## تولد و زمینه اجتماعی و بیزگی‌های فردی و

### شخصی

شهید غلامرضا خدری (۱۳۴۴ - ۱۳۶۵)

- شهید خدری زاده کوچه ضرایی در انتهای خیابان شهدای همدان بود؛ جایی که سختکوشی، پشتکار و جوهره مذهبی از ویزگی‌های ممتاز بچه‌های آن محل در همدان است. او در زمان شهادت هنوز بیست و یکمین بهار زندگی را تجربه نکرده بود.

پنج سال دبستان را در مدرسه حافظ به سر برد و بعد به مدرسه راهنمایی کشاورز در شمال شهر آن روز در همدان راه یافت. قصه این بود که دانشگاه بوعلی سینا در دهه پنجاه

از میان دانش آموزان ممتاز ابتدایی عده‌ای را برای تحصیل زبان فرانسه در یکی از مدارس خوب شهر انتخاب می‌کرد و شهید خدری یکی از آنان بود. خدری از انتهای خیابان شهدا به انتهای خیابان جهان‌نمای فعلی در رفت آمد بود. او دانش آموزی منحصر به فرد و خودساخته بود.

شهید خدری خط بسیار زیبایی داشت و معلم هنر همیشه خطهای او را در تابلو اعلانات مدرسه نصب می‌کرد. بسیار مورد احترام دبیر هنر بود.

این شهید نازنین و برادر معصوم و اصلًا ناشناخته‌اش فرزندان روزگار سختی بودند. در خانواده از ناز و نعمت برای آن‌ها خبری نبود. از لحظات اول نوجوانی شهید خدری نه تنها احساس کرد



که بنویسم؛ او، با روحیه قناعت بالا، پاییز و زمستان شهر سردسیر همدان را بایک جفت کفش کتانی سپری می‌کرد. بدینهی است که وقتی بی تعلق باشی، دل گندن از ظلمتکده دنیا که برای بسیاری کعبه آمال به شمار می‌آید دشوار نخواهد بود. حس زیباشناختی بسیار قوی در شخصیت و منش خدری موج می‌زد. او هنرمند بود و همواره دوستان خود را به هنر و زیباشناختی تشویق می‌کرد. روحیه ناز پروردگی و بزرگ شدن در ناز و نعمت نداشت. در او مسئولیت جمیع موج می‌زد. باغیرت و سخت کوش بود. در سال اول دبیرستان دغدغه ذهنی او و تهیه سه چرخه‌های کوچک برای برادران و خواهران کوچکش بود. براستی که در درس ریاضی از معلمان خود پیش بود. معلم ریاضی هر گاه به مسئله دشواری می‌رسید ندا در می‌داد که «خدیری! حل این مسئله کار خودته!» خدری هم با مهارت زیاد آن مسئله ریاضی را حل می‌کرد.

خدری متخصص درس رواداری و مدارا بود. این شهید در همان نوجوانی و سال‌های دبیرستان آدم اندیشه‌ورزی بود به همین دلیل نحله‌های فکری رایج را می‌شناخت. به عنوان نمونه اندیشه چپ را با بچه‌هایی که تمایلاتی از این دست داشتنند مورد مطالعه قرار می‌داد و هیچ وقت هم به عنوان آدم مذهبی با آن‌ها مواجهه یا مخاصمه نداشت. شاید باور نباشد ولی آن بچه‌ها بیشترین اشک را در سوگ شهادت رضا ریختند. به هیچ‌وجه، علی‌رغم داشتن روحیات نوجوانی، با کسی رقابت نشان نمی‌داد. شخصیت و رفتارش با هم انطباق داشت. بی‌شیله‌پیله بود، مهروز و صادق و حامی و کمک‌رسان به دوستان و همکلاسی‌ها بود.

با پدرش، مرحوم حاج علی‌آقای خدری، بسیار مؤبدانه صحبت می‌کرد. همیشه راوی ارزش‌ها و پژوهی‌های مثبت دوستان بود و با ارزش افزوده، کار آن‌ها را به خوبی معرفی می‌کرد.

خدری از همان سال‌های اول دبیرستان در دروس دینی و

که باید هزینه‌های تحصیلی را خودش تأمین کند بلکه علاوه بر آن به عنوان فرزند بزرگ خانواده مسئولیتی هم به عهده دارد. او هر چند که فرزند سختی‌ها بود و هر چند در مدرسه دوره راهنمایی او اختلاف طبقاتی بالا مشهود بود اما اهل مدارا بود و با شرایط سازگار می‌شد و کنار می‌آمد. حتی در تابستان‌ها هم که کار می‌کرد برای رفع و رجوع نیازهای اولیه‌اش بود. واقعاً به یاد ندارم که او دلبستگی‌های اقتصادی و مالی از خود نشان دهد. برعکس ارزش‌های هستی شناسانه، علمی و زیباشناختی در وجودش موج می‌زد.

در سال‌های سبک‌بالی و نوجوانی که همه به دنبال اوقات فراغت و رهایی و آزادی بودند این شهید، فردای آخرین روز امتحانات در یکی از بالاخانه‌های بازار خیابان اکباتان با کار و هنرآفرینی نقاشی سرامیک را شروع می‌کرد. وی در همان سال‌های دبیرستان یک استادکار نقاشی سرامیک بود و حس زیباشناختی قابل توجهی در او موج می‌زد. ره‌توش سه ماه تابستان را در نه ماه سال تحصیلی خرج می‌کرد و با این کار مددکار پدر پیر و زحمتکش خودش بود.

خدری در نقاشی سرامیک بسیار توانمند بود و کارهای فاخر و سنگین به او سپرده می‌شد. در ساختن کاردستی‌های درسی نیز منحصر به فرد و دست‌ساخته‌هایش معلمان را به‌خاطر ذوق وافری که در آن بود حیرت‌زده می‌کرد.

در دوران نوجوانی او، که سال‌های مخاطره‌آمیز تربیتی بود، از وی خطأ و خلافی سر نمی‌زد. پاکیزه‌رفتار و کم‌حرف بود و شخصیتی درونگرا داشت. بسیار با خلاق و باوفار و متین بود. همکلاسی‌هایش بر این باورند که او از همان ایام در درون دنیای عارفانه خودش زیست و پیش‌می‌داشت. با این حال در نهایت مهربانی با دانش‌آموزان مهجور کلاس دوست‌صمیمی بود. کتاب‌خوان و اهل مطالعات غیردرستی بود. هرگز در وجودش بخل و حسادت نبود و با کسی در امور درسی یا غیردرستی رقابت نمی‌کرد و حسادتی نشان نمی‌داد.

انسانی آرام و متواضع بود؛ به همین سان روزه‌داری‌های دوران نوجوانی ایشان زبانزد دوستان بود. همواره برای همکلاسی‌هایش این سؤال مطرح بود که چگونه یک نوجوان این گونه روحیه تقوا و پرهیزگاری و مقاومت را در روزهای بلند تابستان از خود نشان می‌دهد.

نمی‌دانم روح والای شهید غلام‌رضاء خدری نگارنده را می‌بخشد

در دریای پاکی شد و هر دو در سرمنزل جانان دیدار حق را لبیک گفتند.

هرگز نمردهای و نمیری تو ای شهید  
تو مرزبان زندگی جاودانهای  
این افتخار بر تو گوارا که از شرف  
خلوتنشین بزم خدای یگانهای

یکی از دوستان که از اقوام شهید خدری بود در زمان شهادتش تنها یک جمله بر زبان آورد و آن هم این بود که «غلام رضا خدری گویی متولد نشد». آن قدر این شهید بی حاشیه، بی سروصدای، بی آزار و مقبول همه بود. دانشجویان علم رضا خدری هیچ وقت مستثنه نبود که کسی به او فکر کند. ساده و صالح و بی ریا بود و این ها صفات کسی است که فقط بیستویک بهار زندگی را دیده بود. همین! تا زمانی که یار به دیدار یاران شهید رسید و راه دنیا را به پایان رساند!

بتاب امشب ای مه که افلاکیان  
بینند جانبازی خاکیان!

### وصیت‌نامه شهید خدری

در وصیت‌نامه وی به جمله‌ها و عبارت‌هایی برمی‌خوریم که همه خوش‌عطر و خوش‌طعم و خوشخوان و خوش‌ضمون‌اند. به همین دلیل، باید از اثر به مؤثر بی ببریم. در فرازی نوشته است:

«ای حسین ای سید مظلوم! از شما معذرت می‌خواهم که ادعای شیعه بودن شما را داشتم و در عزای شما بر سر و سینه می‌زدم اما دل را اسیر هوی و هوسي کرده بودم که برای محظی شمشیر به دست گرفته بودی». می‌بینیم که کلمات فحیم موزون، مطنطن و چیدمان زیباست.  
آیا این نثر فاخر می‌تواند از قلم یک جوان بیستویک‌ساله باشد؟

در نثر آن‌هایی که می‌خواهند فقط شلخته ننویسند باید کلی کار کنند. گنجینه لغات را قوی کنند حشو و اضافات را بکاهند. سلیس و روان بنویسند و این‌ها خودش یک دهه کار جان‌فرسا طلب می‌کند. اما شهید نازنین ما فرصت این سلوک را نداشت و فقط بارقه عشق بر دلش تابیده بود. پیر هرات، خواجه عبدالله، فرموده است: «علمی که از قلم ریزد معلوم است کزان چه خیزد علم آن است که الله در دل بنده ریزد یکی هفتاد سال علم آموخت چرا غای نیفروخت یکی یک حرف در همه عالم شنید عالم از او بسوخت تجلی الله ناگاه آید و بر دل آگاه» و شهید خدری از آن‌هایی بود که روایت این وصیت‌نامه مورد عنایت واقع شده بود.

بخش‌هایی از وصیت‌نامه شهید خدری که دربردارنده نکات عارفانه‌ست گویی ترجمه‌ای آزاد از دعای کمیل را به خاطر می‌آورد. اما این عبارات از صافی احساس و نجوای فردی شهیدی چون شهید خدری عبور داده شده است و حال و هوایی یافته که فردیت عارفانه و عاشقانه او را نمایان می‌سازد:

مباحث اسلامی علاقه ویژه‌ای از خود نشان می‌داد. با اینکه در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل داد اما داشتن پرسش‌های کلیدی موجب شد که در سال ۱۳۶۵ در رشته دینی و عربی مرکز تربیت‌علم شهید مقصودی همدان پذیرفته شود، و آن گاه با پشتکار مثال زدنی راه معلمی را برگردید. در عین حال، و با تمام عشق و علاقه‌ای که به شغل شریف معلمی داشت، گویی گمشده‌اش چیز دیگری بود. خدری، پیش از شهادت، شاهد شهادت شماری از جوانان و نوجوانان مجموعه فامیلی خودش بود، شهیدان عربزاده، دو روزی (دو بار در سال ۱۳۶۴) و دوازده شهید دیگر از اقوام نزدیک این شهید در سال‌های آغازین جنگ رای شهادت را بر تن کرده بودند به همین دلیل او با رها کردن درس و بحث‌های کلاسی به گردان غواصی لشکر انصارالحسین همدان پیوست. در این حال بار در کوچک و نوجوان او صادق خدری نیز، که بعداً به شهادت رسید، در کنار او قرار گرفت.

### حالات روحی و عرفانی شهید خدری تا لحظه شهادت

شهید خدری جوانی سرشار از روحیات عرفانی بود. در روزهای آخری که به عملیات کربلای ۴ - در اواخر آذر و اوایل دی‌ماه سال ۱۳۶۵ - نزدیک می‌شدیم او به انسان تحول یافته‌ای تبدیل شده بود. هر بیننده رفتارهای او احساس می‌کرد که با انسانی وارسته روپرتوست که حس پرواز در وی موج می‌زند. او مصادق مضمون کلام عطار نیشابوری بود که گفته بود: «وارستگی اوج زندگی معنوی است». تمام این حالات شهید خدری را می‌توان با مطالعه وصیت‌نامه نامه ۱۸ صفحه‌ای وی به خوبی درک کرد.

در روزهای واپسین حیات، حتی لب‌ها و نگاه و سکنات و حرکاتش ترنم سرخ شهادت بود و معلوم بود که غوطه‌وری دلیرانه این غواص شجاع را بازگشته نخواهد بود. به راستی که «شهیدان گنج پنهان‌اند و تاج و تخت ایمانند»! و شهید خدری از آن گنج‌های پنهان بود که در حیاتش شناخته نشد و افسوس که در ممات هم کاری جدی برای شناساندن وی انجام نگرفت. او در امواج اروند جاودانه شد.

با شهیدان وطن سایه به سایه رفتی

شرح رزم‌آوری‌ات در دل طوفان حک شد  
در چهره تقریباً ابری و غم‌گرفته شهید خدری نوعی از دل نبستن به دنیا پیدا بود. و «به سان رهنوردانی که در افسانه‌ها گویند» می‌خواست یکبار و برای همیشه از خاطرات مه گرفته بهاری، دنیای خودش را خانه تکانی کند و به سفر ابدیت و دیدار معشوق برودا!

آنان که به راه حق ز جان سیر شدند  
در رزم شهید تیر و شمشیر شدند  
تو مرده مخواشان که در نزد خدای  
رفتند و زخوان نعمتش سیر شدند  
عاقبت آن غواص بیستویک‌ساله، با برادرش صادق، غوطه‌ور

خدری مرور می کردم نوسان قلبم بالا می رفت و دیگ سینه‌ام  
مدام جوش می زد، چشمانم تر می شد و اشک امان نمی داد.  
گفتم راه رهایی چیست؟ دیدم فرشته الهام هنر در دل شب  
دریچه‌ای را به رویم باز کرد و گفت برای شهید خدری  
دلسرودهای سرکن و این دلسروده صدالبته که نمونه شعر من  
نیست نمونه عشق و علاقه من به کسی است که هفت سال با  
او همنفس بودم و در آن وانفسا او مرا به حال خود رها کرد و  
رفت و مرا در حسرت روزگار در دنیا تنها نهاد:  
شهید خدری به ما مشق شکفتن زودهنگام غنچه‌ها و پربر  
شندن گل‌ها را درس داد و خود مصداق واقعی کلامش بود.

دلسرودهای برای شهید غواص غلامرضا خدری که در  
دی ماه ۱۳۶۵ در کربلای ۴ به شهادت رسید.

ای شهید شاهد شب‌های شورانگیز عشق  
از تعلق خالی و از معرفت لیریز عشق  
روح دریابی تو در وسعت دنیا نبود  
زان سبب شد غرقه در دریای سحرآمیز عشق  
غوطه غواص جان برکف نه کار هر کس است  
این بود در قامت مردان رؤیاخیز عشق  
می ندانم عشق در جانت تجلی کرده بود؟  
یا وجود بیدیلت گشت دستاویز عشق  
تا که بودی پیشه‌ات نجوا، سکوت و عاطفه  
گام زن بودی نکردنی لحظه‌ای پرهیز عشق  
مرغ روحت با ترنم تا شهادت پر کشید  
تا که نوشیدی زجام سرخوش و سرریز عشق  
لحظه پرواز تو آن ساقی عرفان چه گفت؟  
که به کام خود کشیدی زخم‌های تیز عشق  
ای شهید بی‌نشان ای رایت مردانگی  
نور ایمان بهشتی تا شدی آویز عشق  
در وصیت‌نامهات گویی که پیری رهنما  
نغمه‌ها سر می دهد از شور رستاخیز عشق  
هر چه گوییم برتری ای معنی وارستگی  
جویباری جاری از سرچشممه و کاریز عشق  
مادرت عمری پریشان، منتظر بو می کشید  
تا کبوترها بگویند نعمه جان خیز عشق  
ای تو همدرس شهیدم، عطر گرمای تو کو؟  
تا مشامی تازه سازد قطره ناچیز عشق  
تاجهان باقی است یاد نقص دلهامان بود  
ای سوار قهرمان برگرده شبدیز عشق  
پنجره تا پنجره شوق رهایی داشتی  
تو بهار جاودانی ما همان پاییز عشق  
ما ز بعد تو به دنیا دل سپردهیم و نبود  
حسرتا، یک لحظه از عمر خیال‌انگیز عشق  
در فراقی عاشقانه «کاوه» با یاد «رضاء»  
بگذراند راه شب، با ناله یکریز عشق

«خدایا تو بهتر می دانی که همواره چنین خواستم که فقط  
تو را ببینم و لاغیر، مظلومانه زندگی کنم و غریبانه دل سوزانم  
و هیچ کس نداند که چه دردی دارم و به چه عاشقم و از چه  
رنج می کشم.»

به هر حال شهید غلامرضا خدری مثل شهانی بود که در  
کهکشان شهیدان ناگهان درخشیدن گرفت و لحظه‌ای پایید  
و باز ناپیدا شد و مارا در حسرت روزهای اوج فکری معنوی و  
اخلاقی خودش گذاشت.

و «چون حدیث تو آید سخن دراز کنم.»

هر چند که معلم شهید خدری به آرمانش که شهادت بود  
رسید ولی اگر امروز بود ما انسان فرهیخته، نمونه و وارسته‌ای  
را در میان خودمان داشتیم.

من ای صبا ره رفتن به کوی دوست ندام  
تو می‌روی به سلامت سلام ما برسانی!

چهارم دی ماه ۱۳۶۵ او در عملیات کربلای ۴ با برادرش  
به شهادت رسید. نزدیک به ۳۰ سال از پیکر گمشدگان  
خبری نبود تا اینکه در یکی از روزها دو کبوتر سفیدرنگ و  
زیبا با ضربه‌زدن به شیشه اطاق، مادر شهیدشان را متوجه  
خود ساختند. مادر که این کار را بسیار غیرطبیعی و عجیب  
می‌دانست به پشت پنجره آمد و آن را گشود. کبوترها بآن که  
واهمه‌ای داشته باشند با صدای مادر شهید که به آن‌ها می‌گفت  
بفرمایید مهمانان عزیزاً وارد اطاق شدند و یکراست در کنار  
عکس شهیدان غلامرضا و صادق خدری آرام گرفتند. مادر  
مهربان برای آن‌ها آب و دانه آورد و آن دو کبوتر تا صبحگاهان  
در اتاق ماندند و سپس رفتند. بعد از رفتن این دو کبوتر،  
دایی شهیدان به خانه آمد. مادر بلافصله پرسید: آیا خبری  
از غلامرضا و صادق شده است؟ و در پاسخ شنید که: آری  
خواهر! دو تکه استخوان به نام‌های این دو شهید عزیز از جبهه  
بازگشته است!

حال خواننده محترم حال و هوای مادر این شهیدان را که  
سال گذشته او نیز به دیدار فرزندانش رفت تصور کند.  
میراث ظاهری شهید خدری و برادرش گرچه بیش از دو  
استخوان برای ما نیست اما میراث واقعی این شهید و دیگر  
شهدا برای گرانقدر بازخوانی روش و سلوک این عزیزان است که  
نمی‌دانم چرا در روزگار فعلی ما انگار به خاطر اشتغالات فرصت  
پرداختن به این سلوک و رفتارهای ایثارگرانه را پیدا نمی‌کنیم.  
شاید دچار فراموشی زودهنگام شده‌ایم. شاید وقتی روش و  
منش و کنش شهید خدری هارامی‌بینیم خجالت‌زده می‌شویم  
و می‌گوییم ما کجا ییم در این روزگار و آن‌ها کجا؟

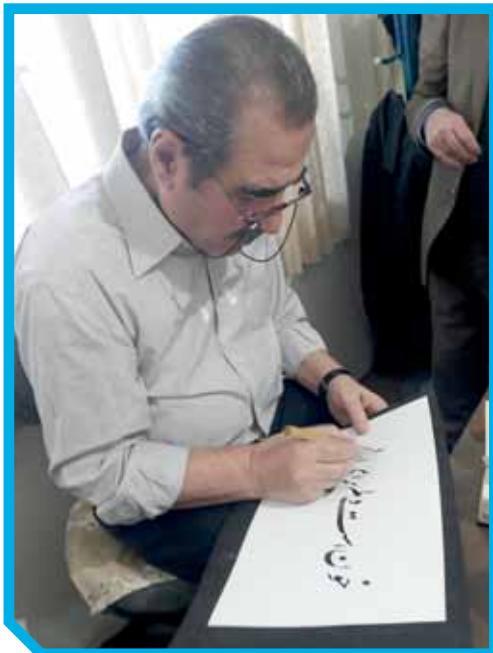
کبوتران مهاجر ز شهر ما رفتند  
پرنده‌های مسافر ز شهر ما رفتند  
دلم به شوق قناری هوای دیگر داشت  
دو صد قناری زائر ز شهر ما رفتند

**سخن پایانی!**

در لحظاتی که داشتم خاطرات و خطرات خود را با شهید

# معلم اجمع جمع معلم

بهریم  
نجبران



ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

## پرواز با شهبال کتابت قرآن

گفت و گو با استاد حسین رنجبران، دبیر هنر همدان  
هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

### اشاره

برای معلمان هنر بزرگ ترین سرمایه شاگردان آنها و آثاری است که در عرصه هنر به یادگار می‌گذارند. در گذر زمان، اینان با دیدن شاگردان دیروز و امروز خویش و آثار خود، زندگی هنری خویش را امری مفید و مؤثر می‌دانند که هیچ‌گاه گرد فراموشی را تجربه نخواهد کرد.

معلمان هنر یا هنرمندان معلم که تجربه پنج دهه تدریس از آنها دریابی از تجربه ساخته است می‌توانند چراغ راه هنرمندان و دیگر معلمان هنرمند جوانی باشند که نیاز دارند سیر و سلوک بزرگان و پیش‌کسوتان خود را درک کنند. استاد حسین رنجبران همدانی یکی از این رهروان است که با داشتن ۴۷ سال سابقه معلمی و ۴۰ سال تجربه تدریس هنر حرفه‌ای خواندنی خود را در این گفت و گو با رشد آموزش هنر در میان گذاشته است. برای ایشان که تاکنون سه بار توفیق کتابت کلام... مجید را داشته‌اند آرزوی توفیق داریم و شما را به خواندن متن گفت و گو دعوت می‌کنیم.

مدرسه حافظ شدم و بعد به دبیرستان ابن‌سینا رفتم و دیپلم گرفتم.

پدرم کارمند شرکت نفت بود و من ششمین فرزند خانواده بودم. پس از دیپلم دوره دو ساله دانش‌سرای راهنمایی را در سال ۱۳۴۷ طی کردم و وارد خدمت معلمی شدم و از آن تاریخ در خدمت

جناب رنجبران خودتان را برای خوانندگان ما که -

همانا معلمان هنر در سراسر کشور هستند - معرفی کنید.

در ۱۸ آذر ماه ۱۳۲۵ در محله جولان شهر باستانی همدان به دنیا آمدم. در هفت سالگی وارد



دانشآموزان شهرم بودم.

**تأثیر روانی خط  
بسیار بالاست.  
نوشتن اندرزهای  
بزرگان، احادیث  
و کلام خدا  
در شخصیت  
خوشنویس اثر  
مثبت خودش را  
می‌گذارد و این کار  
به محیط خانواده نیز  
تسربی می‌یابد**



شد. نگارش قرآن بسیار حس خوشایندی است. در حقیقت من در آن شب نذر کدم که قرآن را تحریر کنم و این کار را آغاز کردم و یک سال بعد، یعنی ماه رمضان سال ۱۳۸۹ آن را به اتمام رساندم. قرآن دوم را هم از سال روز تولد حضرت محمد (ص)، ۱۷ ربیع الاول، آغاز کردم و تا سال بعد در همان روز آن را به اتمام رساندم. این دو قرآن را به خط نستعلیق نوشتم، ولی قرآن سوم را به خط شکسته آغاز کردم که آن هم از سال روز تولد حضرت مولی‌الموحدین علی (ع) یعنی سیزدهم ربیع، شروع شد و در مدت ۷ ماه به اتمام رسید.

**نگارش قرآن مجید برای شما چه آثار و  
برکاتی داشت؟**

بسیار زیاده، اما در یک کلام باید عرض کنم که من نگارش سه باره قرآن مجید و نوشتن خط به طور کلی را یکی از عوامل حیات و زنده بودن خودم می‌دانم. نوشتن قرآن برای من به منزله فراموشی سایر چیزهای است؛ این کار نیرو و توان زایدالوصف و شادی‌آفرینی به من می‌دهد و خدا را این جهت شاکرم تأثیر روانی خط بسیار بالاست. نوشتن اندرزهای بزرگان، احادیث و کلام خدا در شخصیت خوشنویس اثر مثبت خودش را می‌گذارد و این کار به محیط خانواده نیز تسربی می‌یابد.

**برای دیبران جوان هنر چه توصیه‌هایی  
دارید؟**

من ۴۷ سال سابقه تدریس دارم که برایم همه این سال‌ها خاطره است.

دانشآموزان مستعدی داشتم که امروز دیدن هر یک از آن‌ها برایم لذت‌آفرین است.

توصیه من به دیبران هنر این است که درس خودشان را جدی بگیرند. هر دیبر هنری که نوشتن پردازد بیشترین تأثیر را در بچه‌ها خواهد داشت. به خاطر دارم که برای بچه‌ها در یک روز تا ۲۰ سرمهش می‌نوشتم، معلم خبره هنر کلاس را جان تازه‌ای می‌بخشد و به بچه‌ها انگیزه می‌دهد. دیبر هنر آگاه و متخصص بچه‌ها را مشتاق می‌کند. آفرینش هنری در کلاس باید اتفاق بیفتند تا فرایند تدریس منتهی به اثرگذاری بشود. شاگردان موفق من با این شیوه هنر را دنبال می‌کنند.

روی درس هنر باید حساب و پیش باز کرد. باید سعی کنیم به هنر هم‌شأن درس ریاضی اهمیت بدیم.

**از شما بابت شرکت در این گفت و گو کمال  
تشکر را داریم.**

از ایام تحصیل بفرمایید و اینکه کشش‌های اولیه خوشنویسی در شما چگونه به وجود آمد؟ در مدرسه بیشتر به نقاشی گرایش داشتم. در عین حال معلم خوشنویسی ما مرحوم غلامحسین خان همایونی فرزند کاتب همایون در جزینی بود و او بود که این کشش را در ما به وجود آورد. کاتب همایون از خوشنویسان زیاده و از شاگردان برجسته میرزا غلامرضا اصفهانی بود. آقای همایونی درس خط را بسیار جدی می‌گرفت. او به خاطر اینکه در دانشآموزان توانایی بیشتری به وجود آورد قلم را برایشان می‌تراشید. حتی نحوه تراشیدن آن را آموزش می‌داد، این‌طور که قلم را می‌تراشید و بعد قلم تراشید را می‌شکست و از دانشآموز می‌خواست که خودش قلم را بتراشد! در چنان فضایی و چنان معلمی، من اولین رگه‌های خوش خطی را در همان دوران دبیرستان تجربه کردم.

**به شکل جدی تر چگونه خط را ادامه دادید؟**  
در سال ۱۳۵۸ پس از دبیران با سبقه هنر است مرا با آثار استاد یخسرخ خروش آشنا کرد و من افتخار شاگردی ایشان را پیدا کردم. استاد خروش اولین سرمشقی که به من داد این مصرع از یک غزل زیبای حافظ بود: «بی پیر مر تو در خرابات/ هر چند سکندر زمانی»

به این ترتیب روند آموزش من ادامه یافت و مراحل خوشنویسی را طی کردم تا اینکه در سال ۱۳۹۱ گواهی نامه استادی را نیز دریافت کردم که البته از نظر ارتقاء اداری و آموزشی هیچ تأثیری نداشت.

**در مورد آثار چاپ شده و چاپ نشده‌تان  
توضیح فرمایید.**

من ریاعیات استاد ناصر مفرح همدانی را تحت عنوان کتاب «جلوه حق» به کتابت در آورده‌ام که چاپ شده است. از آثار چاپ نشده هم می‌توانم از ریاعیات خیام، مثنوی پیر و جوان، دیوان باباطاهر و ترکیب‌بند محتشم کاشانی نام ببرم.

**شما به شکل تخصصی از کاتیان قرآن  
هستید؛ در این مورد چه تجربیاتی دارید؟**  
در بکی از سحرگاه‌های ماه مبارک رمضان (سال ۱۳۸۸) از خداوند خواستم که به من توفیق نگارش قرآن را عنایت کند، و این موهبت الهی شامل حالم



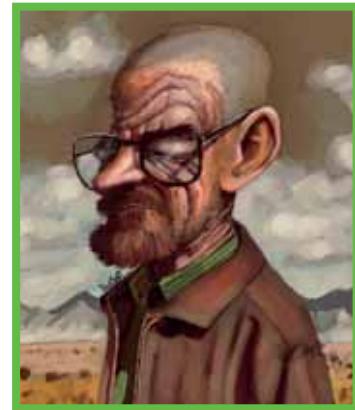
# جای خالی کاریکاتور هنری اجتماعی!

شروعین کاکاوند

دانشجوی کارشناسی ارشد گرافیک

## اشاره

در حاشیه هنرهای متعددی که در کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر آمده، جای هنر جذاب کاریکاتور خالی است. برای مهیج کردن کلاس و ایجاد جذابیت می‌توان به کاریکاتور در مباحث فوق برنامه کلاس پرداخت. در این مقاله کوتاه با مبانی کاریکاتور به همراه تعدادی اثر آشنا می‌شویم.



و دوستان که می‌دانیم که چه کاری قرار است انجام دهند (قابل پیش‌بینی شدن کاراکتر). ضمن اینکه یک کاریکاتوریست باید حافظه قوی‌ای داشته باشد تا بتواند هر آنچه را که می‌بیند به تصویر بکشد و دستش با مغزش هماهنگ بوده و قابلیت تشخیص داشته باشد. او باید قابلیت تحلیل در لحظه را داشته باشد، سوزه را شناسایی و تحلیل کند.

صورت هر فرد ویژگی‌های خاص خود را دارد اعم از ویژگی‌های فردی و ذاتی که باید در کاریکاتور نیز بآذتاب داشته باشد. کاریکاتوریست می‌تواند صورتی را ترسیم کند با قابلیت تشخیص و شناسایی و تحلیل آن چهره. مهم‌ترین راه برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها «ارتباط چشمی» است. در اینجا چشم یک محرك و وسیله ارتباط بین افراد است. قلب هر کاریکاتور انسانی چشم آن است و می‌تواند بیشترین شاهت را به کاریکاتور بدهد.

اغراق در کاریکاتور بسیار مؤثر و بلکه یک اصل است. بزرگنمایی و کوچکنمایی در نقطه‌دید بسیار تأثیرگذار است. کاریکاتوریست موقق کسی است که بتواند یک چهره را به صورت طراحی رئال یا افعانگاری و ترسیم کند و سپس وارد مقوله اغراق شود. کاریکاتوریست عیناً نمی‌کشد یا کمی نمی‌کند بلکه بر اساس کارش از تصویر بهره می‌گیرد. او حافظه‌تصویری قوی دارد و باید بسیار زیاد تلویزیون، فیلم و سریال ببیند یا بسیار به سینما برود و اخبار را به دقت دنبال کند. او باید مطالعه دقیقی روی سوزه خود داشته باشد مثل نحوه گفتار و رفتار، ادا و اصول سوزه بسیار مهم است و باید مطالعه دقیق روی آن انجام شود. کاریکاتوریست اتون نمی‌زند، مستقیماً کار می‌کند، از کسانی که برای تمثیل کاریکاتورش آمداند و اهمه‌ای ندارد. با دقت طراحی می‌کند و با ارماش به سوزه خود می‌پردازد. سوزه خود را مورد مطالعه و بررسی و آنالیز و تشخیص و تحلیل قرار می‌دهد و مستقیماً روی کاغذ اجرا می‌کند. از فکر و از ایده‌هایی که باعث می‌شود اثیرش جذاب تر و ماندگارتر و جاودانه‌تر شود استفاده می‌کند تا کاریکاتوری با طراحی پرقدرت و استاندارد تحويل مخاطبیش دهد.

اعتقاد ندارم که طنز بتواند چیزی را تغییر دهد، اما گاهی می‌تواند مانند ذرهای از شن‌زار، عاملی برای ایجاد تغییر باشد.

«کینو» یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر روی آوردن به طنز است تا از سختی‌های زندگی اش بکاهد. طنز در طول هزاران سال نقش مهمی را بازی کرده است؛ از یک سو باعث برقراری ارتباط بین ملت‌ها و اقوام شده و از سوی دیگر هم باعث کاهش خشونت و سختی‌های زندگی گردیده است.

کاریکاتور چیزی فراتر از کشیدن چهره‌های خنده‌دار است. کاریکاتوریست‌ها عموماً این استعداد را ذاتی و از کودکی داشته‌اند. کاریکاتور شامل: دفترماسیون، اغراق، پرتره دفترمه می‌شود و درصد این کار ایده و دیدن است. طراحی، کاریکاتور و کارتون از هنرهای تجسمی هستند و به ویژه در مطبوعات نقش کلیدی ایفا می‌کنند. کاریکاتوریست قالب اجتماعی و آن خبری را که مردم نمی‌دانند و نمی‌بینند در قالب طنز به تصویر می‌کشد. کاریکاتور در اجتماع نقش پژوهش یا درمانگری را بازی می‌کند که مشکلات را با زبان طنز می‌گوید و مخاطبیش عام است و باید هارمونی داشته باشد.

کاریکاتوریست هنرمندی است که در طراحی از هر فرصتی استفاده می‌کند. خطوطش پخته و طراحی‌هایش زیباست. با چهره سروکار دارد و باید بسیار مطالعه داشته باشد. وی در طراحی خود، که همان صورت انسان است که دارای استخوان و آناتومی است، ابتدا باید به صورت بپردازد و سپس شکل و اجزای آن.

یک اصل مهم در کاریکاتور شیاهت ظاهری آن با کاراکتر است. شیاهتها را می‌توان در ظرفات‌ها، حالات روحی فرد، زست، وضعیت پاهای، نقطه دید، حالات چهره و صورت، آناتومی بدن و صورت دید. هرچه بیشتر فرد را شناسایی کنیم، کمک بیشتری به شیاهت فرد در خلق اثر می‌کند. درست مثل شناسایی خانواده

# اصول طراحی پوستر

## ۲. فرم و اجرای مناسب

موضوعات مختلف، از لحاظ بصری، ساختار و ترکیب‌بندی متناسب با خود را می‌طلبند؛ مثل تصویر محور‌بودن، مینیمال یا ماکسیمال بودن، تایپ محور بودن و ... استفاده از فرم مناسب در ترکیب‌بندی عناصر، برای تقویت نیروی ارتباطی پوستر است.

یکی از مسیرهای موفقیت در طراحی گرافیک، دیدن مداوم آثار و مقایسه آنها با نمونه‌های موفق و ناموفق است. در همین دیدن‌ها و مقایسه‌های است که اگر با تجزیه و تحلیل همراه باشد اصول و خصوصیات مهم و حرفه‌ای

کشف می‌شوند؛ ضمن اینکه برای هر طراح گرافیک، پس از فراگیری این اصول، امکان کشف دنیای منحصر به فرد و شخصی خودش هم وجود دارد. ناگفته پیداست که در دنیای هنر بسیار کسان بوده‌اند که آثار موفقی به وجود آورده‌اند در حالی که با

اصول و قوانین کلاسیک آن هنر ساختیت چندانی نداشته است. اگر بخواهیم این مسئله را به صورت خاص در طراحی پوستر

بررسی کنیم، خواهیم دید که طراحان گرافیک شاخص براساس یک رشته اصول و مبانی بصری مشخص، و البته گاهی برحسب نوع تجرب شخصی و فضای فکری خود، ویژگی‌ها و جلوه‌های متفاوتی در آثار خود بروز می‌دهند. این فضاهای شخصی در صورت تسلط هنرمند بر اصول و ویژگی‌های مشترک بصری، امکان پذیر می‌شود.

## دو عامل مهم در طراحی پوستر

### ۱. ایده

انتخاب تکنیک مرتبط با موضوع از اهمیت بالایی در طراحی برخوردار است. در یک پوستر خوب فرم‌ها معنا دارند. هیچ عنصری باری به هر جهت، وارد داستان پوستر نمی‌شود و هر کدام دلیل حضور به اندازه و مناسبی دارند و هر عنصر به مثابه نت‌های یک ارکستر هماهنگ در خدمت موضوع پوستر هستند.

فرم زیبای معنادار، خارج از موضوع پوستر شکل نمی‌گیرد، بلکه از پتانسیل‌های فرمی ظاهری و انتزاعی موضوع پوستر شکل می‌گیرد.

برخی از طراحان گرافیک، از امکانات نوشتاری به مثابه فرم تصویری (تاپوگرافی) برای ارائه موضوع پوستر بهره می‌برند؛ البته در موارد غیر از این هم نوشتار به عنوان یک شاخص تصویری مهم دارای اهمیت است. نوشتار به همراه تصویر، عنصر ملزم یک پوستر به شمار می‌آید. انتخاب تایپ‌فیس مناسب و زیبا و چیدمان خلاقانه آن با تصویر، ارزی تصویری پوستر را دو چندان می‌کند. طراحان حرفاًی در موارد خاص حتی فرم تایپ فیس‌های معمول را در جهت رسیدن به ترکیب‌بندی مناسب، دستکاری می‌کنند و یا فرم نوشتاری متناسب با موضوع پوستر خود را طراحی می‌کنند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این امکان برای طراح گرافیک وجود دارد که پس از فراگیری اصول و شاخص‌های شناخته شده، دنیای شخصی خود را خلق کند و به عنوان یک «طراح مؤلف» فردیت خود را به مخاطبان نشان دهد.

پوستر، رسانه‌ای است برای اطلاع‌رسانی درباره یک موضوع، یک اتفاق یا یک رویداد به یک گروه یا گروه‌های مختلفی از جامعه. بنابراین جالب توجه بودن و امکان ایجاد ارتباط سریع با مخاطب، ویژگی مهمی در طراحی پوستر به شمار می‌رود. یک ایده چشمگیر تألیفی، به پوستر ارزش افزوده می‌دهد. به طور مثال تصویرسازی به شیوه آشنایی‌ای یکی از فنون دستیابی به ایده‌های چشمگیر است. ترکیب نشانه‌های به ظاهر غیر مرتبط و کشف یک نشانه ثانوی از همنشینی آنها، امکان خلق یک ایده نو با معناهای ضمنی مضاعف را فراهم می‌سازد.



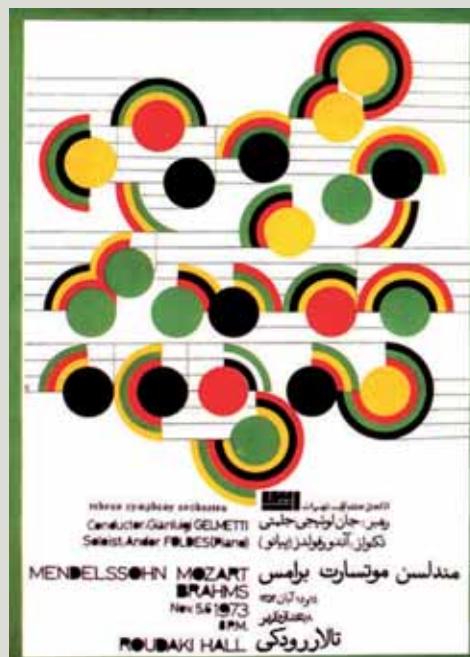
#### مجید کاشانی

نمایش امری غیرعادی اما بهم پروری که عادی و باورنده به نظر آید و بیزگی جذاب و کاملاً مرتبط با موضوع این پوستر است. همچنین طراح، از زوایای خطوط اریب پس زمینه برای ترکیب‌بندی نوشtar استفاده کرده است.



#### قباد شیوا

فاصله گرفتن و گاهی هم نزدیک شدن به موضوع، امکان کشف ایده‌های خلاقانه را بیشتر می‌کند. مثل این پوستر که طراح مثل یک باستان‌شناس به موضوع پوسترش نزدیک شده است.



#### مرتضی ممیز

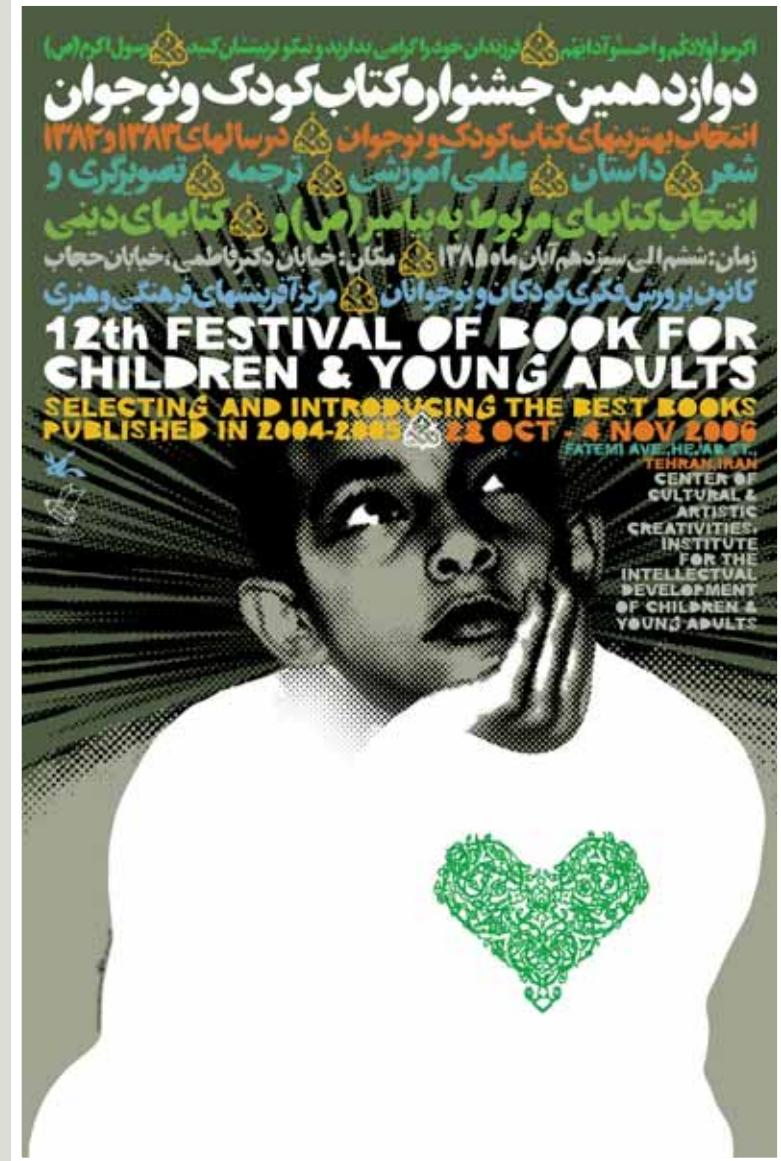
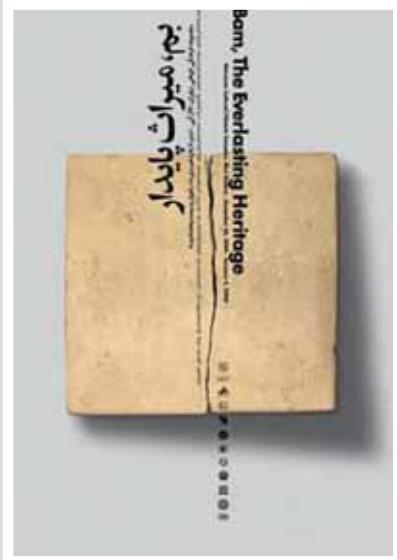
فرم زیبای معنادار، خارج از موضوع پوستر شکل نمی‌گیرد، بلکه از بتناسبی های فرمی، ظاهری و انتزاعی موضوع پوستر شکل می‌گیرد. پوستر طراحی شده برای یک اجرای موسیقی مرتضی ممیز، نمونه شخص هماهنگی فرم با محتواست. اتفاقات دیگر از جمله کاربرد رنگ و نحوه چیدمان عنصر داخل کادر به میزان شناخت و تجربه طراح از مبانی بصری مستنگی دارد.

#### پیمان پورحسین

در این اثر، از ترکیب دو نشانه یک نشانه مستقل معنادار به وجود آمده است. نتیجه شbahat کلی فرم موشك و مقوای اول شده پوستر، تبدیل به یک ایده جالب و چشمگیر شده است. نوشار در هماهنگی با کلیت فرم‌های پوستر در داخل لوزی پیش‌زمینه، طراحی و چفت‌بست شده‌اند. طراح در این پوستر از ساختار گزیده‌گویی بهره برده است.

### مجید عباسی

تصویری صريح از خشتم ترک خورده، ایده ساده و مبتسمال این پوستر است. اطلاعات نوشتاری به شکلی خلاقانه در راستای خط ترک به صورت عمودی از بالا به پایین چیده شده‌اند و ارزشی بصیر پوستر را قوی‌تر می‌کنند.



### کورش پارسانژاد

کودکی دنیایی خیال‌انگیز و سرشار از افکار رنگ‌به‌رنگ است. دل کودکان صاف وجودشان پاک است. در این پوستر که تصویری از یک کودک در حالت تخیل است، به فراخور موضوع، از ترکیب دو ساختار مینیمال و ماکسیمال استفاده شده است. یاکی کودکی در خلاصه‌ترین حالت، با رنگ سفید پیراهن و یک قلب سیز نشان داده شده و تخیلات کودکی با استفاده از حجم نوشتار و تنوع رنگ‌ها به بیننده القای شود.

### مهردی فاتحی

ایده جالب این پوستر با استفاده از تعدد نشانه‌ها در یک ترکیب‌بندی منسجم و یکپارچه به وجود آمده است. از طرفی نوشتار به شکلی هوشمندانه در هماهنگی با کل اثر چیدمان شده است.



# آشنایی با قطعه‌سازی هنری دیرپا و سنتی

## اشاره

از جاذبه و شور هنر هرگز نباید غافل شد؛ بهویژه هنرهایی که در فرهنگ طولانی ما دارای ریشه‌های استوار و ماندگارند. از آن جمله است هنر قطعه‌سازی که در ذیل هنرهای سنتی قرار می‌گیرد. این هنر به نوعی از کارهای تجربی دست‌سازی است که اجرای آن در کلاس و مرتبط با دروس خوش‌نویسی بسیار پراحساس و برای دانش‌آموزان انگیزه‌آفرین است. صرف ورود بچه‌ها به این کار و درآمیختگی آن‌ها با مراحل کار قطعه‌سازی برایشان معناً‌افرین و خشنود‌کننده است، بهویژه که دبیر هنر نیز با علاقه و افکار خود آن‌ها را در کار هدایت کند. در این نوشتار تلاش شده تا مراحل قطعه‌سازی و تکنیک‌های مرتبط با آن در کارگاه عملی مورد توجه قرار گیرد.

فرزانه جعفری

عکاس: احمد رضافکری

## مراحل کار قطعه‌سازی و نکات آن

### مرحله اول: آبرک زدن

ابرک زدن نوعی کادربندی اولیه محسوب می‌شود، به این ترتیب که اثر هنری یا سطرهای خوش‌نویسی شده با خطوطی مُدور احاطه می‌شود و دور تادور آن برای مراحل تذهیب و نگارگری و تشعیر آمده می‌گردد.

قطعه هنری یا خوش‌نویسی ابتدا باید ابرک زده شود و این کار حتماً قبل از مرحله پرس شدن کار انجام گیرد؛ در غیر این صورت اگر بعد از مرحله پرس شدگی ابرک زده شود، از ترکیب چسب پشت کار و رنگ گواش و آب، به اصطلاح ذلمه‌شدگی اتفاق می‌افتد و کار فرم بدی به خود خواهد گرفت. دو شیوه ابرک زدن وجود دارد. یک شیوه مربوط

به مكتب صفوی است که همان دورگیری خط است که به تناسب دانگ قلم انجام می‌شود. این نمونه ابرکزنی در خطوط میرعماد و قدما قابل مشاهده است.

اگر دانگ قلم درشت باشد فاصله دورگیری و ابرک‌زدن، و اصطلاحاً فضای منفی بین خط و ابرک، کمتر می‌شود، ولی اگر دانگ قلم مانند خطوط کتابت و قلم غبار ریز باشد بهتر است این فاصله بیشتر شود.

در برخی از کارها و تذهیب‌های استادان، اگر دانگ قلم درشت بوده، مثلاً حدود چهار سانتی‌متر، فاصله ابرک تا خط حدود نیم سانتی‌متر است و تا آنجا که امکان داشته، ابرک به خط نزدیک کشیده شده است.

دلیل نکته ذکر شده آن است که وقتی، برای مثال، قلم ریز است اگر ابرک را نیز ریز بکشیم دیگر خط جلوه‌ای نخواهد داشت. علاوه بر آن، جزئیات و خطوط طلایی موجود در ابرک دیده نخواهد شد و زیبایی اش افت خواهد کرد.

نوع دوم ابرک‌زنی مربوط به دوره قاجار و روشنی است امروزی که در آن دور قطعه مورد نظر با خطوط نیم‌دایرمانند احاطه می‌شود. این نیم‌دایرها می‌توانند یک در میان کوچک و بزرگ یا هماندازه باشند. این ویژگی به تناسب نوع خط-شکسته، نستعلیق، ثلث و نسخ-متفاوت است. برای مثال، در خط شکسته معمولاً قوس دوایر بیشتر است؛ و یا کوچک و بزرگ شدن دوایر محسوس‌تر است، تا بتواند فضای منفی موجود در خط شکسته را که در ابتدا نامتقارن‌تر است به هماهنگی درستی برساند.

در این نوع ابرک، دست باید حول محور دایره در چرخش باشد. برای تمرین کشیدن ابرک به شیوه قاجار در صفحه‌ای دیگر بهتر است دانش‌آموزان و هنرجویان کشیدن خطوط دایره‌ای را تمرین کنند تا دست آن‌ها شاکله دایره را به بهترین نحو یاد بگیرد.

در ابرک‌زنی باید توجه داشت که باید خط به اصطلاح نفس بکشد و فضاهای پر و خالی آن با هم در تناسب و تعادل باشد. ابرک‌ها در بالا و پایین اثر باید به صورت یکنواخت وجود داشته باشند تا از نظر بصری زیبا دیده شوند. رمز دیگری که در ابرک‌زنی وجود دارد آن است که نواحی تیز خط مثل انتهای میم، سرکش کاف و گاف و ... و همچنین نقطه‌های خط باید در مراکز دایره‌های ناقص قرار بگیرند تا کار متناسب‌تر دیده شود.

در این دو نوع ابرک‌زنی هم، به واسطه سلیقه و حس زیبایی‌شناختی، گوناگونی‌های دیده می‌شود.

همچنین ابرک‌های کوچکی در فضاهای خالی درونی خط کاغذ را به درستی ال (زاویه  $90^\circ$  درجه) بین خط افقی و عمودی) کرده و فضای منفی مانند «ی»، «ن» و ... یا خطوط عمودی که نیاز به نود درجه شدن از چهار طرف دارد به ما نشان می‌دهد. بعد از پیدا کردن خط کرسی کرد. خط کرسی میزان کچ بودن کادر و محلی را که نیاز به نود درجه شدن از چهار طرف دارد به با استفاده از گونیای مخصوص در بیرونی ترین حالت ممکن خط را کادرنده کرده و سپس برای حذف قسمت‌های اضافی قطعه، آن را با کاتر پیدا کردن میزان فضای منفی برش می‌دهیم.

در ابرک زدن، اشتباه مرسوم تذهیب‌کنندگان آن است که با رنگ گواش کار را انجام می‌دهند.



گواش بعد از مدتی کوتاه صمغ خود را، به دلیل تبخیر، از دست می‌دهد، لذا برای این کار مناسب نیست، چون پایدار و ثابت نخواهد ماند و از کاغذ کنده خواهد شد. اما رنگ‌های اکرولیک، خاصیت مشبکی که دارد این است که به کار می‌چسبد و صمغ آن ثابت است و امکان پاک‌شدنی ندارد؛ همچنین در صورت اشتباه در کشیدن اسپیرال‌ها امکان تصحیح با اکرولیک وجود دارد. اما گواش با قلم‌گیری بلند می‌شود.

مرسوم است که ابرک به رنگ طلایی باشد. بعد از اجرای خطوط دور قطعه مورد نظر، رنگ اکرولیک را به میزان لازم با آب ریقی کرده و دورنادور ابرک را به سمت نواحی بیرونی رنگ‌آمیزی می‌کنیم.

مرحله دوم، قرارگیری خط در کادر است. برای قرارگیری خط در جای مناسب ابتدا باید خط کرسی را در قطعه خط شناسایی کنیم. خط کرسی محوری است برای یافتن خطوط افقی و عمودی کادر قطعه موردنظر می‌توان براساس کرسی خط کاغذ را به درستی ال (زاویه  $90^\circ$  درجه) بین خط افقی و عمودی) کرده و فضای منفی بین ابرک و کادر بیرونی را به حد نیاز کاهش داد. کرسی ملاک قطعه‌سازی است. برای پیدا کردن کرسی خط می‌توان کشیدن، که به ابرک جزیه معروف‌اند. بسته به نیاز قطعه و وجود فضاهای خالی درون خط از ابرک جزیه استفاده می‌شود. مثلاً در قالب سیاهمشق می‌توان از این تکنیک بهره برد. در قالب چلیپا نیز می‌توان، به تناسب فاصله خطوط از هم، هر چهار سطر را در یک ابرک پیوسته قرار داد یا دو سطر بالا را از دو سطر پایین به وسیله دو ابرک جدا کرد.

اصطلاحاً خط در قطعه می‌نشینند و در جایگاه مناسبش قرار می‌گیرد. در حالتی که قطعه مورد نظر مربع باشد و زمینه مستطیل، خط را به این شکل قرار می‌دهیم که قسمت پایینی کار از دو سمت چپ و راست آن، اندازه‌اش بیشتر باشد و حداقل اندازه به بالای کار داده شود. این که کار دقیقاً در کجا زمینه قرار بگیرد تا حد زیادی یک امر بصری است. به هر حال، باید به قرارگیری آن در مکان درست دقت زیادی شود، چون بعد از مراحل ترلینگ و سمه، محدوده دور کار از آنچه اکنون هست تنگ‌تر خواهد شد. بنابراین با رعایت فاصله درست در هر طرف، از عدم توازن جلوگیری کرده و به دلنشیں ترشدن شکل کلی قطعه کمک می‌کنیم.

پس از چسباندن کار در جای درست، برای پرس کردن آن روی مقواهی ماقت با کشیدن مهره روی کاغذ سفید قرار گرفته بر روی کار اصلی، این مرحله را به انتهای می‌رسانیم.

### مرحله تسمه کاری

در این مرحله نوارهای باریکی از کاغذهای رنگی را، به ضخامت  $\frac{1}{2}$  تا  $\frac{1}{4}$  سانتی‌متر، بریده و سپس دورتا دور قطعه را با آن‌ها مزین کرده و به اثر جلوه می‌بخشیم. در این کار معمولاً از دور دیف نوار استفاده می‌شود که نوار داخلی دارای ضخامت کمتری نسبت به نوار خارجی است. البته در آثار بزرگ‌تر از نوارهایی با ضخامت بیشتر استفاده می‌شود، هرچند این اختلاف فقط در حدود چند میلی‌متر است. در کارهایی با قلم سیار ریز حتی می‌توان از چندین تسمه پشت سر هم استفاده کرد تا باعث دیده شدن اثر شود. در انتخاب رنگ نوارهای تسمه بهتر است از رنگ‌های متضاد با زمینه کار و کاغذ قطعه موردنظر استفاده کنیم و باعث جلوه دادن به اثر شویم. این کار با حس زیبایی‌شناسنی قطعه‌ساز در ارتباط است. با مطالعه کتاب «درویش عبدالمجید طالقانی»، از آثار استاد مشعشعی، می‌توان با رنگ‌شناسی بیشتر آشنا شد و انتخاب رنگ‌ها را به شکل زیباتر انجام داد. تماشای آثار فاخر نیز به انجام قطعه‌سازی به درست‌ترین شیوه ممکن کمک خواهد کرد، چرا که ما را به انتخاب رنگ‌های صحیح در کنار هم خبره‌تر می‌کند. در موزه رضا عباسی و موزه ایران باستان می‌توان این‌گونه آثار را مشاهده کرد.

در کل، مهم این است که با آثار هنری در گیر شویم.

(بین ابرک و کادر بیرونی) در هر اثری می‌تواند متفاوت باشد. این تفاوت به ترکیب خط و تذهیب مورد نظر برای آن، نقطه طلایی، همچنین سلیقه مُذهب و بزرگ یا کوچک کردن قطعه با توجه به اندازه قاب بستگی خواهد داشت. بنابراین اندازه کادر و استسه به ایده‌های بصری و زیبایی‌شناختی است و اصول کاملاً دقیقی ندارد، اما شکل درست آن به مرور بر اثر تجربه به دست خواهد آمد. با استفاده از ایده‌های گرافیکی مختلف می‌توان در آثار هنری با کم و زیاد کردن فضای منفی دور ابرک، تنوع ایجاد کرد.

برای قطعه‌سازی به کاغذهای رنگی نیاز است که اثر هنری یا خوشنویسی روی آن کاغذهای قرار گیرند و یا در تسمه‌کشی دور قطعه، از نوارهای آن استفاده شود. برای رنگ کردن کاغذ، مرکب را با آب ریقی می‌کنیم و سپس قلم مو را از یک سو در بیرون کاغذ به سمت مخالف آن بیرون می‌کشیم و تا رنگ شدن کامل کاغذ این عمل را تکرار می‌کنیم. لازم به ذکر است که قلم موی موبی از قلم موی پلاستیکی مناسب‌تر است، چرا

که رنگ را برابر جای نمی‌گذارد.



**از مزایای  
یادگیری  
قطعه‌سازی  
می‌توان به  
درآمدزا بودن  
این کار اشاره  
کرد. همچنین  
هنرمند  
خوش‌نویسی که  
با قطعه‌سازی  
آشنا باشد  
خواسته اصلی  
خود را با هنرمند  
قطعه‌ساز مطرح  
می‌کند**

در این مرحله سرعت دست بسیار مهم است، و چسب ماتیکی باید در پشت قطعه موردنظر به سرعت در تمام نواحی زده شود تا خاصیت چسب در طی زمان طولانی از بین نرود. در گذشته، یعنی پیش از آنکه این چسب‌ها به بازار بیاید، از نشاسته و سریش برای چسباندن به زمینه موردنظر استفاده می‌شد. بعد از چسب‌کاری کاغذ را به مقواه ماقت می‌زنیم. در این حین با استفاده از وسیله‌ای به نام مهره از جمع شدن هوا زیر کاغذ چسبانده شده جلوگیری می‌کنیم. برای قطعه و یا پاسپارتو کردن باید اندازه طول و عرض کار را از اندازه طول و عرض زمینه کم کنیم، سپس عدد به دست آمده را بر دو تقسیم کرده و دور محدوده‌ای را که قطعه قرار است به آن چسبانده شود کادر کشی کنیم تا قطعه به صورت صاف و بدون کچشیدگی روی زمینه قرار گیرد. به تأسی از مکتب قدما باید به بالای کار اصطلاحاً تاج داد؛ به این معنا که مساحت زمینه کار در قسمت بالایی قطعه بیشتر از قسمت پایین آن باشد. این اختلاف باید بین نیم تا یک سانتی‌متر باشد؛ چون اگر قطعه ما کاملاً وسط باشد بعد از قاب شدن، از نظر بصری بی‌ثبات دیده می‌شود. اما با این کار

بعد از چسب کاری نوارهای تسمه آنها را در اطراف کار می‌زنیم و نوارهای بعدی را پشت هم قرار داده وارد مرحله ترلینگ کشی می‌شویم.

## مرحله ترلینگ کشی

در این مرحله ابتدا رنگ گواش را روی پالت رنگ رقیق می‌کنیم، سپس با قلم مو رنگ را به روی ترلینگ منتقل می‌سازیم. پس از آن روی تسمه، در دو قسمت حاشیه آن، ترلینگ را می‌کشیم که در نتیجه ضخامت تسمه محدودتر می‌شود. ضخامت ترلینگ حداقل تا ۲ میلی‌متر می‌تواند باشد. بهتر است رنگ‌های سرد در کنار رنگ‌های گرم کشیده شوند تا نیرومندترین اصل هنرهای تجسمی، یعنی تضاد، محقق شود. برای نفیس تر شدن کار می‌توان بر روی هر تسمه چهار خط با ترلینگ کشید. هنگام ترلینگ کشی بهتر است خطکش دارای ارتفاع چند میلی‌متری باشد تا رنگ در اثر تماس با خطکش پخش نشود. همچنین اگر زاویه ترلینگ و صفحه دقیقاً ۹۰ درجه باشد ترلینگ رنگ نمی‌دهد. پس دست را مانند گرفتن قلم زاویه‌دار می‌کنیم. غلطت رنگ نیز در ادامه کار سیار مهم است.

برای به دست آوردن غلطت رنگ مناسب باید خطی با همان رنگ روی کاغذ کشیده شود. اگر در آن خط به طیف رنگی رسیدیم و به مرور خط کمرنگ شود، غلطت مناسب نیست. اما اگر به ما در سرتاسر خط رنگ بکسانی داد غلطت مناسب است. خط طلایی را می‌توان درون دو رنگ دیگر کشید تا بر جلوه کار افزوده شود. دور خط طلایی را می‌توان با روان‌نویس «یونی پن» دورگیری کرد تا این خطوط به حالت برجسته درآید. یونی پن در قسمت‌هایی کشیده می‌شود که نیاز باشد تا به اثر شوک زیبا شناختی وارد کند. در کل خطوط رنگی را با ضخامت بیشتری نسبت به خط طلایی ترلینگ کشی می‌کنند. در ترلینگ کشی خود می‌توانیم با ترکیب رنگ‌های مختلف به رنگ موردنظرمان برسیم.

برای تمرین کشیدن ترلینگ و کنترل آن، روی مقوا یا کاغذ باطله دو نقطه را انتخاب و ترلینگ کشی را در آن محدوده تمرین می‌کنیم. در ضمن، استفاده از خودکارهای رنگی به جای ترلینگ اصلاً جنبه هنری نخواهد داشت، چون جلوه زیبایی به کار نمی‌دهد.

به آخرین ترلینگی که در لبه بیرونی کار قرار می‌گیرد کمند می‌گویند که در محل کشیدن آن

باید به اینکه بخشی از کار زیر قاب قرار خواهد گرفت توجه شود تا کمند کشیده شده زیر قاب نرود. کل مراحل قطعه‌سازی برای فرد خبره در این کار یک ساعت زمان می‌برد. اما برای دانش‌آموزان و هنرجویان در این زمینه زمان بیشتری نیاز است. بعد از اینکه قطعه‌بندی به پایان رسید بهتر است اثر یک روز زیر پرس بماند تا از کج شدگی و خمیده شدن کاغذ مصون بماند.

از دیگر مزایای قطعه‌سازی آن است که اگرچه خط زیبا از همان ابتدا دارای ارزش بالایی است اما با انجام عمل قطعه‌سازی روی آن ارزشی دو چندان خواهد یافت.

از مزایای یادگیری قطعه‌سازی می‌توان به درآمدزا بودن این کار اشاره کرد. همچنین هنرمند خوش‌نویسی که با قطعه‌سازی آشنا باشد خواسته اصلی خود را با هنرمند قطعه‌ساز مطرح می‌کند. چرا که فضای کار و شیوه‌های درست انجام آن را می‌داند.

البته در انجام این عمل به گردن و کمر فشار زیادی وارد می‌شود؛ بنابراین جزء کارهایی است که زحمت زیادی دارد.

بعد از قطعه‌سازی، در صورتی که مایل به پاسپارتو کردن کار باشیم از چسب موکت استفاده می‌کنیم تا دو مقوا سنگین از هم جدا نشوند.

## تکنیک زرافشان

از دیگر اقداماتی که برای جلوه پیدا کردن قطعات خوش‌نویسی می‌توان انجام داد زرافشانی کاغذ است. از کاغذهای زرافشانی شده به عنوان زمینه اثر و یا در تسمه کاری استفاده می‌کنند. برای این کار می‌توان از نشاسته یا چسب چوب، به منظور اتصال تکه‌های زر یا مس به کاغذ، استفاده کرد. چسب چوب را با آب به حد مورد نیاز رقیق می‌کنیم، سپس با قلم مو روی کاغذ مورد نظر می‌کشیم. بعد از آن پودرهای ورق‌های طلا یا مس و یا ... را روی کاغذ می‌پاشیم.

برای تهیه این پودرهای ورق طلا را در آسیاب خرد کرده و در ظرف مناسبی مانند نمکان می‌ریزیم. همچنین می‌توان بعد از پودر کردن طلا آن را درون نشاسته ریخت و بر روی کاغذ منتقل ساخت. هنگامی که کاغذ خشک شد برای خوش‌نویسی آمده است. اسپری‌های طلایی هیچ‌کدام به اندازه ورق طلا در این زمینه کاربردی نیستند.

در اینجا دو گفت و گوی کوتاه را از دستاندرکاران کارگاه قطعه‌سازی با هم می‌خوانیم:



در ابرک‌زنی باید  
توجه داشت  
که باید خط به  
اصطلاح نفس  
بکشد و فضاهای  
پر و خالی آن با  
هم در تناسب  
و تعادل باشد.  
ابرک‌ها در بالا و  
پایین اثر باید به  
صورت یکنواخت  
وجود داشته  
باشند تا از نظر  
بصری زیبا دیده  
شوند

## مصاحبه با استاد بذر کار

﴿ خودتان را معرفی کنید و با توجه به حوزه کاری تان، و اینکه شما ارزش قطعه‌سازی را بهتر می‌دانید، نظرتان را درباره این کارگاه بیان کنید. ﴾

﴿ من از سال ۱۳۷۲ در کار تذهیب فعالیت می‌کنم. از همان ابتدا، خودم کاغذسازی و قطعه‌سازی نیز انجام می‌دادم. کارگاه‌های به این شکل در آن دوره خیلی کم بود. ﴾

﴿ تأثیر این کارگاه‌ها چه می‌تواند باشد؟ ﴾  
﴿ هنرمندان، دانشآموزان و خوشنویسان می‌توانند کارهای خود را قطعه‌بندی کنند. در ضمن، آفرینش یک اثر جدید هنری برای خود فرد احساس لذت زیادی دارد. به علاوه می‌توانند آن را به عنوان کادو به دیگران هدیه کنند. ﴾

بنابراین بهتر است این کارگاه‌ها تداوم داشته باشد. زیرا این هنرها از جمله قطعه‌سازی، پاسپارتو کردن و جدول کشی، در هنرهای مینیاتور، نقاشی، خوشنویسی و تذهیب کاربرد فراوانی خواهد داشت.

\* مطالب مندرج در این گزارش برگرفته از کارگاه قطعه‌سازی است که در آن آقای محمد بنی‌احمدی نکات مورد نظر را مطرح کرده‌اند. کارگاه فوق به همت مجموعه ایرانسرازیر نظر آقای باربد بیزدانی و خانم شورشی برپا شد که شایسته است از اهتمام و همکاری آن‌ها در تهیه این گزارش تشکر شود.

## مصاحبه با آقای باربد بیزدانی

﴿ لطفاً خودتان را معرفی کنید و هدف از برگزاری این کارگاه را بگویید. ﴾

﴿ هدف از برگزاری این کارگاه آشنایی دوستان با هنری است که تقریباً رو به فراموشی است و نفرات کمی به این هنر مشغول هستند. در واقع هدف ما احیا کردن هنر قدیمی قطعه‌سازی است. ﴾

﴿ جایگاه قطعه‌سازی در زمان گذشته و حال چه بوده؟ ﴾

﴿ به لحاظ ابزار سیار متفاوت شده، کاربری امروز قطعه‌سازی نسبت به گذشته خیلی متفاوت شده است. اما سعی می‌کنیم با برپایی کارگاه‌های تخصصی، احیاگر سنت‌های قدیمی باشیم. ﴾

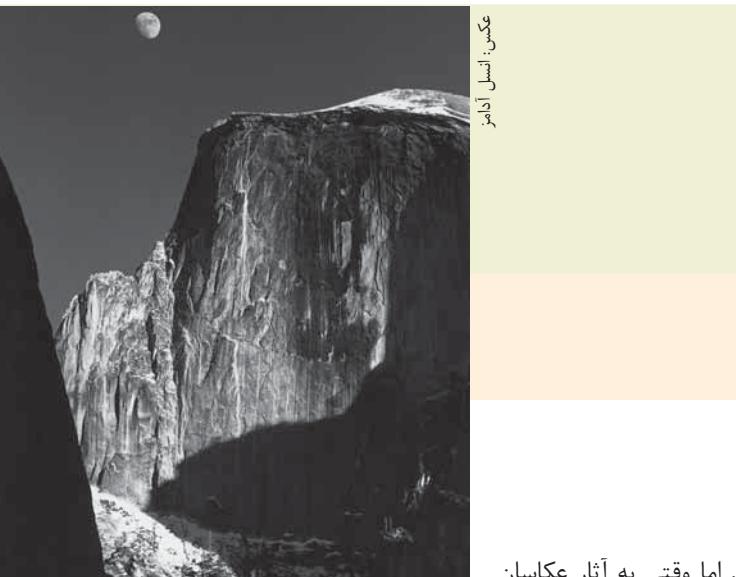
﴿ ویژگی‌های قطعه‌سازی امروز چیست؟ ﴾

﴿ قطعه‌سازی اکنون به دلیل ظرافت امری تخصصی شده است و می‌تواند منبع درامدی برای دانشآموزان و علاقهمندان به هنر باشد و به نوعی کمک به خوشنویسان پرکار است. تنوع زیادی در قطعه‌سازی وجود دارد. ﴾

﴿ آیا شما در مورد اینکه کار قطعه‌سازی به صورت تدریجی به کلاس‌های آموزشی وارد شود برنامه‌ریزی دارید؟ ﴾

﴿ در گذشته تجربه‌ای در این راستا وجود داشت اما به دلیل محدودیت‌هایی که هنرجویان داشتنند استقبال زیادی از کلاس‌ها نشد. بنابراین کارگاه‌هایی به صورت مقطعی برگزار می‌شود. ما سعی داریم هر ماه دست کم یک بار از این کارگاه‌ها داشته باشیم تا آشنایی بیشتری با هنرهای سنتی فراهم شود. ﴾

از شما تشکر می‌کنیم و امیدواریم این کارگاه‌ها تداوم پیدا کند. چون یکی از سرگرمی‌های آموزنده و هویت‌ساز مناسب برای نسل جوان محسوب می‌شود و ارتباطی بین فرهنگ گذشته و فرهنگ فعلی برقرار می‌کند تا این هنر جزء هنرهای فراموش شده نباشد.



## با دیدن این عکس‌ها تصدیق می‌کنید که زیبایی تا چه حد در عکس‌های عالی نقش دارد

و عالی کمک می‌کند. اما وقتی به آثار عکاسان دیگر نگاه می‌کنیم، این نگرش از بین می‌رود شاید شهرهای کوچک صنعتی هیچ جذابیت بصری نداشته باشند، اما عکس‌هایی که «دیوید پلودن» از این شهرها گرفته است زیبا هستند. به عکس‌هایی که «پل استرنت» از گلگیر و چرخ موتورسیکلت گرفته است، توجه کنید. چرخ به خودی خود موضوعی هیجان‌انگیز نیست. اما استرنت با استفاده از خطوط منحنی چرخ و سایه‌های آن، عکس‌هایی عالی خلق کرده است.

به عکسی که من (نویسنده) از سطح زیرین یک پل راه‌آهن گرفته‌ام دقت کنید. یک مسیر دوچرخه سواری از زیر پل رد می‌شد که من مطمئن هستم تاکنون هزاران نفر از آنجا رد شده‌اند اما تعداد اندکی از آن‌ها به بالای سرشار نگاه کرده‌اند؛ تازه تردید دارم که همین تعداد اندک صحنه زیبایی را دیده‌اید. تقویمی پر از تصاویر و مناظر زیبایی که در پارک‌های ملی عکس‌برداری شده است. با دیدن این عکس‌ها تصدیق می‌کنید که زیبایی تا چه حد در عکس‌های عالی نقش دارد. همین طور کارهای مدرنی که توسط عکاسانی مثل «بارن» خلق شده براساس موضوعات زیبا هستند. با نگاه کردن در کارهای این عکاسان متلاعند می‌شویم که زیبایی به عکس‌های زیبا

# کشف زیبایی

نویسنده: جرج بار  
ترجمه: اعظم لاریجانی

## اشاره

فلسفه عکاسی سمت‌وسو و جهت و چراجی تلاش هنرمند عکاس را تبیین می‌کند. در اثر ترجمه شده‌ذیل، نویسنده با تقد فلسفه متعارف و مرسوم عکاسی، به رویکرد متفاوتی از جریان رایج و مرسوم در فلسفه زیبایی در هنر عکاسی پرداخته است!

اگر این موضوع درست باشد که بهترین عکس‌ها نتیجه عکاسی از چیزهای زیباست، پس باید این پیامد را انتظار داشت که در کجا باید به دنبال موضوعات عکاسی باشیم؟ این سؤال که آیا زیبایی عنصری اساسی برای ثبت عکس‌های عالی است، بیش از یک بحث فلسفی ساده است.

برای بررسی این موضوع، خوب است نگاهی به تصاویر کلاسیک بیندازیم. حتماً عکس‌های «انسل آدامز» را دیده‌اید. تقویمی پر از تصاویر و مناظر زیبایی که در پارک‌های ملی عکس‌برداری شده است. با دیدن این عکس‌ها تصدیق می‌کنید که زیبایی تا چه حد در عکس‌های عالی نقش دارد. همین طور کارهای مدرنی که توسط عکاسانی مثل «بارن» خلق شده براساس موضوعات زیبا هستند. با نگاه کردن در کارهای این عکاسان متلاعند می‌شویم که زیبایی به عکس‌های زیبا



عکس: انسل آدامز



عکس: جرج بار

آبوهایی غیر معمول و شاید تفاوت فصل‌ها! در اینجا هم با کنار هم قرار دادن تمام عناصر و نه فقط زیبایی، تصویرهای عالی ساخته می‌شود. عکاسان، در طی سال‌ها، عکس‌هایی عالی از ساختمان‌های نسبتاً بدقواره و زشت‌گرفته‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زیبایی عنصری اساسی نیست حتی در عکاسی مناظر. هر چند قابل تصدیق است که اگر می‌خواهید از چشم‌اندازی عکسبرداری کنید، مجبور هستید به مکانی بروید که چشم‌نواز باشد و زیبایی را در آن پیدا کنید. ولی اگر بتوانید کمی به عمق بروید خواهید دید که دیگر نیازی به چشم‌اندازی با زیبایی ذاتی نخواهید داشت.

در عکاسی از موضوعات صنعتی و زندگی‌های در حال سکون، پیدا کردن زیبایی در چیزهای معمولی اهمیت دارد. خلق زیبایی با استفاده دقیق از سایه‌ها و یافتن اشکال و خطوط جالب در

قالشک‌های زنگزده عکس می‌گرفت؛ عکس‌هایی که واقعاً شاهکار هستند. می‌دانیم که در قالشک و چنگال زنگزده، هیچ عنصر رویابی و سحرآمیز و زیبایی وجود ندارد ولی کلا رک از آن‌ها عکس‌های بی‌نظیر خلق کرده است. او با خلاقیت خود، چیدمان صحیح و نورپردازی درست همه اجزا را کنار هم قرار داده و عکس‌هایی گرفته که بی‌تر دید زیبا هستند. وقتی مادر مورد چشم‌اندازها صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم به نمونه‌هایی اشاره کنیم که نیازی به وجود عنصر زیبایی در آن‌ها احساس نمی‌شود. برای روشن شدن موضوع، به این تجربه فکر کنید که وقتی در جاده‌های کوهستانی رانندگی می‌کنید، قطعاً آن چشم‌اندازها زیبا هستند. اما به سختی می‌توانید چیزی برای عکس‌های مشهور یا معتبر در بین آن‌ها پیدا کنید. آنچه تصاویر کوهستانی را خارق‌العاده می‌سازد، انتخاب عکاس است، درباره نور عالی، شرایط



لیست  
نامه  
پژوهشی



لیست  
نامه  
پژوهشی

عکس: دیوید پلودن

اگر در عکاسی به  
دنبال ثبت لحظه  
هستید، «موضوعات  
گیرا» را دنبال کنید  
ونه لزوماً «موضوعات  
زیبا» را!

### نتیجه‌گیری

هر چند زیبایی موضوع در عکاسی می‌تواند کمک حال باشد ولی ممکن است موجب سردرگمی هم بشود و هیچ ضمانتی برای خلق عکسی زیبا و ماندگار ایجاد نکند. اینکه شما در جستجوی موضوعات زیبا باشید یا نه، بستگی به هدف شما دارد. ولی به خاطر داشته باشید که موضوعات زیبا نباید مهم‌ترین علاقه شما به عنوان یک عکاس خلاق باشد. به یاد داشته باشید که زیبایی می‌تواند در اجزای کوچک وجود داشته باشد و به چشم همه نیاید. از طرف دیگر این ادعا شاید معتبر باشد که حتی زشتی به خودی خود می‌تواند منجر به خلق عکسی زیبا شود. اگر در عکاسی به دنبال ثبت لحظه هستید، «موضوعات گیرا» را دنبال کنید و نه لزوماً «موضوعات زیبا» را!

موضوعات پیش‌پا افتاده امکان‌پذیر است.

### آیا واقعاً عکاسی از موضوعی زیبا ضرر دارد؟

از یک منظر شاید. هر چه موضوع زیباتر و دراماتیک‌تر باشد ایجاد اثری بهتر از خود موضوع به مراتب سخت‌تر خواهد بود و شما را با محاطه ایجاد یک کارت پستال مواجه می‌سازد. از طرف دیگر یک منظره می‌تواند آنقدر چشم‌نواز باشد که جداسازی جزئی از آن که بتواند ترکیب‌بندی جالبی برای عکاسی به دست دهد مشکل خواهد بود.

در انواع دیگر عکاسی زیبایی حتی ممکن است به صورت جدی مانعی در راه ایجاد تصویر خوب باشد. به عنوان مثال، در عکاسی پرتره تصویربرداری از یک مدل مشهور بهتر است یا کسی که در چهراش نشانه‌های شخصیت، اثر مرور زمان و تظاهر احساسات فراوان مشهود است؟



تصویر ۵

**مقدمه**

نقاشی بیان‌کننده احساس کودک و وسیله‌ای است برای بیان انگیزه‌های ناهشیار او. کارهای هنری کودک به شدت تحت تأثیر آرزوها و ترس‌های ناخودآگاه او قرار دارند بین پاره‌ای از ویژگی‌های نقاشی کودکان مانند استفاده از رنگ‌های سرد و یا تیره، نارسایی در رسم خطوط، قرار دادن نقاشی در محل خاص از صفحه و حذف اعضاً بدن، بعضی از اختلالات خاص مثل اختلال در تکلم و مشکلات خواب کودک، رابطه معناداری وجود دارد.

با نقاشی، کودکان از تنفس رهایی می‌یابند. پویایی ذهن و بالا رفتن قدرت تمرکز در کودک رابطه مستقیمی با نقاشی و خلاقیت دارد. هدف نگارش این مقاله، اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها و مریبان هنرآموزش صحیح به کودکان و شناخت بیشتر نقاشی‌های کودک برای رشد و ارتقای هرچه بیشتر کودک است.

**اهداف نقاشی کودکان**

نقاشی در تشکیل شخصیت کودک اهمیت بسزایی دارد و به کودک امکان می‌دهد تا اطلاعات و اعمالی را که از دنیای بیرون کسب می‌کند از هم جدا سازد. در نقاشی کودک خود را از ممنوعیت‌ها رها می‌کند و ناخودآگاه درباره کشفیات و دلهره‌هایش صحبت می‌کند. به همین دلیل اگر به کودکان از سنین پایین تمرین و کپی را بیاموزیم، اشتیاه بزرگی کرده‌ایم (فراری، ۱۳۷۳: ۱۰).

نقاشی کودکان فقط یک وسیله پرورش خلاقیت و پختگی کودک نیست، بلکه آن را باید به عنوان یک وسیله تحقیق و مبادله با محیط اجتماعی در نظر گرفت (همان، ۱۳۷۳: ۱۱).

**ویژگی‌های نقاشی کودکان**

کودکان معمولاً در یک سالگی مداد در دست می‌گیرند و به جای خط کشیدن با آن بر روی کاغذ می‌کوبند بنابراین نمی‌توانند اثری بر جای گذاشند. در ۱۸ تا ۲۰ ماهگی به طور کامل موفق به خط کشیدن می‌شوند (همان، ۱۳۷۳: ۹).

خط خطی کردن برای بچه‌های ۱۸ ماهه بسیار مفید است چرا که ماهیجه‌های کوچک بدن

# بررسی مراحل و ویژگی‌های نقاشی کودکان و تقویت خلاقیت

**هما پرهوده**

کارشناس ارشد ارتباط تصویری، دانشگاه شاهد، هنرآموز هنرستان رفیعی، رامسر، مازندران



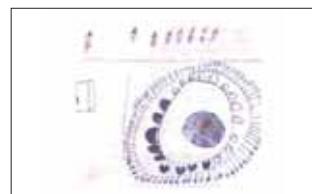
تصویر ۱. مارک سه سال و نه ماه



تصویر ۲. لیزا، پنج سال و شش ماه



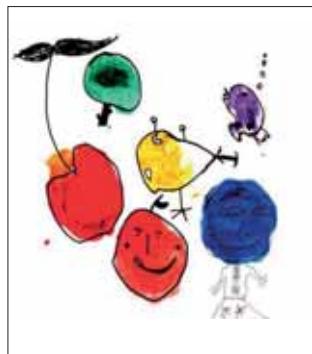
تصویر ۳. روزا، هفت سال و شش ماه



تصویر ۴. کلود، پنج سال و هفت ماه

**چکیده**

هدف از تهیه مقاله، شناخت مراحل نقاشی کودک و چگونگی آموزش و ایجاد خلاقیت در سنین پایین برای رشد استعدادهای کودک و توجه والدین و مریبان هنر به محتوای بیانی نقاشی کودکان می‌باشد. روش انجام تحقیق، توصیفی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده است.  
**کلیدواژه‌ها:** نقاشی، کودکان، تقویت خلاقیت



تصویر ۸



تصویر ۹



تصویر ۱۰



تصویر ۱۱

احساسات درونی خود را نشان دهد. بنا به نظریه اشولر هائویک، کودک در سه سالگی خطوط عمودی را بیش از خطوط افقی رسم می‌کند زیرا بیانگر اظهار وجود کودک است. کودک سه ساله می‌تواند، دایره و یا فضای بسته و نیز شکل‌های مربع و مستطیل رسم کند. در اوایل سه سالگی شروع به کشیدن اشکالی می‌کند که شبیه خانه و یا خورشید است. در چهار سالگی خطنگارهای او کامل‌تر می‌شود در این سن، شما بی از آدمک نمایان می‌شود و کودک مرحله خطخطی کردن را پشت سر می‌گذارد و وارد مرحله تمثیلی می‌شود (فراری، ۱۳۷۳: ۲۱). (تصویر ۱)

در سن چهار و نیم سالگی کودک بدن آدمک را می‌کشد. در سن پنج سالگی آدمک علاوه بر چشم‌ها، بینی و دهان دارای بازو و پا نیز هست.

در سن شش سالگی آدمکی که رسم می‌کند دارای گردن و دو دست هم هست که در انتهای بازو قرار گرفته است (فراری، ۱۳۷۳: ۳۴).

کودکی که در نقاشی‌هایش تصویر دارای حرکت را معرفی می‌کند، معمولاً فردی باهوش و فعال و از همسالانش اجتماعی‌تر است (تصویر ۲).

یکی از طرق بیان حرکت در نقاشی، نمایش تصویر به حالت نیمرخ است. (فراری، ۱۳۷۹: ۳۹).

### نمادهای اصلی اندام‌ها

سر

سر معرف مرکز شخصیت و قدرت فکری است. کودکان، همیشه سرهای بزرگ ترسیم می‌کنند؛ ولی اگر سر، زیاد بزرگ پاشد، نشانگر آن است که «من» کودک بیش از حد طبیعی است.

### صورةت

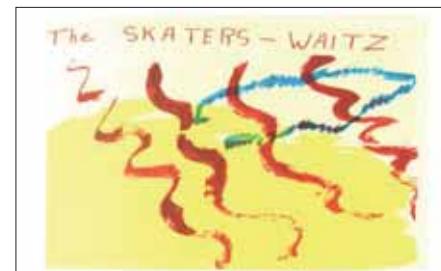
صورةت چون بسیار اهمیت دارد، تنها کشیده می‌شود. کودکان پرخاشگر، جزئیات آن را بزرگ، ترسیم می‌کنند؛ در حالی که کودکان خجالتی فقط گردی صورت را می‌کشند.

### دهان و دندان‌ها

کشیدن دهان و دندان ممکن است معنی نیاز به خوارکی را نمایان سازد، همچنین به معنی پرخاشگری است. اگر لبها بسته باشند، نشان‌دهنده تنفس در کودک است.



تصویر ۶



تصویر ۷

آن‌ها زودتر ورزیده می‌شود و کودک رابطه میان احساسات درونی و حرکات بیرونی‌اش را تمرین می‌کند. (کروز، ۱۳۸۴: ۸۵).

تکامل نقش‌نگاری در کودکان طی پنج مرحله صورت می‌گیرد: ۱. اثر یا خط نامشخص؛ ۲. خط مشخص یا اشکال هندسی درهم؛ ۳. طرح یا در کنار هم قرار گرفتن چند شی؛ ۴. اجتماع چندین شکل مختلف؛ ۵. تصویرنگاری (فراری، ۱۳۷۳: ۱۹).

خطهای افقی قبل از خطوط عمودی ظاهر می‌شوند ولی بهطور کلی در مرحله اول، کودک خطوطی در جهت‌های مختلف رسم می‌کند خواه به صورت افقی و عمودی و یا دایره‌ای.

در دو سالگی خطوط دایره‌ای و زاویه‌دار ظاهر می‌شوند. در سن دو و نیم سالگی با بیشتر شدن قدرت عضلانی، هنگام ترسیم خط، مراقب است تا از محدوده معین خارج نگردد. او به دلخواه خود چندین حرکت را تکرار می‌کند تا اینکه نحسین خطنگاری او که از چندین حلقه تشکیل شده به دست آید؛ و بالاخره خطهای فنری شکل ظاهر می‌شود (فراری، ۱۳۷۳: ۲۰).

در فاصله دو تا سه سالگی، کودک به ساخت اشکال روی می‌آورد. اولین شکل‌ها، به صورت بعلاوه (+)، ضربدر (×)، دایره‌های اولیه، مثلث و مربع هستند که به تدریج، کودک شروع به ترکیب آن‌ها می‌کند (کروز، ۱۳۸۴: ۸۶).

در سه سالگی خطنگاری کودک دیگر فقط برای لذت بردن از حرکت نیست، بلکه مایل است

که اشیا را زنده فرض می‌کند، در نقاشی نیز خطوط و اشکال مختلف را جان دار حس می‌کند. کودکان صحبت از خطهای بلند «بالدار» خطوط نوک تیز «مردم آزار» می‌کنند. به نظر آن‌ها خطوط منحنی «غمگین» و خطوط افقی «خواب آلوود» جلوه می‌کند. این‌گونه برداشت، به کودک امکان می‌دهد که اشکال و رنگ‌ها را فقد محتوای مخصوص حس کند. بنابراین او دارای حساسیتی برای تجربید است که می‌توان آن را با آموزش هنری هوشمندانه پرورش داد (همان: ۱۷۶).

### برون‌افکنی از طریق خط و فضا

خط دارای بار شدید بیانی و قدرت وجودی خاصی است که پویایی و بنیان شکل از آن ناشی می‌شود (فراری، ۱۳۷۳: ۸۶) در نقاشی‌های کودکان ضعف عصبی، با فشردگی و کوتاهی خطوط و پرخاشگری با قطعه قطعه کردن و به هم پیچیدن خطوط نشان داده می‌شود (همان: ۸۷). (تصویر ۵ و ۶).

کودکان خجالتی خطوط را کوتاه، ترسیم می‌کنند. این کودکان در گوشة کاغذ و یا در قسمت محدودی از فضای کاغذ نقاشی می‌کنند. این نشانگر عدم اطمینان و اعتماد به خود است؛ بنابراین به تشویق نیاز دارند (همان: ۸۹).

### به کارگیری رنگ در نقاشی کودکان

در نقاشی کودکان گاه تنہ درخت زرد و آسمان صورتی است. احساس کودک به هر چیز رنگ تازه‌ای می‌دهد (محمدی صبا، ۱۳۹۰: ۳۹). رنگ تازه‌ای می‌زنند که آن را چنان که شناخته است معرفی می‌کند. در نقاشی‌های قسمت‌هایی از اشیا و یا اشخاص که قابل رویت نیستند، به طور کامل نشان داده می‌شود. به طور مثال: زانو و ساق پا از زیر شلوار. وقتی که کودک می‌آموزد درخت‌ها دارای ریشه هستند، در نقاشی‌هایش درخت را با ریشه‌اش نشان می‌دهد. روش کار کودک بصری نیست، بلکه ذهنی است (فراری، ۱۳۷۹: ۴۷).

ستی که کودک مرحله شفافیت را کنار می‌گذارد فقط به پرورش فکری او بستگی ندارد، بلکه محیط و آموزش نیز در آن مؤثر است.

### چشم‌ها

چشم در نقاشی کودک اجتماعی بودن کودک را نشان می‌دهد. کودکان خودستا چشم‌ها را با حالت وحشی می‌کشنند؛ دختران چشم‌ها را خیلی بزرگ می‌کشنند چون چشم‌ها ارزش زیبایی نیز دارند.

### دست‌ها و بازوها

در دوران اولیه زندگی کودک، کشیدن دست و بازو برای شناخت محیط اطراف زیاد به کار می‌رود. در مرحله بعد، به عنوان پیشرفت «من» و سازگاری اجتماعی به کار می‌آید. کودکان درون گرا، برای آدمک، پا نمی‌گذارند و یا او را به حالت نشسته نقاشی می‌کنند.



تصویر ۱۲

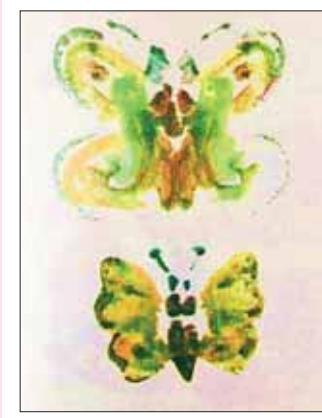
### بالاتنه

بالاتنه اگر باریک و لاغر کشیده شود، مشخص کننده این است که کودک از اندام خود ناراضی است یا ممکن است نشان‌دهنده ضعف جسمانی واقعی باشد (همان: ۱۰۳).

### ویژگی‌های نقاشی کودکان

**شفافیت:** کودک در ابتدا واقعیت بیرونی را نسخه‌برداری نمی‌کند بلکه آن را چنان که شناخته است معرفی می‌کند. در نقاشی‌ها، قسمت‌هایی از اشیا و یا اشخاص که قابل رویت نیستند، به طور کامل نشان داده می‌شود. به طور مثال: زانو و ساق پا از زیر شلوار. وقتی که کودک می‌آموزد درخت‌ها دارای ریشه هستند، در نقاشی‌هایش درخت را با ریشه‌اش نشان می‌دهد. روش کار کودک بصری نیست، بلکه ذهنی است (فراری، ۱۳۷۹: ۴۷).

ستی که کودک مرحله شفافیت را کنار می‌گذارد فقط به پرورش فکری او بستگی ندارد، بلکه محیط و آموزش نیز در آن مؤثر است. (همان: ۴۹). (تصویر ۳)



تصویر ۱۳



تصویر ۱۴

**نقاشی به صورت واژگون:** این امر اغلب وقتی انفاق می‌افتد که کودک شش یا هفت ساله می‌خواهد کوچه‌ای را با تمام خانه‌ها ترسیم کند. لذا بعد از کشیدن خانه‌هایی که در مقابل او هستند، کاغذ را برمی‌گرداند و در طرف دیگر آن خانه‌هایی رسم می‌کند که در پشت سرش قرار دارند. این درک حجم و فضا منحصر به کودکان است. (فراری، ۱۳۷۳: ۴۹). (تصویر ۴)

**جان‌دارپنداری:** کودکان با اشیای اطرافشان ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند. کودک همان‌طور

## انواع نقاشی‌های کودکان

(نقاشی آزاد، نقاشی از روی مدل، موضوع تحمیلی، براساس داستان، نقاشی گروهی)

هر کودکی که دارای خصوصیات روانی مخصوص به سن و سال خود است. تحمیل یک موضوع اجباری کار اشتباہی است و قدرت خلاقیت او را کاهش می‌دهد (همان: ۱۸۵).

جنبهای مثبت کار گروهی: کمک متقابل، ممنوعیت کمتر، بحث دسته‌جمعی تمرین خوبی برای غنی کردن اطلاعات و پرورش دادن نیروی تخیل در کودک است. برای کودکان کمتر از شش ساله، کار گروهی غیر ممکن است، زیرا کودکان در این سن دارای خوبی‌بینی‌ی هستند که تبادل اندیشه میان آن‌ها را بسیار دشوار می‌کند (همان: ۱۹۰).

## تکنیک‌های نقاشی کودکان

۱. کولاژ. ۲. چاپ با مواد مختلف. ۳. قرینه‌سازی و تکمیل آن. ۴. تصویرسازی

۱. کولاژ: طرحی دو بعدی است که از چسباندن لوازمی مانند پارچه، کاغذ، فلز، پلاستیک، و ... به یکدیگر ساخته می‌شود. (تصویر ۱۰).

۲. چاپ با مواد مختلف: نسخه‌برداری از روی برگ درختان، تهیه مهر از سیب‌زمینی (تصویر ۱۱).

۳. قرینه‌سازی: ابتدا کاغذی را از وسط تا می‌زنند و با مداد تصویر یک نیمه شکل متقابران مانند پروانه، بر روی آن می‌کشنند، سپس آن را رنگ‌آمیزی کرده و نیمه دوم کاغذ را روی نیمه اول قرار می‌دهند که یک شکل متقابران ایجاد می‌شود. (گلینسکایا، ۱۳۷۷: ۸۰) (تصویر ۱۳).

۴. تصویرسازی: در این مرحله کودک به کمک لکه‌های رنگ پدید آمده روی مقوا، سعی در به وجود آوردن تصویر می‌کند. کودکان مختلف از یک لکه تعابیر متفاوتی را بیان می‌کنند. این تعابیر با زندگی و احساسات شان مرتبطاند و همه تصاویر تصادفی، از نظر یک روانکار نشانه و قابل تفسیر هستند (هاشمی، ۱۳۸۸: ۸۸) (تصویر ۱۴ و ۱۵).

در تصویر ۱۵، درخت با اجزای یک صورت خشن تصویر شده است. گلین وی توماس، در کتاب «مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان» می‌نویسد، درخت احتمالاً بازتاب احساسات ناخودآگاه کودکان درباره خودشان است. (هاشمی، ۱۳۸۸)

## تأثیر نقاشی بر تقویت خلاقیت در کودکان

خلاقیت قابلیتی است که در همگان وجود دارد، اما نیازمند پرورش و تقویت است. خلاقیت یعنی توانایی دیدن به شیوه‌های جدید، شکستن مرزها. خلاقیت برآیند فرایندهای ذهنی و شخصی فرد بوده و به تولیدات و آثاری نو و بدیع منجر می‌شود. (محمدی صبا، ۱۳۹۱: ۳۷).

آموزش مشاهده صحیح به کودک، دارای نقش اساسی است. دید کودکان از محیط بیرونی را می‌توان به دو طریق هدایت کرد: ۱. دید واقع گرایانه. ۲. دید زیبایی‌شناسی، مانند جلب نظر آن‌ها به رگه‌های زیبای چوب، بافت در پوست درختان، چهره‌های نژادهای مختلف انسانی و غیره. مشاهده صحیح موجب طرح سوالات جدید در کودک می‌شود. کنجکاوی و پژوهش برای حل و پاسخ‌گویی به این سوالات، ذهن کودک را همواره زنده و پویا نگه می‌دارد. (عارف‌نیا، ۱۳۷۵: ۱۶۴).

## شیوه‌های مناسب فضاسازی برای نقاشی کودکان

والدین می‌توانند با تعیین محلی برای کار کردن کودک خود، و تهیه لوازم مناسب برای او، در برانگیختن علاقه و رشد وی نقش مهمی ایفا کنند. کودک به محل گیرایی نیاز دارد، حتی اگر فقط گوشهای خلوت از آشیزخانه باشد. (فراری، ۱۳۷۳: ۱۳۷۳).

## نتیجه‌گیری

نقاشی برای رشد جسمی و عاطفی و تخلیه روانی کودک و ایجاد تعادل در او نقش عمده‌ای دارد. نقاشی، کودک را از تنش‌ها رها می‌سازد و با موفقیت در نقاشی اعتماد به نفس کودک بالا رفته و قدرت سازگاری او با محیط نیز زیاد می‌شود. کودک باید آزاد و دارای امکاناتی باشد که بتواند خود را راحت حس کند و از عمق وجودش به شیوه خودش با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند. با پرورش قدرت خلاقه در کودک می‌توان مسیر زندگی او را به سمت موفقیت و پیشرفت هدایت کرد.

شیوه‌های آموزش طراحی و نقاشی در دوره دبستان، ترجیحه نازلی اصغرزاده، دنیای نو، تهران، ۱۳۷۷.

۱. احمدی، مسعود، مراحل تکمیل نقاشی کودکان از تولد تا سیزده سالگی، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۹: ۱۲ تا ۱۷.

۲. عارف‌نیا، فرشته، نقاشی کودک و خلاقیت، مجله فرهنگ، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۵: ۱۰ تا ۱۶۰.

۳. فراری، انا ولیویو، نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، سنتان، تهران، ۱۳۷۳.

۴. کورز، ساندرا، کار خیران، دلارام، اولین چشم‌انداز جهان / نگاهی به دوره‌های سنتی نقاشی کودکان، مجله کتاب کودک و نوجوان، شماره ۹۷ و ۹۸، آبان و آذر ۱۳۸۴: ۸۴ تا ۸۸.

۵. گلینسکایا، آموزش طراحی و نقاشی در دوره دبستان، ترجیحه نازلی اصغرزاده، دنیای نو، تهران، ۱۳۷۷.

۶. محمدی صبا، جواه، نقاشی کودکان و نقش آن در پرورش خلاقیت، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۱: ۲۶ تا ۴۱.

۷. هاشمی، نسرین، دکتر سید محمد فدوی، تحلیل نقاشی‌های کودکان، مجله نگره، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۸: ۱۰۷ تا ۱۱۷.



تصویر ۱۵

## بی‌نوشت‌ها

1. Gluck
2. Glein.V.Tomas

## منابع

۱. احمدی، مسعود، مراحل تکمیل نقاشی کودکان از تولد تا سیزده سالگی، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۹: ۱۲ تا ۱۷.
۲. عارف‌نیا، فرشته، نقاشی کودک و خلاقیت، مجله فرهنگ، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۵: ۱۰ تا ۱۶۰.
۳. فراری، انا ولیویو، نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، سنتان، تهران، ۱۳۷۳.
۴. کورز، ساندرا، کار خیران، دلارام، اولین چشم‌انداز جهان / نگاهی به دوره‌های سنتی نقاشی کودکان، مجله کتاب کودک و نوجوان، شماره ۹۷ و ۹۸، آبان و آذر ۱۳۸۴: ۸۴ تا ۸۸.
۵. گلینسکایا، آموزش طراحی و نقاشی در دوره دبستان، ترجیحه نازلی اصغرزاده، دنیای نو، تهران، ۱۳۷۷.
۶. محمدی صبا، جواه، نقاشی کودکان و نقش آن در پرورش خلاقیت، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۱: ۲۶ تا ۴۱.
۷. هاشمی، نسرین، دکتر سید محمد فدوی، تحلیل نقاشی‌های کودکان، مجله نگره، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۸: ۱۰۷ تا ۱۱۷.

## قدیم‌نویسان معاصر

جریانی نوین در خوشنویسی امروز ایران

کاوه تیموری

کهکشان سیرم و دارم سر پرواز دگر  
تا به خطی رسم از نقطه آغاز دگر  
شیون فومنی

### اشاره

در ک تحولات هنری و نهضت‌های هنری معاصر یکی از ضرورت‌های روزآمد شدن در شناخت کلی هنر است. این ضرورت برای دبیران و مدرسان و دست‌اندرکاران هنر دارای شانسی مضاعف است. پویایی و نوشوندگی خوشنویسان و در نتیجه شکل دادن جریان‌های پیش‌رونده هنری در حوزهٔ خوشنویسی یکی از موضوعاتی است که در ک آن به غای و قوت فرایند تدریس کمک شایانی می‌کند. در این نوشتار یکی از جریان‌های نوپدید خوشنویسی با عنوان «قدیم‌نویسان معاصر» را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌ایم که می‌تواند افق‌های جدیدی پیش روی دبیران هنر قرار دهد.

**کلیدواژه‌ها:** نهضت بازگشت به قدم، قدیم‌نویسان معاصر، چرایی پیدایش،  
ویژگی‌های هنری، تأثیرات هنری، نقد و نظر



اثر: صداقت جباری - ۱۳۶۵



اثر: صداقت جباری - ۱۳۷۴

برای امروزی  
شدن و برای  
معاصر بودن،  
خطی را باید  
نگاشت که  
از آن حال و  
هوای معاصر  
بودن درک  
شود و آنگاه به  
بیننده‌المعاصر  
عرضه شود

تراش قلم و بررسی تندی و تیزی زبانه آن باید اسیر گمان و فرض و حدس شویم. امری که اثبات یا ابطال آن دشوار خواهد بود. در حال حاضر و در زمان حال خوشنویسان به تجربیات و کشفهای هنری تازه‌ای نائل می‌شوند که باید آن‌ها را شناسایی و ثبت کرد و دیگران را نیز در این تجربه مهم سهیم نمود. با این مقدمه به طرح مسئله می‌پردازیم.

### طرح مسئله

یکی از نیازهای جدی در خوشنویسی امروز ایران مفهوم‌سازی و گنجاندن موضوعات خوشنویسی در قالب مفاهیم تازه است. مفهوم‌ها اگر از غنا و کیفیت لازم برخوردار شوند راه را برای ابداع نظریه‌سازی و طرح‌های نظری فراهم می‌کنند. حاصل و نتیجه نظریه‌سازی هم بالا بردن توان تحلیل و تبیین موضوعات خوشنویسی، صورت‌بندی و جریان‌شناسی خواهد بود.

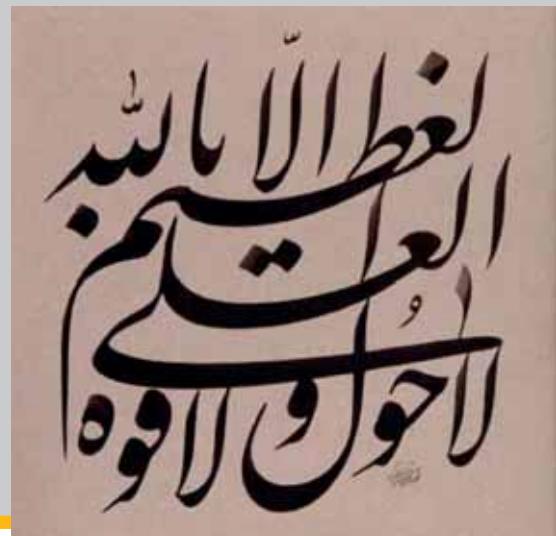
### مقدمه

برخی از منتقدین هنرهای تجسمی را عقیده بر این است که هنر خوشنویسی در دوره معاصر، هنری است که در یک محدوده کوچک گرفتار تکرار و رج زدن‌های بی‌حاصل شده است. در واقع ایستایی، عدم خلاقیت و یوپایی و از همه مهم‌تر بی‌بهره‌گی از طرح‌های نظری یا به عبارتی فقدان نظریه‌سازی، از آسیب‌های فعلی خط در روزگار ماست.

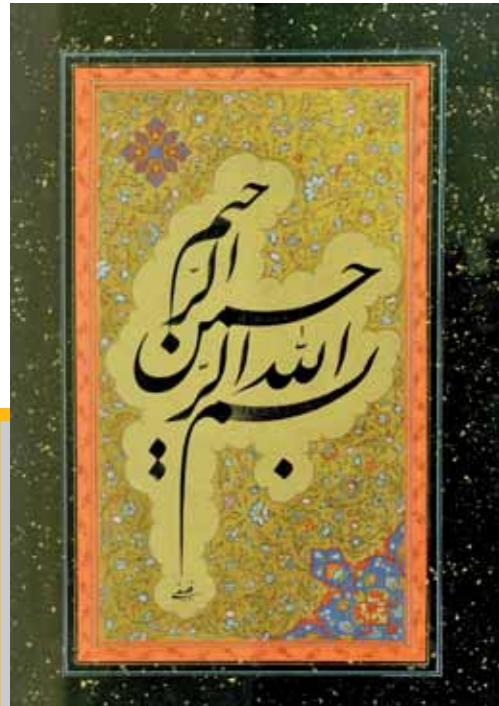
آن‌ها می‌پرسند: زمان خانه‌تکانی و بالندگی این هنر کی فرا می‌رسد؟ و این سوالی است که همواره مطرح می‌شود. این نقدها البته و بهطور معمول، نقدهای بیرون از جریان خوشنویسی است. با این حال نمی‌توان از آن‌ها به راحتی گذشت. به همین سان باید توجه داشته باشیم که اگر واقعیت‌های خوشنویسی معاصر را در زمان حال مورد توجه قرار ندهیم بهطور حتم در آینده و با گذشت زمان برای فهمیدن امر ساده‌ای مانند



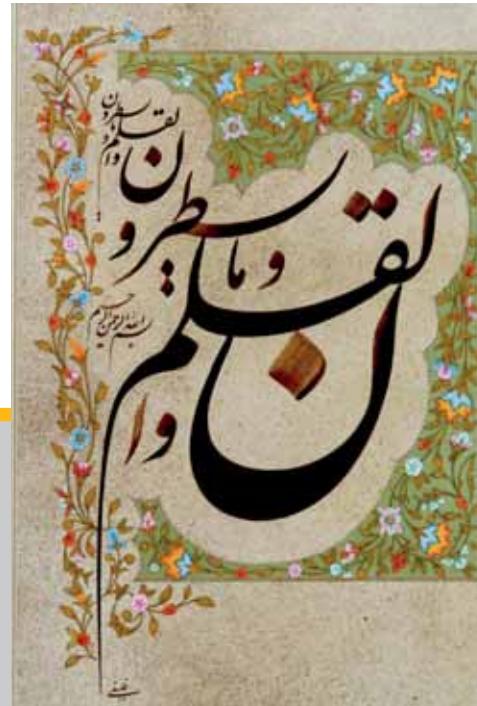
اثر: صداقت جباری - ۱۳۶۳



اثر: صداقت جباری



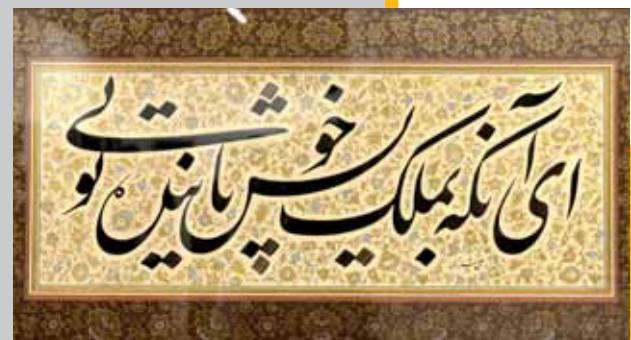
اثر: امیر فلسفی - ۱۴۳۰



اثر: امیر فلسفی - ۷۲



اثر: علی شیرازی - ۱۳۶۰



اثر: علی شیرازی - ۱۳۹۷

و همین کار نو شدن هویت و دوام و استمرار این هنر را رقم زده است.

### تغییر و پویایی خط، نیاز زمانه

خط یا به عبارت روشن‌تر در این نوشتار «نظام هندسی خط نستعلیق» پدیدهای هنری - اجتماعی است که مانند تمام نمودهای اجتماعی دارای جنبش ذاتی و پویایی و تغییر است.

این پویایی و تحول نیز فرایندی است که به دست خوشنویسان و تحت تأثیر شرایط اجتماعی فرهنگی و هنری جدید پدید می‌آید. البته باید به خاطر سپرد که پویایی و تغییرات آگاهانه باید مبتنی بر طرح نظری سنجیده و منظمی باشد که ماحصل آن با سلیقه هنری جامعه و پسند خوشنویسانه جامعه هنری نیز همانگ و مقبول نظر آن‌ها باشد. به همین سان این نکته نیز مد نظر است که وقوع تغییر، هیچ‌گاه، آنی و خلق الساعه نیست. در حقیقت در مدل ذهنی خوشنویس، گرایش به تغییر و تمایل به سایر نظامهای هندسی به علاوه

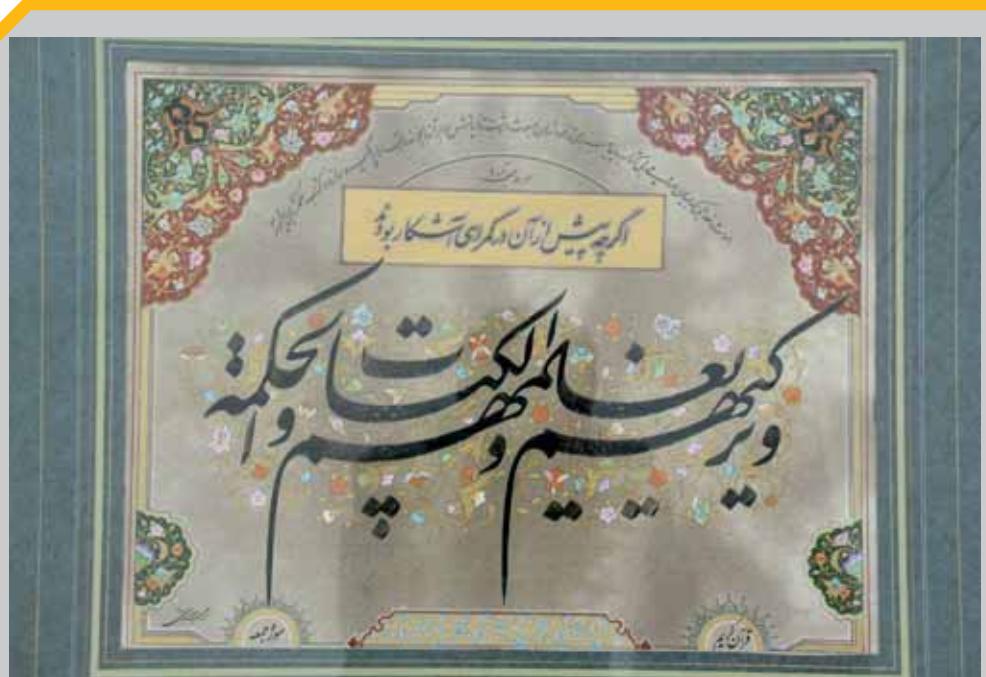
نکته مهم و ضرورت اولویت‌دار در فضای پژوهش‌های خوشنویسی، بسط دادن فرمت‌های گفتگو و جاری ساختن موضوع مباحثه‌های مبتنی بر پژوهش‌های خوشنویسانه است. تأکید این است که با پژوهش‌های مفید، دستاوردهایی تازه ارائه شود و مورد نقد و نظر و استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد. این نکته بیان می‌دارد که صرفاً اظهارنظرهای سطحی و ارتجالی و فی‌البداهه در این مورد راهگشا نخواهد بود.

به همین سان کار اصلی را بزرگان خوشنویسی از جمله صاحبان مکتبها و جریان‌ها انجام داده‌اند زیرا آن‌ها خود آغازگر و هدایت‌کننده بوده‌اند. خوشنویسان روزگار ما هنوز ملهم از هنرمندانی چون میرعماد، کلهر، میرزا حسین ترک، میرزا غلام رضا ... هستند. اینان در عرصه خوشنویسی تاریخ‌ساز و در مواردی دوران‌ساز بوده‌اند و همچنان تأثیرات هنری آن‌ها ترازوگار معاصر ادامه یافته است.

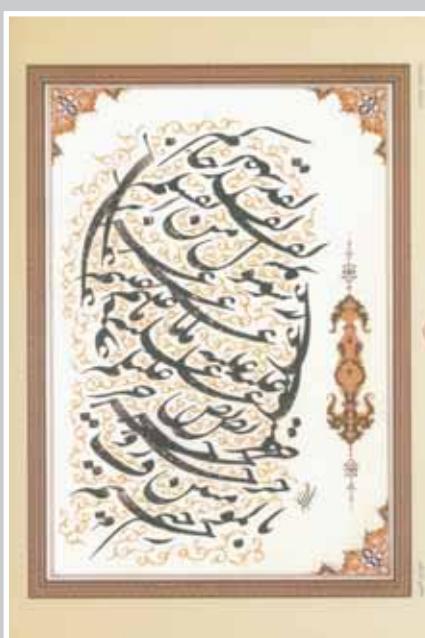
مرور آثار این بزرگان موجب شده است که جریان خوشنویسی با پویش‌های تازه در گذر زمان روبه‌رو شود



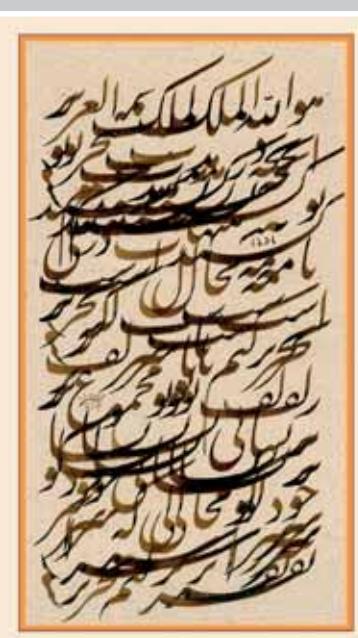
اثر: سید میر حیدر موسوی - ۱۳۹۶



اثر: سید میر حیدر موسوی - ۱۳۹۶



اثر: مجتبی شریفی



اثر: مجتبی شریفی - ۱۳۹۱

- انگیزه بخشیدن به شاگردان و رهروان جدید به مطالعه آثار قدما؛
- اعتباربخشی به قالب سیاهمشق؛
- زمینه‌سازی برای پیدایش جریان قدیمنویسان معاصر؛ یعنی جریانی که عطر و بوی خوشنویسی قدیم را تأم با جلوه معاصر دارد.
- اکنون از آخرين محور ذکر شده بحث اصلی نوشتار حول محور جریان قدیمنویسان معاصر را آغاز می‌کنيم.

### جریان قدیمنویسان معاصر

در دهه هفتاد و در ذیل جریان بازگشت به قدما، شاهد جریانی از خوشنویسی و خوشنویسان بودیم که تحت تأثیر فضای زیباشناختی قدما و همچنین عوامل بیرونی مانند جشنواره‌های بین‌المللی، از شیوه مألف خود گذر کرده و به شیوه قدما گرایش پیدا کردن. بنابراین نقطه کانونی این نوشتار حول محور این جریان است.

این دسته از خوشنویسان معاصر که به مکاتب و سبک‌ها و شیوه‌های قدیم دلسته و گرایش یافته‌اند جریان تازه‌ای در خوشنویسی معاصر ایران شکل داده‌اند. در درون این جریان بنابر تفاوت‌های کمی شاهد تجانس کیفی هستیم، به عبارتی تمام خوشنویسان این جریان در گرایش به قدما مشترکاند ولی در میزان و نسبت این گرایش و نحوه اجرا با یکدیگر تفاوت دارند. در واقع خوشنویسان دریافت‌هاند که میرزا غلامرضا ثانی یا میرعماد ثانی شدن در دنیای خلاقیت هنری اعتباری ندارد، بلکه باید سخنی نو گفت و روایت تازه بنا نهاد.

### عامل یا عوامل اجتماعی

پاگیری نهضت بازگشت به قدمای خوشنویس، این نکته را به خوبی نمایان ساخت که نقش عوامل اجتماعی در جهت‌گیری نهضت‌های هنری یک اصل زمینه‌ای و اثرگذار است. در حقیقت تمایل برخی از جریان‌های غالب این است که جریان خوشنویسی ایستانی کشور همچنان ایستا ماند و حرکت یا جنبشی را آغاز ننماید. به رغم آنان؛ اما، تأثیرات و عوامل اجتماعی این تمایل را عملأً معکوس کرده و خط را به پویایی رسانده است.

انس دمادم با مشق و مطالعه، زمینه‌های بروز تغییر و شکل‌گیری گرایش تازه را هموار می‌کند. با این نگاه، هنر مقوله‌ای از نوع آفرینش است و هنرمند به دنبال ابداع و نوآوری است.

### نهضت بازگشت به قدما

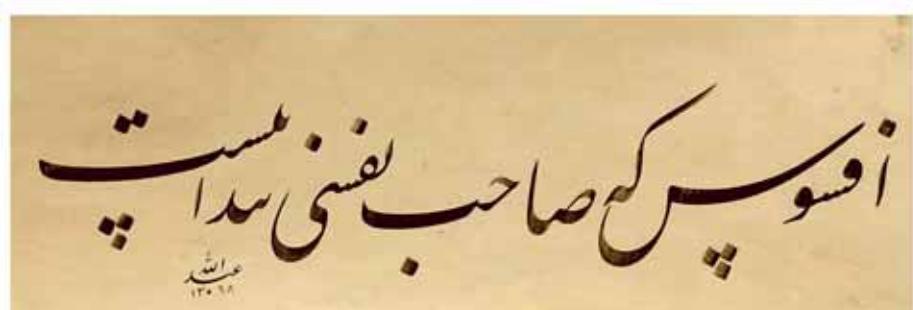
در دهه چهل و پنجاه شماری اندک از خوشنویسان، به دلیل اشیاع شدن از شیوه غالب خوشنویسی و با هدف درک بیشتر ظرفیت‌های بصری قدما، بنیان اولیه‌ای را برای شکل‌گیری بازگشت به آثار قدما بنا نهادند. از آن جمله بودند استادانی چون رضا مافی (۱۳۶۱-۱۳۲۲)، استاد محمد احصایی و استاد عباس اخوین استاد جلیل رسولی که با گرایش به بزرگان خط نظام هندسی خود را قوام و انسجام بخشیدند. اینان در آثار خوشنویسی قدما صاف‌نویسی، نازک و ظریف و دقیق‌نویسی، شوریدگی در سیاهمشق و تند و نیزنویسی را جست‌وجو می‌کردند. در دهه پنجاه، علی‌رغم تلاش اولیه این گروه پیشگام، جریان بازگشت به قدما به جریانی فراگیر تبدیل نشد. البته در کنار این پیشگامان، خوشنویسان دیگری نیز بودند که در کارهایشان رگه‌هایی از گرایش به قدما وجود داشت، با این حال فراگیر شدن این جریان گویا به زمان بیشتری نیاز داشت و همین‌طور هم بود؛ زیرا به تدریج نهضت بازگشت به قدما جای پای خود را در خوشنویسی معاصر ایران باز کرد و علاقه‌مندان بیشتری یافت تا آنچه که نسل دوم علاقه‌مندان به نهضت بازگشت قدما از لحاظ کمی و کیفی توانستند جریانی مستقل و اثرگذار را در خوشنویسی معاصر ایران پایه‌گذاری کنند. این نهضت، به طور کلی، موجب شد که تنوع زیباشناختی بیشتری در فضای خوشنویسی ایجاد شود که تأثیرات آن را می‌توان در چند مورد بیان کرد:

- احیای خوشنویسان بزرگ قدیم مانند میرزا غلامرضا؛
- وسعت بخشیدن به شیوه‌های رایج و غلبه بر حاکمیت تک‌شیوه‌ای؛
- توسعه منابع و آثار قدما و عرضه کردن آن‌ها برای استفاده بیشتر علاقه‌مندان؛

**پاگیری نهضت  
بازگشت  
به قدما  
خوشنویس،  
این نکته را به  
خوبی نمایان  
ساخت که نقش  
عوامل اجتماعی  
در جهت‌گیری  
نهضت‌های  
هنری یک  
اصل زمینه‌ای و  
اثرگذار است**



اثر: عبدالله ستارپور - ۱۳۸۱



اثر: عبدالله ستارپور - ۱۳۹۸

در دهه چهل و  
پنجاه شماری  
اندک از  
خوشنویسان،  
با هدف  
درگ بیشتر  
ظرفیت‌های  
بصری قدماء،  
بنیان اولیه‌ای  
را برای  
شکل‌گیری  
بازگشت به  
آثار قدماء بنا  
نهادند

**فقدان  
نظریه‌سازی، از  
آسیب‌های فعلی  
خط در روزگار  
ماست**

به عنوان نمونه، سال گذشته، در دو سالانه خوشنویسی قزوین (۱۳۹۷) که جشنواره‌ای ملی و مطرح است ملاحظه شد که از پیروان و مقلدان یک شیوه پر طرفدار خوشنویسی بهشت کاسته شده است؛ به طوری که کسانی که در این شیوه قلم زده بودند تعدادشان به انجشتن یک دست هم نمی‌رسید. بر عکس، رهوان شیوه قدما اکثریت غالب را تشکیل داده بودند و حال و هوای کلی نمایشگاه از آثار و عمدتاً سیاه مشق‌هایی پر شده بود که گرایش به قدماء آن کاملاً محسوس بود. این موضوع را در یک سطح کلان می‌توانیم سایق و گرایش‌های عصری بنامیم؛ یعنی گرایش‌هایی که در یک دوره زمانی خاص نصوح گرفته و برجسته و فراگیر می‌شوند. اما برای ورود تحلیلی به موضوع قدیم‌نویسان معاصر نیاز به درک نکات مفاهیمه‌ای است.

**نکات مفاهیمه‌ای برای ورود به موضوع**

هر پژوهش یا کتاب و گفتاری، از جمله همین مبحث فعلی، می‌تواند کاستی‌ها و لغزش‌هایی داشته باشد؛ کاستی‌ها و لغزش‌هایی که زاده محدودیت‌های گوناگون پژوهشی است. با این حال محققان عرصه هنر خوشنویسی باید شجاعانه وارد عرصه شوند و با ایده‌یابی و فهرست کردن پرسش‌های کلیدی به این نیازهای مهم هنری پاسخ بدھند؛ بهویژه اینکه در موضوع مورد بحث، به علت کم سابقه بودن، کارهای جدی صورت نگرفته است. بنابراین هرگونه نقد روا و خردمنجی خردمندانه می‌تواند به تابش بهتر نور به موضوع کمک کند و با غنی کردن دستاوردها به پرسش‌های مطرح شده پاسخ دهد. در عرصه پژوهش باید تلاش کنیم که به شور و حالی که زایدۀ حس کنگناوی خوشنویسانه است پاسخ قانع‌کننده یا هدایت‌کننده بدھیم.

نکته مهم این است که بدانیم همه در یک راهیم و هرگونه پشتیبانی فکری و پژوهشی به روان کردن حرکت کاروان خط و تحرک بهتر آن می‌انجامد.

- در هنر خوشنویسی یک نظام هندسی واحد نداریم بلکه به جای آن تنوع نظام‌های هندسی وجود دارد. البته باید اذعان کرد این ویژگی در حقیقت امتیاز

**نقاطه عزیمت در فهم جریان  
قدیم‌نویسان معاصر**

در پنجه سال اخیر گرایش به مکتب قدماء، به علت سیطره مکتب خوشنویسی کلهر، به امری دشوار و دیریاب تبدیل شده بود. به جز چند استثناء از پیش‌کسوتان، عده خوشنویسان به طور طبیعی یا غیرطبیعی تحت تأثیر و تعلیم آموزه‌های این مکتب بوده‌اند. کمبود منابع و آثار قدما و عدم فرست بروز نیز مزید بر علت بوده است. به همین دلیل ورود به مکتب قدما وارد کردن مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خطوط قدما در خط معاصرین نیازمند تلاش، مطالعه عمیق و تمرین مداوم و انس با آثار قدما بود. در گذر زمان، بازگشت به شیوه‌های قدما شاید در ابتدای کار امری ساده بنماید اما عملاً امری سهل و ممتنع است. به عبارتی ورود یکباره، سطحی و بدون مطالعه، و از همه مهم‌تر بدون راهبری درست به شیوه قدما، مانند تیغ دودمی خواهد

بیننده معاصر عرضه شود. بر این اساس نقل مستقیم از آثار قدماء فقط یک مرحله قابل گذر را برای خطاط نشان می‌دهد. توجه به قدماء و گذشتگان ضروری است. به قول قیصر امین پور «گذشته گذشته است اما در نگذشته است.» لذا در عین توجه به قدماء به نگارش و نوشتمن قطعات معاصر و با کارکرد امروزی باید متوجه شد. در تلفیق امروز و گذشته خط را می‌توان با پشتوانه متقدمان و نگاه معاصران نوشت و لباس زیبا ناسانه و خوشنویسانه دوره معاصر را بر تن حروف و کلمات پوشاند تا از این طریق حال و هوای معاصر را برای بیننده امروز به ارمغان آورد. البته این نکته و تحقق آن امری دشوار و دیریاب و ادراک و توصیف آن نیاز به حد زیادی مشکل است؛ چرا که درک واقعی آن نیاز به تجربه‌های زیسته بی‌امان و همنفسی با خطوط هم قدماء و هم معاصران دارد. برای معاصر کردن سرمهایه هنری و خوشنویسانه قدماء ضروری است که چشم معاصر شدند را بیاییم و قدرت دیدن و نگرش تلفیقی را پیدا کنیم. خوشنویس امروز باید خط را امروزی یا برای مخاطب امروز بنویسد. در شعر مشهور است که می‌گویند «آن کسی که نخست گل لاله را به شهید تشبيه کرد شاعر بود، کسی که دومین بار این تشبيه را کرد مقلد بود و کسی که بار سوم این تشبيه را به کار برد عاقل نبود.» پس نقل مستقیم آثار قدماء بخشی از رسالت قدیمنویس معاصر است.

### ویژگی‌های جریان قدیمنویس معاصر

به لحاظ فنی در این نوشتار با جریانی از خوشنویسان رویه‌رو هستیم که از بدرو تعلیم یا چندسالی بعد از آن متوجه خطوط مکاتب قدیم مثل مکتب میرعماد و یا سبک ویژه میرزا غلام رضا یا میرحسین شده‌اند. شاگردان این خوشنویسان نیز لاجرم به تأسی از استادان خود تمایل به قدمای پیدا کرده و برای خود در این زمینه اهمیتی یافته‌اند. اما جریان قدیمنویسان معاصر ذیل جریان بازگشت به قدماء دسته‌بندی می‌شوند. اینان اما دسته دومی هستند که از شیوه معاصرین به شیوه قدماء تمایل پیدا کرده‌اند. در واقع به نوعی مهاجرت

بود که به خط رهرو آسیب وارد خواهد کرد. به قول ضربالمثل عامیانه، ممکن است فرد رهرو در دام «ستر گاو پلنگ» گرفتار آید. برای این تجربه آسیب‌رسان نمونه‌ها کم نیست به همین دلیل برای ورود به حریم خوشنویسی قدمانباید و نمی‌توان سرنا را از دهان گشاد آن نواخت. تنها ارتباط باسته با آثار قدما، مشق مدام، بررسی و ارزیابی منتقدانه و سایر عوامل مهم دیگر است که به ما، در پیوند و پیوستگی با روح خوشنویسی قدماء، کمک خواهد کرد.

بطور حتم اگر این شرایط به شکل مطلوب و یا نسبی در رهروان قدیمنویسی فراهم آید لحظه اتصال و پیوستگی نیز در موقع مناسب برای خوشنویسی رخ خواهد داد. لذا در این کار شتاب و تعجیل آفت جدی است و رهرو از مقصد متعالی باز خواهد ماند. سالک خط این فرض زمینه‌ای را می‌تواند در خود نهادینه کند که تلاش و قلم استادان متقدم در دوره‌ای به سبیدی کاغذ نشسته است که با روزگار فعلی متفاوت بوده و این پرسش کلیدی را مطرح کند که: آیا تقلید و یا نقل آثار قدما برایش کفایت می‌کند و یا باید آن را با اقتضای روزگار معاصر پیوند دهد؟ اینجاست که باید از قطعه خطی سخن بگوییم که علاوه بر داشتن روح زمانه بتواند میراث قدماء را نیز در پیش روی چشم بیننده تیزبین و جمال‌شناس خاختی را برای او فراهم سازد. به همین سان این گونه می‌توان نتیجه گرفت که شکل‌گیری جریان قدیمنویسان معاصر را یک واقعه آنی تصور نکنیم. این جریان در روند دوره زمانی ۴۰ ساله و با شب منطقی و آرام شکل گرفته و حاصل مطالعه و تغییر ذهنیت خوشنویسان نسبت به نظام‌های هندسی در خوشنویسی نستعلیق معاصر است.

اما قدیمنویسان معاصر به چه نوع خوشنویسی گفته می‌شود؟

دیدگاهی نظری بر این باور است که برای امروزی شدن و برای معاصر بودن، خطی را باید نگاشت که از آن حال و هوای معاصر بودن درک شود و آنگاه به

در پنجاه سال  
اخیر گرایش  
به مکتب  
قدماء، به علت  
سيطره مکتب  
خوشنویسی  
کلهر، به امری  
دشوار و  
دیریاب تبدیل  
شده بود

خود را در ذهن بیننده القا کند می‌توان خوشنویس را در شمار قدمی‌نویسان معاصر به شمار آورد.

- با مرور قطعات و تصاویر، حال و هوای سنت‌های دیرین خوشنویسی در ذهن بیننده تداعی می‌شود به‌طوری که از نظر زیباشناختی نیز باید انصاف داد که برخی از آثار قدمی‌نویسان معاصر در نسبت با سایر شیوه‌های خط دارای بار زیباشناختی بالایی هستند. با دیدن شماری از این آثار علاقه‌مند خط دچار شوک جمال‌شناختی می‌شود. در این حالت او لحظه ویژه‌ای را تجربه می‌کند که پیش از این گویی برایش رخ نداده و لذا از تازگی و بدیع بودن حکایت دارد. مثلًا آثار استاد اخوین و استاد احصایی، سیاه‌مشق‌های آهنگین جباری، مورب‌نویسی رمضان‌پور، صاف و تند و تیز‌نویسی شهبازی، استوار‌نویسی جوادزاده، فضاسازی موسوی و دهه‌نشانه دیگر حاکی از آن است که استفاده از ظرفیت‌های خوشنویسی قدمای آرام آرام در دوره فعلی خود را تکانده و به بالندگی و رشد رسیده است. با این احوال به این نکته باید افزود که در جمع خوشنویسان هر کسی به میزان درک زیباشناختی خود با میراث خوشنویسی قدمای مواجه شده است. بنابراین در ارزیابی و فهم بهتر دستاوردهای معاصران از میراث قدمای این اصل را می‌توانیم مدنظر داشته باشیم.

- بدیهی است که در این دوره گذار، نقش ابزارها، مانند قلم و تراش آن و بهره‌گیری از کاغذ ویژه سهم قابل توجهی در شکل‌گیری سرنوشت نهایی خطوط قدمی‌نویسان معاصر داشته است. زبانه قلم‌ها در تراش به شکل تیزتر و استخوانی‌تر درآمده و زبانه آن‌ها برای صاف‌نویسی بیشتر تعییه شده است. ظهور کاغذهای دست‌ساز و استفاده فراگیر از آن‌ها در قطعات برای هماهنگی بیشتر بین انتظارات خوشنویس در گرایش به قدمای و اجرای آن در صفحه نیز نقش بسزایی داشته است.

از دیگر ویژگی‌های مهم جریان قدمی‌نویسان معاصر و استفاده آن‌ها از گنجینه زیباشناختی در نستعلیق قدمای، رهاندن یا رها شدن خوشنویس معاصر از سیطره و سایه‌سار نامهای بزرگ فعلی است.

از مختصات هنری یک شیوه به مختصات هنری شیوه‌های قدماً اتفاق افتاده است. کانون اصلی در این بررسی، واکاوی این بخش از معاصران قدمی‌نویس است که در یک دوره زمانی به شکل آگاهانه یا طبیعی و خودجوش خط آن‌ها به سمت و سوی قدمای متتمایل شده است. بدیهی است این میزان از تمایل دارای اندازه ثابت نیست و هر خوشنویسی به فراخور میزان مطالعه و میزان علاقه و حتی میزان توانایی خود در این مسیر قرار گرفته و خطش نموداری از تعبیر به شیوه قدماست. به عنوان نمونه، در مورد گرایش به آثار قدمای، یکی از خوشنویسان از اثر آموزشی خود نام می‌برد و می‌گوید این اثر به چاپ بیستم رسیده، با این حال من دیرزمانی است که به آن شیوه نمی‌نویسم. این نکته نشان می‌دهد که مراجعه به آثار قدمای در شماری از خوشنویسان به یک احساس علاقه‌مند درونی و البته به یک جنبش ذاتی در آن‌ها تبدیل شده است.

تغییرات و گرایش به خطوط قدمای در دو سطح قابل بررسی است:

- گرایش عمیق که حدودی خطوط، انعکاس‌دهنده گرایش خطوط قدماست. اگر گرایش عمیق که نمونه‌ها بیان گر میزان بالایی از گرایش به قدماست. اما در یک نگاه کلی جریان قدیمی‌نویس معاصر دارای ویژگی گرایش به قدماست. البته باید در نظر داشته باشیم که این سطح از گرایش به خطوط قدمای، بنا بر نسبت و سیر تکاملی خط، امری اجتناب‌ناپذیر است اما روند آن و دلایل و چگونگی آن قابل بررسی است و می‌توان نکات درس آموزی در آن یافت.

- در جریان قدیمی‌نویسان معاصر نمونه‌هایی وجود دارد که حال و هوای قدمای تداعی می‌کند، از جمله اینکه فضای کلی خط علاوه بر ویژگی معاصر بودن ریشه در سنت‌های خوشنویسی قدمی دارد. این ویژگی‌ها علاوه بر فرم خط در روح خط نیز قابل واکاوی و درک است. - شاخص قدیمی‌نویس در معاصرین و میزان گرایش آن‌ها معیاری است که مراتب و درجاتی کم یا زیاد دارد. مهم این است که این گرایش اگر از میزانی بالاتر رود و

**در این دوره  
گذار، نقش  
ابزارها، مانند  
قلم و تراش آن  
و بهره‌گیری از  
کاغذ ویژه سهم  
قابل توجهی  
در شکل‌گیری  
سرنوشت  
نهایی خطوط  
قدمی‌نویسان  
معاصر داشته  
است**

در دوره معاصر،  
خوشنویسان  
قدیم‌نویس  
در ترکیب نیز  
موفق ترند، زیرا  
در آثار قدماء  
حرف، کلمه و  
سطر استقلال  
دارند اما در  
پیوند با هم به  
انسجام و حسن  
هم‌جواری  
با ایسته‌معاصر  
نمی‌رسند

درونى خط آن‌ها کار ساده‌ای نیست. این سخن استاد محمد احصایی بسیار قابل اعتنایت که می‌گوید: «مشق کردن از کارهای اصیل قدماء هر خوشنویسی را متواضع می‌کند.» این سخن کسی است که خود عمری را در گرو خوطوط قدماء نهاده و با آثار آن‌ها همزیستی داشته است. به همین دلیل است که کار قدیم‌نویسان به خاطر تحمل رنج و ریاضت و دل کنند از شیوه غالی روزگار و گشودن راهی نو و تازه قابل تقدیر است.

- جریان قدیم‌نویسان ایران راه را برای حضور خوشنویسی ناب و اصیل ایرانی در صحنه‌های بین‌المللی فراهم کرده است. تقریباً عموم خوشنویسانی که در صحنه‌های بین‌المللی خوشنویسی نستعلیق مقام می‌آورند از جریان قدیم‌نویسان معاصر هستند و نمونه بارز آن مسابقات ارسيکا می‌باشد که بیش از چهل

### نقد و نظر

جریان قدیم‌نویسان معاصر اگر بتواند با کار و تلاش بیشتر خود را از آرایه‌های تقليیدی و زوائد غیرضروری مکتب قدیم تکانیده و به بالندگی بیشتر برسد، خواهد توانست جریانی تأثیرگذار در تاریخ خوشنویسی ما باشد. بهطور حتم محققان خوشنویسان در پنجاه سال بعد اگر به این جریان نظر بیندازند بر دوق زیباشتاخی و پیشگامان این حرکت درود خواهند فرستاد.

- بازکاوی انتقادی شیوه قدماء کار ویژه و اصلی هنرمندانی است که به این جریان تعلق دارند. به عنوان نمونه تقليید و نظیره‌نویسی صرف از آثار میرزا غلام‌رضا در انتهای کار می‌تواند به جایگاه «میرزا غلام‌رضا ثانی» منجر شود. اما تصحیح برخی از لغتش‌های میرزا چه در فرم‌بندی و چه در هندسه حروف به عنوان بزرگ بودن شماری ازدوایر و دهها کار انجام نشده دیگر است که می‌تواند نهضت قدیم‌نویسان معاصر را در روند نوشوندگی آثار قدماء و بازنویسی آن‌ها در حال و هوای معاصر قرار دهد. در یک نگاه کلی تقليید صرف یا نظریه‌نویسی از ایستا بودن ذهن خوشنویس خبر خواهد داد اما پویایی، نوشوندگی و برداشت تازه

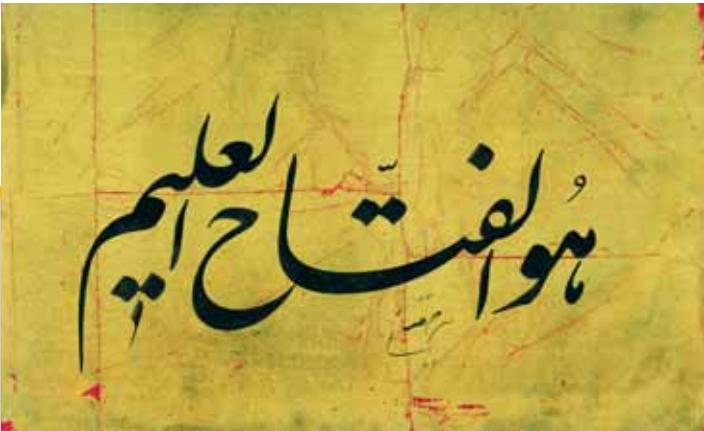
به بیان دیگر، ظهور خوشنویسان مبرز و به دست دادن شیوه‌های مستقل و تأثیرپذیری هوشمندانه از قدماء، به جایی رسیده که امروز شیوه‌های فنی و منحصر به فردی داریم که نه شیوه کسی به آن‌ها ماند و نه آن شیوه از آن کس دیگری است و کاملاً مستقل است. باید افزود، در دوره معاصر، خوشنویسان قدیم‌نویسان در ترکیب نیز موفق ترند، زیرا در آثار قدماء حرف، کلمه و سطر استقلال دارند اما در پیوند با هم به انسجام و حسن هم‌جواری با ایسته معاصر نمی‌رسند. و این خلاصه توسعه قدیم‌نویسان معاصر در آثارشان به خوبی پر شده است.

### تأثیرات زیباشتاخی

- تلاش نوجوانانه جریان قدیم‌نویسی معاصر یکی از تلاش‌های ارزندهای است که خوشنویسی امروز ایران را از یکنواختی و یکپارچگی و شبیه‌نویسی آزاردهنده رها ساخته است. تنوع بخشی به شیوه‌های موجود و پاسخ دادن به سلایق متفاوت هنری از دیگر برکات و تأثیرات این جریان مهم است. در حقیقت می‌توان اذعان داشت که با حضور جدی جریان قدیم‌نویسی بیننده بصیر شاهد آن است که در یک پیوستار تاریخی تمام طرفیت‌های خوشنویسی گذشته و حال را با عینک مؤلفه‌های بصری روزگار معاصر می‌بیند و از آن لذت می‌برد. این کار خدمت مهمی است. زیرا خوشنویسی معاصر ایران از نبود آن رنج می‌برد و خود را در تنگی‌های یکی دو شیوه غالب گرفتار می‌دید. این گروه از خوشنویسان چه پیشگامان نهضت بازگشت به قدماء و چه خوشنویسان قدیم‌نویس معاصر دارای دو ویژگی شجاعت و کوشش با هم بودند. آن‌ها در روزگاری این حرکت را به پیش راندند که کارشان استثنایی نسبت به قاعده محسوب می‌شد. در واقع اینان خلاف جریان رودخانه شنا کردند و ما امروز می‌توانیم پاسخ آن شجاعت و سختکوشی را در رنگین کمان سپهر خوشنویسی ایران بنگریم.

- باید توجه داشته باشیم که وارد شدن در نظام

خوشنویسانه قدماء و درک هندسه فنی و سازوکارهای



اثر: استاد محمد احسابی - ۱۳۸۱



اثر: استاد جلیل رسولی - ۱۳۵۷

سیما بی دگرگونه از مفردات و کلمات نظام هندسی تازه‌ای مبتنی بر گرایش به خوشنویسان قدیم بنا نهاده‌اند. به همین سان کار محقق یا ناقد منصف تحلیل دگرگونی‌هایی هر نظام هنری قبلی در نسبت با نظام هندسی مرجع است.

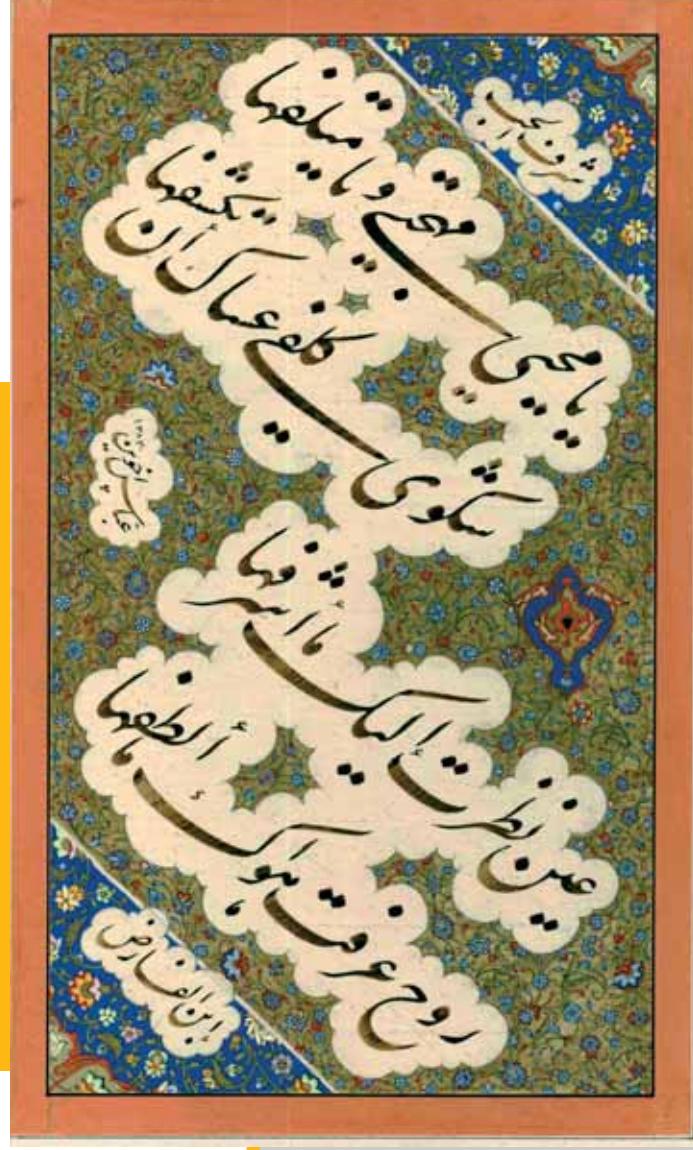
زیرا یک خطاط و خوشنویس با تمام وجود شیوه یا سبکی را تقلید می‌کند و به مرحله نظریه‌نویسی می‌رسد. دیگری راه را تداوم می‌دهد و با بهره‌گیری از چند نظام هندسی مرجع به تلفیقی نویسی روی می‌آورد و بعد اگر توفیق یابد به مرحله مستقل‌نویسی می‌رسد و به بخشی از تاریخ خوشنویسی معاصر تبدیل می‌شود. درختم کلام توجه به این نکته ضروری است که شکل‌گیری و بالندگی نهضت بازگشت به قدماء و به تبع آن راه و رسم سنتی خوشنویسی رخ داده است. زیرا تأکید و رواج یک شیوه و ایجاد موانع برای رهایی و خلاقیت در فضای بسته و سنتی هیچ‌گاه زمینه را برای رشد فضاهای تازه و شیوه‌های جدید فراهم نکرده است. به همین دلیل است که ارزش نهضت بازگشت و دستاورده آن، یعنی جریان قدیم‌نویسان معاصر، دارای نشان و مرتبه مضاف است. زیرا از ابتدا در دایره‌ای محدود و با همت و پشتکار فردی به عرضه درآمد ولی توانست خود را در سپهر خوشنویسی ایران ثبت کند. این جریان را به طور طبیعی شماری خوشنویس پیشرو با کار فردی و همت قلم خود آغاز کردد و گرچه ارتباط قابل توجه و هدفمندی با هم برای شکل‌گیری این جریان نداشتند اما حاصل تلاش‌های فردی اکنون در یک مجموعه بزرگتر و با خطوط نامرئی و مرئی به هم پیوسته این جریان اثرگذار را شکل داده است.

نیاز اصلی در روزگار ماست، باید در انتظار بمانیم و این پرسش کلیدی را مطرح کنیم که آیا جریان قدیم‌نویسان معاصر از دوران گذار با بالندگی و بازآفرینی نظام هندسی نوین با دست پر عبور خواهد کرد؟ یا اینکه به بیماری ایستایی و در جا زدن و رفع نیاز روزانه بسته خواهد نمود؟

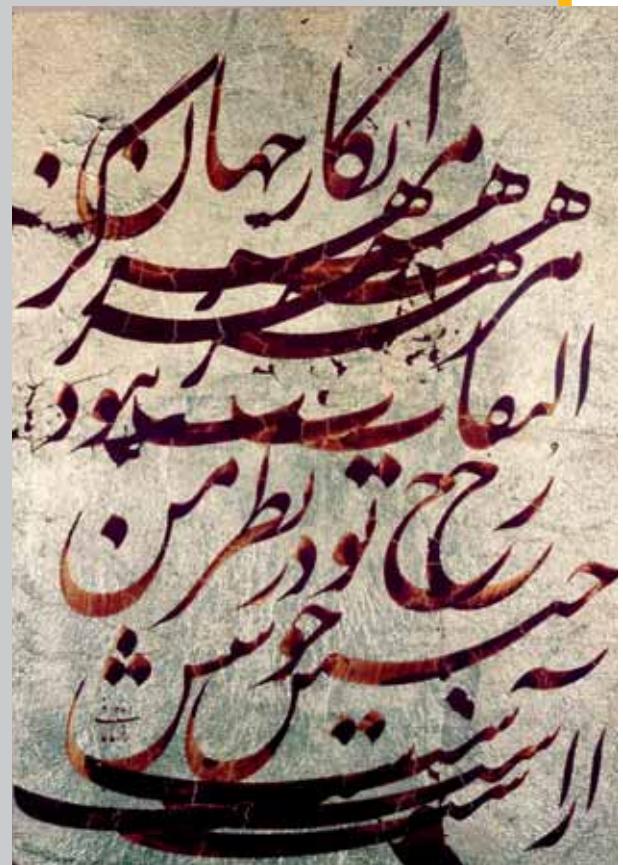
در یک چشم‌انداز آینده‌نگرانه، برای هر تحقیقی این سؤال پژوهشی مطرح است که آیا در خوشنویسی ثلث، نسخ و شکسته ایران امروز و امروز ایران می‌توانیم از جریان‌های نوین و پیشرو در این رشته‌ها خبر دهیم؟ بر محققان و متخصصان این رشته‌ها لازم است که با کنکاش و کنکاوی لازم این سؤال پژوهشی را پاسخ دهند و دستاوردهای آن را به علاقه‌مندان عرضه کنند.

**ارزش نهضت  
بازگشت و  
دستاورده آن،  
یعنی جریان  
قدیم‌نویسان  
معاصر، دارای  
نشان و مرتبه  
مضاعف است**

**جمع‌بندی**  
در جمع‌بندی باید گفت قدیم‌نویسان معاصر در دوره فعلی جریانی هستند که برای پیوند ارزش‌ها و ظرفیت‌های بصری و زیباشناختی اثار قدما با عالیق و انتظارات معاصران تلاش کرده و گام‌های مؤثری برداشته‌اند. نیک آگاهیم که نقلید یا نقل کردن میراث خوشنویسی گذشتگان خوب و مفید و ارزشمند است اما امروزی کردن این ظرفیت‌ها مهم‌تر است. نکته اینجاست که در میان اهل خط افرادی هستند که با قوام و انسجام خط در مراحل پختگی نیز همان شیوه را تداوم داده‌اند و تغییری در سیمای حروف و کلمات چیدمان یا ترکیب موجود نیاورده‌اند. اما تعدادی از خوشنویسان مطرح از نظام هندسی اولیه‌ای که خط خود را قوام داده، فاصله گرفته و در چیدمانی تازه و



اثر: استاد عباس اخوین - ۱۳۸۴



اثر: استاد رضا مافی - ۱۳۶۱

# دیر هنر شیراز مصاحبه با مجید رستگار

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

**با توجه به اینکه شما در حوزه خط و نقاشی و خط و نقوش سنتی فعالیت دارید، تجربیاتتان را در این زمینه برای ما بیان فرمایید.**

من متولد ۲۸ دیماه، سال ۱۳۵۴، هستم و در حوالی میدان توبخانه تهران و امام خمینی (ره) فعلی به دنیا آمدم. شش ساله بودم که با خانواده‌ام به شیراز رفتیم، بنابراین بزرگ‌شده آنجا هستم. البته اصلتاً هم شیرازی هستیم؛ چون پدرم نظامی بود به تهران آمده بودند و من در تهران متولد شدم. ما در شیراز، در محله تلپروس (که نام جدیدش میدان ۱۲ فروردین است) زندگی می‌کردیم. من فرزند دوم خانواده هستم و ۴ برادر و ۲ خواهر دارم. خواهران و برادرانم نیز علاوه بر تحصیلاتی که دارند به کارهای هنری نیز علاقه‌مند هستند.

من در دوره ابتدایی در مدرسه شریف‌الحسینی شیراز تحصیل کردم. در آن مدرسه، زمانی که کلاس سوم ابتدایی بودم، معلمی به نام آقای چالاکی داشتم که در خط استاد بود. ایشان سر کلاس خوشنویسی انعام می‌داد و من آنجا بود که با خوشنویسی آشنا و به آن علاقه‌مند شدم. تا قبل از آن فقط با نقاشی آشنا بودم. وقتی برای اولین بار قلم و مرکب را در دست معلم دیدم به خانه آمدم و به پدرم گفتم که برایم قلم و دوات تهیه کند. بعد پدر و برادر بزرگم با قلم و مرکب برایم سرمشق می‌نوشتند. این‌ها در سال‌های ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ رخ داد و من کلاس خوشنویسی را در تابستان همان سال‌ها بعد از پایه سوم ابتدایی نزد استاد عزیزم جناب قاضی آغاز کردم. ایشان متواضع و بالخلاق بودند و مرا به خوشنویسی علاقه‌مندتر کردند.

دست هنرمند



دیدار استادان  
بر جسته، وقتی  
به شیراز سفر  
می کردند و یا  
من به تهران  
می آمدم و ایشان  
را می دیدم،  
علاقه مندی های  
خاصی در من  
ایجاد می کرد

آقای قاضی، استادتان چه ویژگی هایی داشت؟  
انسانی وارسته، بالاخلاق، مؤمن و متدين بودند. خودشان شاگرد یکی از استادان قدیم شیراز به نام استاد مهاجر بودند که هر دو این عزیزان، دستی در خط نستعلیق و ثلث دارند. کارهایی که آقای قاضی اکنون انجام می دهند نیز در نمایشگاه سعدی برپاست. کتابت های ایشان بسیار استادانه و با فضاسازی های خوب است. در کل خط آقای قاضی حال و هوای خاصی دارد و بسیار پخته و شیرین می نویسند.

به هر حال، کلاس سوم ابتدایی که گذشت دیگر به صورت مداوم خوشنویسی می کردم، به طوری که چند سال بعد، در مسابقاتی که آموزش و پرورش می گذاشت در سطح استانی و کشوری مقام می آوردم. به جایی رسیدم که از دوره راهنمایی در کانون های آموزش و پرورش آموزش خط می دادم و قبل از اینکه دیپلم بگیرم مدرک ممتاز را انجمن خوشنویسان در سال ۷۶-۷۵ گرفتم. من خط شکسته را خدمت استاد معین خواه و بعد خدمت استاد ملکزاده فرا گرفتم. تازمانی که استاد ملکزاده شیراز بودند افتخار این را داشتم که از شاگردانشان باشم. بعدها نستعلیق را بیشتر ادامه دادم و ۶-۵ سالی است که شکسته را نیز مجدداً دنبال می کنم.

چه طور شد که در زمینه شغلی دبیر هنر شدید؟  
کنکور دادم و در رشته هنرهای تجسمی در دانشگاه تربیت معلم شیراز قبول شدم و همزمان تدریس هم می کردم.

استادان تربیت معلم چه کسانی بودند؟  
از استادان تذهیب کار و نگارگری مان استاد شیروانی و استاد حسن موریزی بودند. من خودم ورودی سال ۷۴-۷۵ تربیت معلم هستم و آن زمان دست مایه ای از خوشنویسی داشتم. در خوشنویسی آقای مقتدایی و استاد مروج مدرس آنجا بودند. دو ترم را نیز همزمان با تحصیل تدریس می کردم.

وقتی کارها صرفاً  
هنری نباشد و  
در زیباسازی  
شهر و ... کاربرد  
داشته باشد  
سفرارش‌هایی در  
این اشکال به ما  
داده می‌شود



### از خاطرات خوب خوشنویسی تان بگویید.

من همیشه هنگامی که خط اساتید خوشنویسی را در نمایشگاه‌ها می‌دیدم، به ذوق می‌آمدم و به خانه که می‌آمدم ساعتها مشق می‌کردم. دیدار استادان بر جسته، وقتی به شیراز سفر می‌کردند و یا من به تهران می‌آمدم و ایشان را می‌دیدم، علاقه‌مندی‌های خاصی در من ایجاد می‌کرد. خاطره‌ویژه‌ای که دارم، سال‌های ۷۵-۷۶ مراسم اختتامیه خوشنویسی جهان اسلام بود و من به تهران آمده بودم. اساتید بزرگی را از نزدیک دیدم و آثار زیبای آنان را در موزه هنرهای معاصر مشاهده کردم. این اتفاق خیلی روی من اثر گذاشت تا به صورت حرفه‌ای تر کارم را ادامه دهم و نمایشگاه‌هایی بگذارم.

### بعد از فارغ‌التحصیلی معلمی را کجا آغاز کردید؟

در مرودشت که ۵۰-۴۰ کیلومتر با شیراز فاصله دارد؛ و دبیری هنر را آغاز کردم.

### تجربه تدریس چه طور بود؟

من در مدارس خوبی که امکانات و کادر بهتر داشته است در هر ناحیه تدریس کرده‌ام، اما همیشه «نگاه کم‌همیت دیدن هنر» نسبت به سایر رشته‌ها متأسفانه وجود داشته و حتی امروز هم رشته هنر در حاسیه قرار دارد. اما سعی من همیشه آن بوده که در محدوده خودم تأثیرگذار باشم و این تفکر را اصلاح کنم. در این ۲۰ سال تدریس، حتماً خط درشت آموزش می‌دهم و با قلم و مركب به صورت اصولی با بچه‌ها کار می‌کنم. فیلم‌های آموزشی برای بچه‌ها می‌گذارم و در خانه هم دانش آموزان امکان این را دارند که از طریق فضاهای مجازی فیلم‌ها را ببینند و یادگیری‌شان تکمیل شود. همیشه سعی دارم که در مباحث هنری چه خوشنویسی و چه نقاشی به‌روز باشم و مطالب جذاب را بیان کنم. مثلاً در مبحث نقاشی، با مطرح کردن اینیمیشن‌سازی و کارتون، بچه‌ها را علاقه‌مند می‌کنم و در این قالب اصول طراحی و سایه‌روشن را به بچه‌ها می‌آموزم.

### خط شما برآیند چیست؟

نه من در آموزش‌های اولیه‌ای که داشتم برای نظام‌مند کردن خط، به شیوه استاد امیرخانی پیش می‌رفتم، البته مطالعاتی هم در زمینه خطوط استادان دیگر و قدمًا داشتم و آنچه را که می‌توانستم در خط نستعلیق پیاده کردم. در خط شکسته، من شاکله حروف را از خط قدمًا گرفتم و فضاسازی‌ها را از معاصرين.

### در مورد آثارتان بگویید.

من از سال ۱۳۸۰ تا امروز نمایشگاه انفرادی داشته‌ام و تاکنون حدود ۱۷ نمایشگاه انفرادی در ایران و خارج از کشور در جاهایی نظیر فرانسه، مالزی، دبی و ... به مرور برگزار کرده‌ام. نمایشگاه‌های گروهی هم داشته‌ام و رتبه‌هایی در رشته نقاشی، المان‌های شهری و معماری و خوشنویسی به‌دست آورده‌ام.

در مورد تکنیک‌هایی که در رنگ و حروف و ... استفاده کردید برای آشنایی بیشتر دیگران جوان هنر، توضیح دهید.

نه وقتی کارها صرفاً هنری نباشد و در زیباسازی شهر و ... کاربرد داشته باشد سفارش‌هایی در این اشکال به ما داده می‌شود. کارهای نقش‌بسته در سراسر شهر با فلز و مواد دیگر از روی ماکت ساخته می‌شود. حتی کتیبه‌های نقش بر جسته در مساجد کاربرد زیادی دارد. این کارها علاوه بر جنبه هنری، صنعتی هم هستند. از شهرهای دیگر مانند مشهد و قم و تهران در این زمینه سفارش‌هایی داده می‌شود.

### اشارة‌ای هم به کتاب‌هایتان بفرمایید.

نه کتاب خط تحریر، کتاب آموزش کاریکاتور، مقالاتی در مجله کلک (که بعداً نام آن به بخارا تغییر یافت)، ۳۰ قسمت فیلم آموزش خوشنویسی و نقاشی خط.

شما به خط شکسته نیز نگاه متفاوتی دارید و خط شکسته‌های روزگار فعلی متفاوت است. در این باره نظر تان را بگویید.

من چون رشته هنر خوانده‌ام که شامل گرافیک و هنرهای تجسمی و ... است شاید در چیدمان حروف در خط شکسته متفاوت عمل کرده باشم. در واقع خط شکسته قدمًا نزدیکی‌هایی به نستعلیق دارد. من

در دوره‌هایی  
که خوشنویسی  
می‌آموختم  
هیچ وقت قانع به  
کارهایم نبودم و  
همیشه در صدد  
آن بودم که از  
آنچه هستم بهتر  
شوم و فراتر از  
آن یاد بگیرم

نیز این شیوه را بیشتر دنبال کردم و از نظر اصولی کردن شکسته و دقت به کار رفتن عناصر آن به این شیوه علاقه‌مندتر هستم، در شکسته معاصر این قاعده‌مندی کمتر اعمال می‌شود. فضاسازی‌هایی در خط شکسته وجود دارد که تنوع آن را می‌رساند. در کل، من با شکسته‌نویسی به این روش، می‌خواهم بگویم که می‌توان شکسته قدم را با نگاهی گرافیکی تر به این شکل درآورد.

ما می‌توانیم از فضای گذشته به امروز حرکت کنیم و بهاصطلاح «فرزنده زمان خویشتن» شویم. بد فرد سنتی کار، باید در مورد مبانی هنرهای تجسمی اطلاعاتی داشته باشد. در این صورت است که با رشد سواد هنری، تأثیرگذاری مثبتی در آثار را شاهد خواهیم بود.

### مراحل هنری تان در این چند سال را نام ببرید.

در دوره‌هایی که خوشنویسی می‌آموختم هیچ وقت قانع به کارهایم نبودم و همیشه در صدد آن بودم که از آنچه هستم بهتر شوم و فراتر از آن یاد بگیرم. بعد از دوره ممتاز و فوق ممتاز، درجه استادی را در خط نستعلیق، در انجمن خوشنویسان ایران، دریافت کردم. در چند سال اخیر روی خط سنتی تمرکز بیشتری دارم و چند روزی در ماه را نیز به نقاشی- خط و سفارش‌های کاری می‌پردازم. دو سه روز در هفته رانیز به خط شکسته مشغول هستم. در کل من سعی می‌کنم کارهایم روزبه روز متفاوت‌تر و بهتر از گذشته شود. در خط شکسته به کارهای میرزا غلام‌رضا اصفهانی توجه دارم. به نظرم برای چیره‌دستی و فرزی و چابکی در خط نستعلیق، ضروری است که مانند میرزا غلام‌رضا شکسته‌نویس هم باشیم. توفیق در نستعلیق مستلزم شکسته‌نویسی است. زیرا خط شکسته به ما مهارتی می‌دهد که بر سرعت عملمان می‌افزاید و در بداهه‌نویسی ما را یاری می‌کند.

### به نظر شما شکسته با نستعلیق دچار تناقض نیست؛ از نظر آرامش و حوصله لازم برای نستعلیق؟

این دو خط به همین دلایل، در یک وعده کاری نباید نوشته شوند. باید خطاط همواره مکثی بین نوشتن این دو خط داشته باشد. آن رهایی و آزادی که در شکسته‌نویسی وجود دارد در نستعلیق مفید نخواهد بود.

### به نظر شما نقاشی- خط، خط را خراب نمی‌کند؟

من همیشه برای هنرجویانم توضیح می‌دهم که در ابتدا به اساس کار، یعنی خط بپردازند و آن را به خوبی دنبال کنند و به جای درستی برسانند تا بعد که وارد نقاشی- خط شدند کار بی‌عیب و نقش‌تری ارائه دهند. اما اگر ساعتها برای نقاشی- خط به دور از تمرین خط سنتی وقت گذاشته شود، طبیعتاً روی زیبایی کار اثر منفی گذاشته خواهد شد. البته اگر کسی با تمرین زیادی به سراغ نقاشی- خط بباید می‌تواند تعادلی بین خط و نقاشی- خط بقرار کند. بعضی از هنرمندان نقاشی- خط کمتر از خط نستعلیق استفاده می‌کنند و خطوط دیگری را با نقاشی ترکیب می‌کنند. این خطوط معمولاً شکستگی‌هایی دارند و از خط ثلث الهام گرفته‌اند و دارای زبان بصیری قوی هستند و شش دانگ قلم در نوشتن آن‌ها به کار می‌آید.

امروزه نقاشی- خط گستره وسیع تری پیدا کرده و به سمت هنر نقاشی سوق داده است. در خارج از کشور هم این سبک طرفداران قابل توجهی دارد، چون در آن نگاه بازتری به نقاشی می‌شود. در این گونه کارها، چند کلمه و حروف آنچنان با فرم و رنگ و ... عجین شده است که آثار زیبایی را آفریده است. در اینجا شاهد نقاشی مدرن هستیم.

### به نظر شما آینده این موجی که فرآگیر شده چیست؟ آن هم زمانی که افراد صبر و حوصله برای کار کردن خط سنتی را ندارند و سریعاً گریزی به نقاشی- خط می‌زنند.

زندگی امروزه و تغییراتی که در حال و هوای انسان‌ها و گوناگون شدن شرایط وجود آمده، این گونه تغییر روش‌ها رانیز به همراه خواهد آورد. در این زمان است که شرایط ایجاب می‌کند که هنرمند آثار را ناخودآگاه برای جلب مخاطب به سمتی ببرد که حال و هوای مدرنیته به خود بگیرد. نمی‌توان به صورت صدرصدی برای این اتفاق متأسف بود چرا که زندگی، فرایند این دگرگونی سلیقه را به وجود اورده است. این مسئله در اکثر هنرها نمود دارد. برای مثال سبک هنرهای آوایی نسبت به گذشته حتی در سنتی هم دچار تغییراتی از جمله افزایش سرعت و ریتم و کوتاه شدن زمان هر قطعه موسیقی شده است. یا در فیلم‌ها، اکنون ما شاهد فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای هستیم در حالی که در گذشته، اکثر فیلم‌هایی با زمان‌های طولانی را شاهد بودیم. تمامی این تغییرات در ذهن و عمل هنرمند اثر خواهد گذاشت و شاهد تغییر



نمونه‌های قلم استاد مجید رستگار

سبک آثارش خواهیم بود.  
در این حال و هوای کاری، سبک سنتی به هنرمندان جوان کمک می‌کند تا افق‌های پیش رو را بهتر ببینند. مانند کودکی که بر دوش پدرش سوار شده و اطرافش را از ارتفاع بالاتری می‌نگرد در نتیجه دید وسیع تری خواهد داشت.  
انتخاب من در دوره حاضر آن بوده که به جای اختصاص دادن تمام وقتی به نقاشی- خط، ساعتها زیادی را به نستعلیق مشغول باشم.

داشتن همسر هنرمند و تذهیب کار مزیت بزرگی است؛ این طور نیست استاد؟  
البته که همسرم مشغله‌های خودشان را دارد و من سعی می‌کنم کمکشان کنم و برایشان از نظر کاری مراحت ایجاد نکنم. همسرم سعیده زارعی‌فر، تذهیب‌هایی زیبا را برای من انجام می‌دهند.

استاد، شیب قلم‌های شما به چه صورت است؟  
هنگامی که دانگ قلم بزرگ‌تر شود شیب هم تغییر می‌کند. در قلم‌های بزرگ‌تر شیب بیشتر و در قلم‌های کوچک‌تر شیب کمتر است.

کانون قلم شما چیست؟  
من در همه اندازه‌ها می‌نویسم. اما به نظر خودم در قلم مشقی بهتر هستم. در کارها و آثارم بیشتر قطعه می‌نویسم که در آن ترکیب‌بندی انجام می‌دهم. سیاه‌مشق هم زیاد می‌نویسم و به فضاسازی‌های آن علاقه دارم.

در تراشیدن قلم چه نکاتی را مدنظر دارید؟  
شیب قلم تند است. میدان قلم متوسط رو به بالاست. در هنگام تراش قسمت انسی را بیشتر و قسمت وحشی را کمتر برمی‌دارم. عمود قطع می‌زنم. زبانه قلم را با پوساب زدن (سمباده کشیدن) هلالی می‌کنم. در حقیقت در پشت‌برداری از طرف انسی بیشتر برمی‌دارم.

آثار چه کسانی را بیشتر مطالعه می‌کنید؟  
میرزا اسدالله شیرازی و فتحعلی حجاب.

فقط آثار همشهری‌هایتان را می‌پسندید؟  
شیراز ما آنقدر در گذشته خوشنویسان قدر داشته که گاهی من تعجب می‌کنم از اینکه پایتحت خوشنویسی را جاهای دیگری می‌گویند. البته امروزه ضعف‌هایی در شیراز وجود دارد. شاهدیم که جوانان خوشنویس شهرهای دیگر در این عرصه پر فروغ‌تر ظاهر می‌شوند.

از خوشنویسان معاصر چه کسانی را می‌پسندید؟  
استاد شیرازی، استاد احصایی، استاد امیرخانی، استاد ملک‌زاده (در شکسته)، استاد جوادزاده (در نستعلیق).

دیدگاهتان در مورد مرحوم رضا مافی چیست؟  
مافی از کسانی بود که در دوره خودش پیشرو بود و تفکرات و نگاه‌نایی داشت. از استعدادهای برجسته‌ای بود که متأسفانه زود از میان مارفت.

خوشنویسان مطرح شیراز؟  
استاد احسنت، استاد جنگانی، استاد روزگار، استاد معین خواه. در شیراز باید به هنر بیشتر توجه شود و بودجه هنری بیشتری به آن اختصاص یابد.

از حضور تان در این گفت‌و‌گو سپاسگزارم.



# جشنواره نوآوری

و تو فیق دبیران هنر

موسی نقوی

دبیر هنر ساری



## اشاره

مردادماه سال ۱۳۹۸ جشنواره نوآوری در فرایند آموزش و یادگیری در مدارس متوسطه دوره اول برگزار شد. این گزارش کوتاه مروری بر ارکان و ساختار جشنواره دارد و در ضمن توفیق به دست آمده را حاصل تلاش همکاران بخش فرهنگ و هنر می‌داند.

## مروری بر ساختار جشنواره

در جشنواره نوآوری در فرایند آموزش و یادگیری در مدارس دوره اول متوسطه کشور در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ حضور مؤثر دبیران محترم بسیار خیره کننده بود. در حقیقت جشنواره حاصل کار گروهی همکاران در رشته‌های مختلف در قالب فیلم‌های ۲۰ دقیقه‌ای تدریس بود. رویکردهای مورد تأکید جشنواره شامل موارد زیر بود:

- ◆ ترویج فرهنگ کار تیمی و مشارکت
  - ◆ توجه به نشاط و انگیزه در فرآیند آموزش و یادگیری
  - ◆ توجه به فرهنگ حفظ محیط زیست
  - ◆ تحکیم هویت اسلامی- ایرانی
  - ◆ توجه به فرهنگ کار و کارآفرینی
- همچنین محورهای جشنواره که بر آن تأکید داشتند:



نواوری در تولید و به کارگیری رسانه‌های پر شمار نواوری در روش‌های ارزشیابی تکوینی نواوری در روش‌های مشارکت اولیای دانش‌آموزان در فرایند یادگیری این جشنواره هر ساله با هدف کیفیت بخشی به آموزش و آشنایی دبیران با روش‌های نوین تدریس و به اشتراک گذاشتن تجارب معلمان سراسر کشور برگزار می‌شود. فرهنگیان شرکت‌کننده پس از رقابت‌های صورت گرفته در مرحله شهرستانی و استانی به مرحله کشوری راه پیدا کردند. گروه‌های برتر ۳۲ استان در سه محور جشنواره شرکت کردند و اعضای تیم‌ها از تدریس خود به صورت حضوری دفاع کردند. این دوره از جشنواره ملی نواوری‌های آموزشی ۱۱ مردادماه ۹۸ به میزانی آموزش و پرورش خراسان رضوی در شهر مشهد مقدس برگزار شد. دفاع همکاران در سه مرحله در سه سالن مجزا و همزمان به مدت دو روز برگزار شد. شرکت‌کنندگان رأس ساعت مشخصی که از قبل اعلام شده بود به مدت نیم ساعت از تدریس خود دفاع کردند، در این جلسه با حضور داوران و حاضرین در جلسه و ارزیاب‌ها که در طول دفاع، فرم‌های نظرسنجی را جمع‌آوری می‌کردند برگزار شد. در این جشنواره ده تیم از استان‌های مختلف در رشته فرهنگ و هنر شرکت کردند و سطح کیفی تدریس دبیران هنر بسیار بالا بود.



مراحل ساخت ماسک با باند گچی توسط  
دانش‌آموزان

در نهایت، در روز سوم، اختتامیه جشنواره در دانشگاه پرده‌ی علوم مشهد برگزار شد و از منتخبین جشنواره تقدير به عمل آمد. آقای کمرئی معاون موسسه وزارت آموزش و پرورش در سخنرانی خود اظهار داشت که معلمان باید به چنان شناخت و تسلطی در راهبردهای تدریس دست یابند که قادر باشند در طراحی روزانه تدریس و آموزش در صورت لزوم روش‌های تدریس فعلی را به کار گیرند و با شناختی که از راهبردهای تدریس دارند به طور خلاقانه‌ای از میان روش‌های موجود اعم از روش همیاری، بارش مغزی، روش ایفای نقش، روش نمایش، روش حل مسئله، روش استقراری، روش اکتشافی و غیره مناسب با نوع درس و کلاس خود، در همه ساعت‌های آموزشی در هفته بهره گیرند. شایان ذکر است حدود ۱۹۵۰ نفر در جشنواره شرکت کرده بودند که ۲۶۵ نفر به مرحله کشوری رسیدند.

## موفقیت در جشنواره

گروه فرهنگ و هنر ناحیه ۲ شهرستان ساری در محور «ارزشیابی تکوینی» با تأکید بر عملکرد شرکت کرد. عنوان تدریس حجم، درس اول پایه هشتم، بود. این گروه تاکنون در هر سه دوره جشنواره شرکت کرده و مقام آورده است. در این جشنواره نیز توانست رتبه اول را کسب کند. به گفته سید موسی نقوی، کارشناسان گروه، هدف اصلی از اجرای این تدریس، بر اساس تجربه‌ای بود که گروه در این مدت کاری به دست آورده بود. وی می‌گوید احساس کردیم که این شیوه تدریس روش مناسبی است که به عنوان الگو، همکاران محترم نیز می‌توانند از آن استفاده کنند. همچنین با توجه به شرایط اقتصادی و اهمیت دادن به تولیدات داخلی و ابتكاری برای آینده کاری دانش‌آموزان می‌تواند کاربردی باشد (ماسک‌سازی) بعضی‌ها متأسفانه در مورد هنر اشتباه فکر می‌کنند؛ چرا که هنر صرفاً گذران وقت و سپری کردن ساعتی از روز نیست، هنر بیهوده زیستن نیست، هنر شیوه‌ای مؤثر در تربیت احساسات و توسعه زیبایی‌های درون و پرورش حس زیبا دیدن و زیبا زندگی کردن است. معتقدیم کار معلم ایجاد رقابت نیست، بلکه ایجاد رفاقت و همکاری و صمیمیت میان آن‌هاست. هدف در حقیقت این است که دانش‌آموزان، موفقیت خود را وابسته به موفقیت دیگران بدانند. در این صورت است که دانش‌آموزان قوی‌تر در کارگوهی دست سایر دانش‌آموزان را خواهند گرفت پس سعی می‌کیم دانش‌آموزانمان در ساعت هنر پرسشگر، خلاق، صبور، نظم‌بازیر، دارای روحیه گفت‌وگو و تعامل و دارای روحیه مشارکت جمعی و همکاری بازایند. برای همکاران گرامی هنر آرزوی توفیق روز افزون دارم.

در این جشنواره ده تیم از استان‌های مختلف در رشته فرهنگ و هنر شرکت کردند و سطح کیفی تدریس دبیران هنر بسیار بالا بود



پہار بدخشان

متولد فروردین ۱۳۵۸، سندج

پیاسانس گرافیک، ارشد باستان‌سنجی، دانشگاه هنر اصفهان  
بیبر هنر، ناحیه یک سندج

سرگروه درس فرهنگ و هنر استان کردستان  
۲۱ سال سابقه تدریس

۱۳۹۴ طراح پوستر اولین جشنواره فرهنگ و هنر اقوام ایران در سنندج،

گرافیست دومین جشنواره فرهنگ و هنر اقوام ایران در سنندج، ۱۳۹۵

طراح پوستر سومین جشنواره فرهنگ و هنر اقوام ایران در سنندج، ۱۳۹۷

تصویرسازی کتاب‌های پیش‌دبستانی استان کردستان

رتبه اول طراحی در مسابقات فرهنگ هنری معلمان شهرستان سندج، ۸۷

رتبه اول تصویرسازی در جشنواره هنرهای تجسمی معلمان استان، ۱۳۸۹

۱۳۸۹، کشور، معلمان تجسمی هنرهای جشنواره تصویرسازی سوم مقام

رتبه اول چاپ مونوپرینت در جشنواره هنرهای تجسمی معلمان استان، ۹۰

رتبه اول طراحی لوگوی سه بعدی در جشنواره هنرهای تجسمی معلمان است.

رتبه اول پوستر سازی در جشنواره هنرهای معلمان شهرستان، ۱۳۹۲

شرکت در بیش از ۵ نمایشگاه عمومی دبیران هنر استان گردستان در سنتند

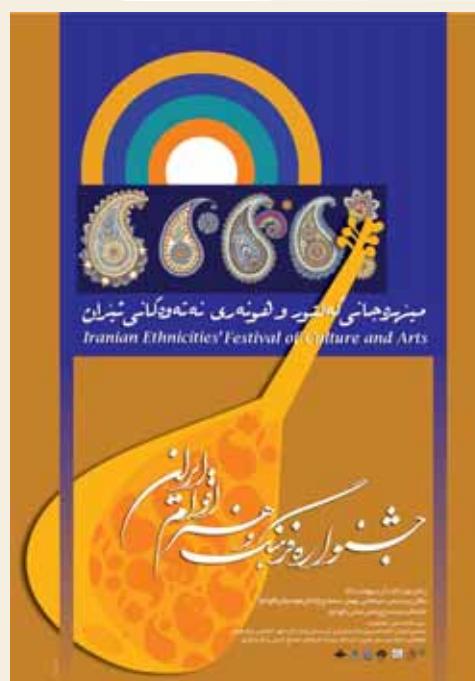
برگزیده اولین نمایشگاه تحصیلی معلمان هنر پایکاه یقیت بخشی درس فر  
۱۳۹۴ تا ۱۳۹۵

سیر کروه بر کریده استان، ۱۱۱

کتابخانه ملی ایران

میراث پوسٹر جسسواره نوجوان حوارز می انسان، ۱۱۱

The poster features a large, stylized Persian calligraphic title "شهریار فرزنه" (Shahrivar-e-Farzaneh) in white and gold, set against a dark blue background. Above the title is a circular emblem composed of a central eye-like motif surrounded by a pattern of green and white triangles. To the right of the title, a stylized bird with a long, spiky crest is depicted in flight. Below the main title, there is a smaller section of text in Persian and English. The bottom half of the poster shows a graphic of a megaphone or speaker, with a small logo at the bottom center.



# صلح و سلام

## ایده‌ای ناب برای دبیران هنر

### مقدمه

صلح، این آرمان دیریا و مشترک جامعه بشری، چه زمانی جهان را مزین خواهد کرد؟ آن زمان که کوچک و بزرگ، پیر و جوان، فارغ از نژاد و رنگ و زبان، همگی در جای جای این کره خاکی، بتوانند طعم حقیقی آرامش ناشی از صلح را بچشند. وقتی به صفحات دفتر روزگار بنگریم می‌بینیم انسان و طلب صلح با هم عجین شده‌اند. همه ما شاهد تلاش‌های مردان و زنان در جایگاه‌های گوناگون سازمان‌ها و ساختارها، از گذشته تا به امروز، در راستای امنیت جهانی و رسیدن به صلح و ثبات بوده‌ایم. اما تا به حال به این موضوع اندیشیده‌ایم که جایگاه فرهنگ و هنر در رسیدن به چنین جهان آرمانی زینت شده با صلح و دوستی کجاست!

معجزه هنر در بخشیدن مفهوم تازه و نگرشی نو به رخدادهای جهانی همواره تغییردهنده احوال و شرایط انسان‌ها بوده است. روح بخشی، لطف و زیبایی هنر، تأثیرگذاری آن را در انتقال مفاهیم و قواعد دوچندان می‌کند. بنابراین اثر مثبت و نیکوی آن در پیشرفت و ارتقای سطح درک و شعور افراد می‌تواند بسیار چشمگیر باشد. هنرمندان همواره نقش کارآمد و بسزایی در گستردگی مفاهیم انسانی بین مخاطبانشان داشته‌اند. وقتی یک هنرمند پیام اثر هنری اش را متمرکز بر شناساندن صلح و دوستی می‌کند ذهن علاقمندان را برای چند لحظه به جهان آرمانی خود می‌برد و با ترسیم دنیایی سرشار از امنیت و آرامش مردم را به تکاپو و تلاش برای اخلاقی شدن و می‌دارد و این گونه است که جامعه با یکدیگر و یکدستی افرادش گامی رو به جلو برمی‌دارد.

### مؤلف و هنرمند

هادی دربان حسینی، خوشنویسی سختکوش از دیار کашمر، چند سالی را به تلاش و قلمزنی در این حوزه پرداخت. او که مدرس هنر است با خلق این اثر، می‌تواند الگوی خوبی برای دیران هنر در اقدامات این چنینی باشد. کتاب صلح و سلام اثری نفیس از خطوط دربان حسینی است که در آن، وی، در قالب قطعات خوشنویسی روانی از گفته‌های بزرگان ادبیات ایران و جهان درباره صلح را به نمایش می‌گذارد. البته چندصفحه‌ای به گفته‌های ارزنده دکتر محمد مجعفر یاحقی، استاد دانشگاه مشهد، اختصاص یافته است.

فرازی از مقدمه دکتر یاحقی به شرح زیر است؛ «صلح و سلام، دو هم زاد همگن و دوری سکه‌آدمیت، در زبان دانایان و اندیشه‌وران همه دوران‌ها ملازم دانسته شدند ... استاد هادی دربان حسینی در روزگاری به فکر این اقدام افتاده که سودای جنگ و جنون، جهان را در آستانه آشتفتگی قرار داده و انسان دوستی و ارزش‌های انسانی پی سپر ارزش‌های نابکار شده است. او به خوبی دریافت که اکسیر هنر همچنان

بهترین نوشدار و برای درمان مالیخولیای جنگ و تباہی است.» به گفته خود کاتب اثر، هدف خلق این قطعات ایجاد روحیه دوستی برای رسیدن به تکامل معنوی و زدودن تاریکی هاست. در ابتدا مجموعه‌ای از هنرمندان و کارشناسان ادبی با در نظر گرفتن مفهوم صلح در ادبیات جهان به جمع‌آوری آثار غنی ادبی پرداختند. پس از برگزاری نمایشگاهی از این آثار، استقبال بزرگانی چون دکتر الهی قمشه‌ای، ارزش و اهمیت کار را دوچندان کرد. این استقبال‌ها انگیزه‌ای برای مجموعه کردن این آثار شد و کتاب صلح و سلام رونمایی شد.

خط زیبا و با اصالت نستعلیق هادی دربان حسینی در میان نگارگری و تذهیب هنرمندان بر جسته کشورمان هر برگی از کتاب صلح و سلام را دیدنی و خواندنی کرده است. دوایر و حرکات قلم در جای جای صفحه، دلنشیزی آثار را برای عموم مخاطبان به همراه می‌آورد.

از ویژگی‌های مهم این اثر می‌توان به دوزبانه بودن آن اشاره کرد. در مقابل هر یک از قطعه‌ها که با خط زیبای نستعلیق به رشتہ تحریر درآمده



### یکی از نمونه آثار قطعه شده را می خوانیم:

عشق یعنی مرا جغرافیا در کار نیاشد و تو را تاریخ، یعنی تو با صدای من سخن‌گویی، با چشم‌های من بنگری و جهان را با انگشتان من کشف کنی (نزار قبانی)

به امید آنکه روزی شاهد هنرمندان عاشق و در عین حال پویایی باشیم که با به کارگیری هنر و صنعت‌های مرتبط به آن از جمله ادبیات و با شناسایی ظرفیت و سلاطیق و علایق مردم به خلق اثر در زمینه دغدغه‌های جامعه جهانی از جمله صلح پردازند و اقدامات کارا و ارزشمند این هنرمندان موجب ماندگاری پیوند هنر و صلح در تاریخ شود.

یادآور می‌شود که مرور این کتاب و مفاهیم ارزشمند آن، گامی برای ایده‌بایی توسط دییران فرهنگ و هنر است. زیرا آشنا ساختن دانش‌آموزان با موضوع مهم صلح و ایجاد روحیه همزیستی یکی از ضرورت‌های تعلیم و تربیت هنری است.

ترجمه انگلیسی آن قرار داده شده است. با این کار نه تنها فارسی‌زبانان بلکه انسان‌هایی با نژادها، رنگ‌ها و زبان‌های دیگر امکان بهره‌مندی از این کتاب را خواهند داشت و همین نکته تصدیقی بر واقعیت داشتن پیام صلح همگانی از ایرانیان برای جهانیان است. از دیگر ویژگی‌هایی که می‌تواند برای مخاطبان کتاب حائز اهمیت باشد معرفی سراینده‌های اشعار انتخابی نگاشته شده است. شاعرانی از قرن‌های گذشته تا معاصر که کلام مشترک‌کشان در طول تاریخ در یک واژه صلح خلاصه شده به‌طوری که یکی از همین شاعران می‌گوید: «ما سطرهای مشترک قصه همیم». (که قطعه این نیز در کتاب موجود است.) همین اشتراک نظرها و انتقال مفاهیم در قالب ادبیات و هنر خوشنویسی، آن‌هم از زبان بزرگان تاریخ، همگی دانه‌های مرواریدی هستند که این زنجیره را پیوسته، ارزشمند و تأثیرگذار خواهند کرد. همچنین انتخاب اشعار هنرمندانه‌ای که به جان می‌نشینند کتاب صلح و سلام را تبدیل به اثری مخاطب‌پسند کرده است.



زنده‌یاد بهنام کیا (۱۳۹۸-۱۳۴۲) از نادر افرادی بود که انجام وظيفة صادقانه را بازیست هنرمندانه به خوبی تلفیق کرده بود. برخاستن از حاشیه بیلاق‌های خیال‌انگیز شمال و آغاز زندگی شریف و فداکارانه در جهان معلمی، پیش‌زمینه‌هایی بود که از او راهروی سخت‌کوش در کار و عاشقی جوینده در هنر ساخته بود؛ شاید هماهنگ ساختن این دو کار عظیم برای هر کسی دشوار باشد اما دوست عزیز بهنام کیا این تلفیق را در سایه تلاش فراوان به خوبی به انجام رساند.

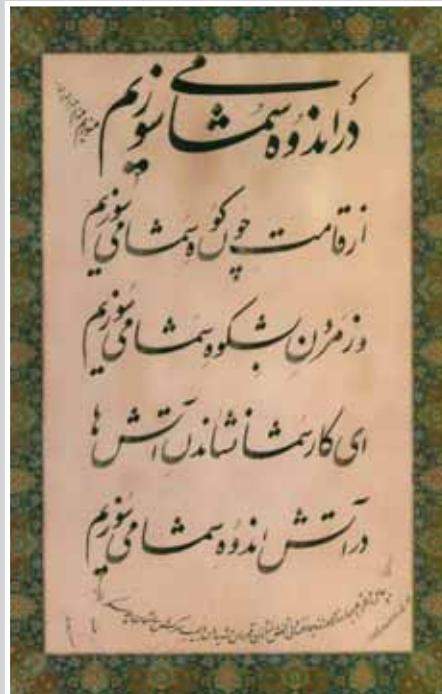
کیا از همان ایام نوجوانی دل در گرو خط زیبای فارسی نهاد. نحوه مواجهه او با خوشنویسی دل دادن به معشوق بود که باید برای ورود به حریم او از سر قدم عشق می‌ساخت. پس از همان سال‌ها نزد استادان بزرگ زانوی ارادت زد و به خوبی توانست با بهره‌گیری از شیوه خوشنویسی معاصرین ره توشه لازم را کسب کند.

در اواخر دهه شصت استاد کیا صفحاتی خوشنویسی شده از کتاب دیوان حافظ را به نگارنده نشان داد که استادی وی در نگارش در آن‌ها پیدا بود. اما از آنجا که کیا راه معلمی را از وزارت‌خانه به راه کارشناسی تبدیل کرده بود و آنجا نیز از جان مایه می‌گذاشت، نگارش این دیوان ناتمام ماند. حاصل دل‌سپاری او به خط در دهه‌های هفتاد، هشتاد و نود، نگارش قطعات خوشنویسی ممتازی است که در هر کدام شور و حال هنرمندانه، و به اصطلاح، اسطقس دار بودن خط موج می‌زند. او خطوطش را با قلم جان می‌نگاشت، به همین دلیل آثاری که خلق می‌کرد. خطوطی پر صلابت و در عین کمال و دلارایی بود. در خطوط بازمانده از او که از بهترین مضامین فرهنگی و آیات قرآن و ادبیات فارسی مایه‌ور شده‌اند، بیننده می‌تواند ظرافت، رقص قلم و پیچ و تاب‌های دلنشیں را به تماشا بنشیند. او با خامه مشکنی خود عطر زیبایی خط نستعلیق را مانند مشک معطر به شامه علاقمندن خط هدیه می‌داد. کیا انسانی مهروز و سرشار از عاطفه بود، به همین دلیل قطعات خطی را که می‌نوشت پلی برای تحکیم دوستی با دیگران قرار می‌داد و

یادی از عضو هیئت تحریریه رشد آموزش هنر؛ استاد بهنام کیا

## اخلاص در کار

# عشق در هنر



نمونه آثار استاد کیا



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

### مجله‌های دانش آموزی دبستانی

به صورت ماهنامه و ۹ شماره در سال تحمیلی منتشر می‌شوند:

- رشد گوک** برای دانش آموزان پیش دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد خودآموخته** برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش آموز** برای دانش آموزان پایه های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

### مجله‌های دانش آموزی متوسطه

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحمیلی منتشر می‌شوند:

- رشد بوجوان** برای دانش آموزان دوره اول آموزش متوسطه
- رشد باران** برای دانش آموزان دوره اول آموزش متوسطه
- رشد چال** برای دانش آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

### مجله‌های عمومی بزرگ‌سال

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحمیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش ابتدایی ▪ رشد فناوری آموزشی
- رشد مدرسه زندگی ▪ رشد معلم ▪ رشد آموزش خانواده

### مجله‌های تخصصی بزرگ‌سال

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحمیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ▪ رشد آموزش پیش دبستانی ▪ رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش تربیت بدنی ▪ رشد آموزش جغرافیا ▪ رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی ▪ رشد آموزش زبان‌های خارجی
- رشد آموزش زیست‌شناسی ▪ رشد آموزش شیمی ▪ رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کارداشی ▪ رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش مشاور مدرس‌هه ▪ رشد آموزش هنر ▪ رشد برهان متوسطه دوم
- رشد بیرت مدرسه

مجله‌های عمومی و تخصصی رشد برای معلمان، دانشجویان،  
و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

- نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴  
آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.
- تلفن و نامبر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰ ۱۴۷۸
- وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)



آن‌ها را به دوستان، آشنایان و همکارانش هدیه می‌داد و احساس باطنی خود را با حاشیه‌نگاری‌های پر حوصله به خوبی عیان می‌ساخت. بیننده می‌توانست در ک کند که در ورای حروف و کلمات نگاشته شده کیا دنیایی پر از احساس از قلمزنی با روح لطیف موج می‌زند. او به بهانه خط شادی‌ها و غم‌هایش را نیز بروز می‌داد. مناسبت‌های غمگناه و یا شادی‌آفرین نقطه عزیمت او برای نگارش قطعات ایده‌آل و هنری بود. به مدت یک دهه در هیئت تحریریه رشد آموزش هنر یاور و مشاور مجله بود و گاهی نیز مطالی می‌نگاشت. در انتخاب مضامین خوشنویسی و سوابس زیادی داشت و معمولاً اشعار مشکل، ولی پر معنا را عرصه ذوق آزمایی دست سیمین قلم خود قرار می‌داد.

دریغ اصلی صاحب این قلم این است که استاد بهنام کیا دیرزمانی بود که خون دل خویش را چونان مرکب بر صفحه جاری می‌کرد تا توانست با خامه حسن خط را در پختگی و رعنایی بنویسد.

اما افسوس که، به قول قیصر، «تا نگاه می‌کنی، وقت رفتن است» و او در اوج توانایی هنری و شایستگی کارشناسانه دعوت حق را لیک گفت تا در ملکوت اعلی، روزگاری دگر را در نزد «خطاط ازل» آغاز کند. برای اولین دوست هنرمند که کوله باری سی‌ساله از سلوک و همنشینی او بر صفحه دل ضبط است بیش از این‌ها می‌توان نگاشت. آنچه در این مختصر آمد نمایی نمایان و قطعاتی از تلاش دیده همیشه گریان قلم، و دوات جوشان استاد کیا است.

امید آنکه با همت همسر نیکو خصال او و فرزندانشان آثار و یادگاری‌های قلمی ایشان با طبعی نیکو آماده و در مقابل دیدگان علاقه‌مندان قرار گیرد.

همت مستدام مسئولان، استادان و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان را که استاد کیا آخرین سال‌های خدمت اثرگذار و تحول آفرین خود را در این مکان شریف سپری کرد، ارج می‌نهم و برای ایشان توفيق مستدام آرزومندم.

سردییر



وزارت امور خارجه  
بانک ملی ایران  
پرداختهای خارجی

سال رونق تولید

## رشد را شد

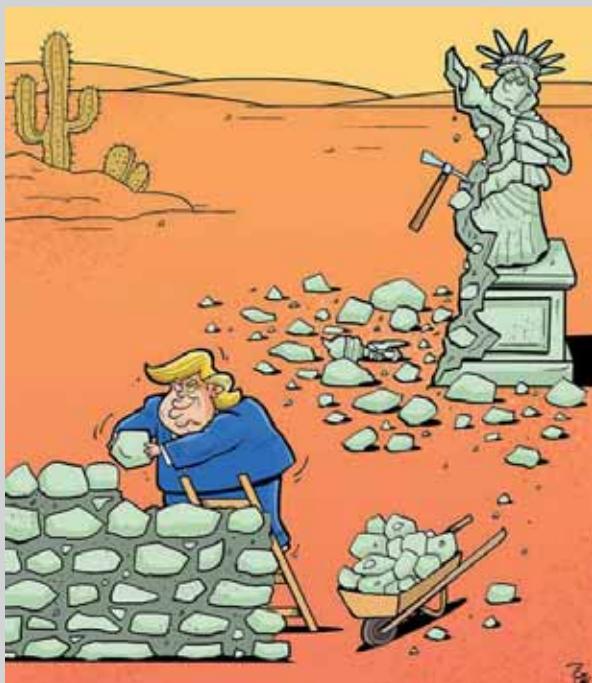
نحوه اشتراک مجلات رشد:

(الف) مراجعت به وبگاه مجلات رشد به نشانی [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.

(ب) واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۰۰۰۲۳۳۰۸۸۴۹۰۲۱۰۰۰۰۰۰۰۰۳۹۶۶۰۰۰ شماره آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره شبا: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳۰۸۸۴۹۰۲۱۰۰۰۰۰۰۰۰۳۹۶۶۰۰۰

شماره شبا: IR ۱۸۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۳۹۶۶۰۰۰

◆ عنوان مجلات در خواستی:



کاریکاتور: غلامرضا بagherی



کاریکاتور: مهندس زیدانی



کاریکاتور: محمدعلی رحیمی

◆ نام و نام خانوادگی: .....  
◆ تاریخ تولد: .....  
◆ میزان تحصیلات: .....  
◆ تلفن: .....  
◆ نشانی کامل پستی: .....  
◆ شهرستان: .....  
◆ استان: .....  
◆ خیابان: .....  
◆ پلاک: .....  
◆ شماره فیش بانکی: .....  
◆ مبلغ پرداختی: .....  
◆ اکنون مشترک مجله رشد بوده اید، شماره اشتراک خود را بنویسید: .....  
.....

امضا:

• نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

• تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۴۶۷۳۰۸

Email: [Eshterak@roshdmag.ir](mailto:Eshterak@roshdmag.ir)

◆ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۵۵۰/۰۰۰

◆ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۳۵۰/۰۰۰



منبع: مسابقه بین المللی کارتون و کاریکاتور ترازیمی  
اثر نقدید شده: شهرام شمزادی



# انقلاب اسلامی ایران در آینه هنر

